



مرکز تحقیقات رایانگی

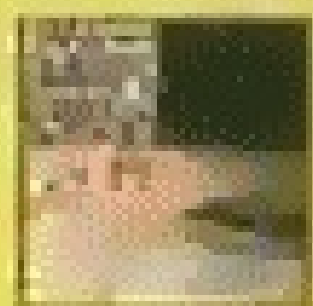
اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تاریخ و آثار اسلامی مکہ مکرمہ و مدینہ منورہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره ۱

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۳	تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره
۲۳	مشخصات کتاب
۲۳	زیبایی حج
۲۴	مقدمه چاپ اول
۲۴	مقدمه چاپ هفتم
۲۴	اشاره
۲۵	زمینه
۲۵	موقعیت جغرافیایی و تاریخی شبه جزیره عربستان
۲۵	اشاره
۲۵	۱. تِهَامَه
۲۶	۲. حِجَاز
۲۶	۳. نَجْد
۲۶	۴. یَمَن
۲۶	۵. عَرُوض
۲۶	۶. حَضْرَمَوْت و الْمَهْرَه «۲»
۲۶	بیابان‌ها و صحراهای شبه جزیره
۲۶	اشاره
۲۷	۱. بَادِیَةُ الشَّام
۲۷	۲. نَقُود «۲»
۲۷	۳. الدَّهْنَاء «۳»
۲۷	۴. الرِّبْعُ الخَالِی
۲۷	۵. احقاف

- شبه جزیره در بستر تاریخ ۲۷
- اشاره ۲۷
۱. عربستان سعید (خوشبخت) «۳» ۲۷
۲. عربستان صخره‌ای «۳» ۲۸
۳. عربستان صحرائی «۶» ۲۸
- عرب و اقسام آن ۲۸
- اشاره ۲۸
۱. عرب عاریه: ۲۸
۲. عرب مُشْتَعْرِبَه ۲۹
۳. عرب باندِه ۲۹
- اهل وَبَر ۲۹
- اهل مَدَر ۲۹
- دین در شبه جزیره ۲۹
- اشاره ۲۹
۱. پرستش ارواح و مظاهر طبیعت ۲۹
۲. یهود ۳۰
۳. مسیحیت ۳۰
۴. زرتشتی‌گری ۳۰
۵. حنفا ۳۰
۶. بت پرستی ۳۱
- آشنایی با کشور عربستان ۳۱
۱. حدود و موقعیت طبیعی و جغرافیایی ۳۱
۲. آب و هوای عربستان ۳۲
۳. تولیدات زراعی و صنعتی در عربستان ۳۲

- ۳۲ ۴- فرودگاه‌های عربستان
- ۳۳ ۵. بنادر مهم عربستان
- ۳۳ بخش اول: تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرّمه
- ۳۳ فصل اول: مکه مکرّمه در بستر تاریخ
- ۳۳ الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرّمه
- ۳۴ ب) نام‌های مکه مکرّمه
- ۳۴ اشاره
- ۳۴ ۱- بَکّه:
- ۳۴ ۲- مَکّه
- ۳۴ ۳- اُمُّ الْقُرَى
- ۳۵ ۴- بلد الأَمین
- ۳۵ ج. فضایل مکه مکرّمه و مسجدالحرام
- ۳۵ فصل دوم: سیر تاریخی کعبه و مسجدالحرام
- ۳۵ الف- کعبه «۱» نخستین خانه در زمین
- ۳۶ ب) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام
- ۳۶ ج. سیر بنا و بازسازی کعبه
- ۳۷ د. آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام
- ۳۷ ۱- حَجْرُ الْأَسْوَد و تاریخچه آن
- ۳۸ ۲- ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی
- ۳۹ ۳- شَادَزْوَان
- ۳۹ ۴- ناودان طلا (میزاب)
- ۳۹ ۵- باب کعبه
- ۴۰ ۶- درون کعبه
- ۴۱ ۷- مُشْتَجَار

- ۸- مُلْتَزَم ۴۱
- ۹- مِعْجَنَه ۴۱
- ۱۰- حَطِيم ۴۱
- ۱۱- پوشش كعبه (الْكِسْوَةُ) ۴۱
- ۱۲- مقام ابراهيم عليه السلام ۴۲
- ۱۳- حِجْر اسماعيل عليه السلام ۴۳
- ۱۳- چاه زمزم، تاريخچه و فضيلت آن ۴۴
- ۱۴- صفا و مروه (مَسْعَى و حوادث تاريخی آن ۴۵
- ه) مسجدالحرام و سير تاريخی آن ۴۶
- اشاره ۴۶
- الف- توسعه خليفه دوم (۱۷ هجرى - ۶۳۸ ميلادى) ۴۶
- ب- توسعه خليفه سوم (۲۶ هجرى - ۶۴۶ ميلادى) ۴۷
- ج- توسعه عبداللّه بن زُبَير بن عوام (۵۶ هجرى - ۶۸۸ ميلادى) ۴۷
- د- توسعه عبدالملك بن مروان و فرزندش وليد (۷۵ و ۹۱ هجرى - ۶۹۴ و ۷۰۹ ميلادى) ۴۷
- ه- توسعه منصور عباسى (۱۳۷ هجرى - ۷۵۴ ميلادى) ۴۷
- و- توسعه مهدى عباسى (۱۶۰ و ۱۶۴ هجرى - ۷۷۶ - ۷۸۰ ميلادى) ۴۸
- ز- توسعه دوران سعودى ۴۸
- و) دره‌هاى مسجد الحرام از ابتدا تا كنون ۴۸
- فصل سوم: كوه‌ها و شعب‌هاى مهمّ مكّه ۴۹
- الف- كوه‌ها ۴۹
۱. جبل التُّور: غار حِرا (مهبط وحى) ۴۹
۲. ابوقَبَيس ۵۰
۳. كوه تُّور (مخفى گاه هجرت) ۵۰
۴. الحَجَّون «۲» ۵۱

۵. کوه خَلِيفَه ۵۱
۶. کوه خَنْدَمَه ۵۱
۷. ثَبِير ۵۱
۸. قُعَيْقُوعَان ۵۱
- ب- شعبها (دَرّه‌ها) ۵۲
- اشاره ۵۲
۱. شعب ابی دُب ۵۲
۲. شعب ابوطالب (محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) ۵۲
- فصل چهارم مساجد تاریخی موجود مکه ۵۲
- ۱- مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله ۵۲
- ۲- مسجد الجِنّ: مسجد الحَرَس ۵۳
- ۳- مسجد الزّایه ۵۳
- ۴- مسجد البیْعَة: مسجد الغنم ۵۴
- ۵- مسجد شجره ۵۴
- ۶- مسجد ابوبکر ۵۴
- ۷- مسجد الاجابه ۵۴
- ۸- مسجد خالد بن ولید ۵۵
- ۹- مسجد فتح ۵۵
- فصل پنجم: قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح ۵۵
- الف- قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعَلّی) ۵۵
- اشاره ۵۵
- فضایل قبرستان ابوطالب ۵۵
- به خاک آرمیدگان قبرستان ابوطالب ۵۶
- اشاره ۵۶

- ۱- قُصَيِّ بنِ كِلَاب (جدّ اعلاى پیامبر خدا صلى الله عليه و آله) ۵۶
- ۲- عبدالمطلب بن هاشم ۵۶
- ۳- ابوطالب بن عبدالمطلب ۵۷
- ۴- خدیجه علیها السلام ۵۷
- ۵- قاسم بن محمد صلى الله عليه و آله ۵۷
- قبور دیگر در گورستان ابوطالب ۵۸
- ب- مزار گمنام شهدای فح ۵۸
- فصل ششم: خانه‌ها و مساجد تاریخی مکه (تخریب شده در دوران سعودی) ۵۹
- الف- خانه‌های تخریب شده ۵۹
۱. خانه اَزْقَم بن ابی ارقم ۵۹
- ۲- دارالتدوه یا انجمن مشورت ۵۹
۳. خانه خدیجه علیها السلام ۵۹
۴. خانه ابوطالب ۶۰
۵. زادگاه حضرت حمزه، سیدالشهدا (ع) ۶۰
۶. خانه عبدالله بن جُدعان ۶۰
۷. خانه حارث بن عبدالمطلب ۶۰
۸. زادگاه امام جعفر صادق علیه السلام ۶۱
- ب- مساجد تخریب شده ۶۱
۱. مسجد انشقاق القمر: بلال حبشی ۶۱
۲. مسجد ابراهیم علیه السلام ۶۱
- فصل هفتم: میقات‌های حج و حدود حرم ۶۲
- الف- میقات‌های حج ۶۲
- اشاره ۶۲
۱. ذو الخلیفه (مسجد شجره: آبار علی علیه السلام) ۶۲

۲. جُحْفَه ۶۲
۳. وادی «۳» عقیق ۶۲
۴. قَرْنُ الْمَنَازِل ۶۲
۵. یَلْمَلَم ۶۳
۶. فَخ ۶۳
- ب- حدود حرم و علت تحریم ۶۳
- اشاره ۶۳
۱. سمت طائف: وادی عُرْتَه (عرفات) ۶۴
۲. وادی نخله ۶۴
۳. جِغْرَانَه ۶۴
- ۴- تَنْعِیم ۶۴
۵. حُدَیْبِیَه ۶۴
۶. اِضَاءَةُ لَبْن ۶۴
- ج- مساجد منطقه آغازین حرم ۶۴
۱. مسجد تَنْعِیم ۶۵
۲. مسجد حُدَیْبِیَه: رِضْوَان: آل شَمْسِی ۶۵
۳. مسجد جِغْرَانَه ۶۶
- فصل هشتم: مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و منی) ۶۶
- الف- سرزمین عرفات ۶۶
- اشاره ۶۶
- وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات ۶۷
- مسجد نَمْرَه: جامع ابراهیم علیه السلام ۶۷
- جبل الرَّحْمَه ۶۸
- ب- مَشْعَرُ الْحَرَام- مُزْدَلِفَه ۶۸

- ۶۸ اشاره
- ۶۹ مسجد مُرْدَلَفَه: مشعرالحرام
- ۶۹ ج- وادی مُحَسَّر
- ۶۹ د- سرزمین منا
- ۶۹ اشاره
- ۷۰ جَمَرَات سه‌گانه
- ۷۰ مساجد موجود در منا
- ۷۰ ۱ / ۱- مسجد خَیْف
- ۷۱ ۱ / ۲- مسجد البیعَه
- ۷۱ مساجد تخریب‌شده در منا
- ۷۱ ۲ / ۱- مسجد الکَبِش: التَّخْر
- ۷۱ ۲ / ۲- مسجد الصَّفَانِح
- ۷۱ ۳ / ۲- مسجد الکُوثر
- ۷۲ فصل نهم: اماکن تاریخی بین مکه و مدینه
- ۷۲ ۱- مزار شهدای بدر
- ۷۲ ۲- مسجد عریش
- ۷۲ ۳- رَیْذَه (زادگاه، تبعیدگاه و آرامگاه ابوذر غفاری)
- ۷۲ ۴- غدیر خم
- ۷۳ ۵- مسجد غدیر خم
- ۷۳ ۶- زیارتگاه ابواء «۴»
- ۷۳ اشاره
- ۷۳ ۱- عبدالرحمان بن حسن بن علی علیه السلام
- ۷۳ ۲- موسی بن نُصَیر
- ۷۳ ۳- حاج سید میرزا حسن شهید

۷۳	بخش دوم: تاریخ و آثار اسلامی مدینه منوره
۷۳	فصل اول مدینه در بستر تاریخ
۷۴	موقعیت جغرافیایی مدینه منوره
۷۴	نگاهی به تاریخ یثرب
۷۴	اشاره
۷۶	نام‌های مدینه
۷۶	فضایل مدینه منوره
۷۶	مقدمات هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه
۷۷	فصل دوم مسجد التبی صلی الله علیه و آله و آثار آن
۷۸	الف- مسجد التبی در گذر تاریخ
۷۸	اشاره
۷۹	آثار تاریخی و مقدس مسجدالتبی صلی الله علیه و آله
۷۹	۱- ستون‌های مسجدالتبی صلی الله علیه و آله
۷۹	اشاره
۷۹	۱ / ۱- مَحَلَّته
۷۹	۱ / ۲- عایشه
۸۰	۱ / ۳- توبه: ابی لُبابه
۸۰	۱ / ۴- سریر
۸۰	۱ / ۵- مَحْرَسُن: علی بن ابی طالب علیه السلام
۸۱	۱ / ۶- وُفُود
۸۱	۱ / ۷- مقام جبرئیل علیه السلام «۲»
۸۱	۱ / ۸- تهجد
۸۱	۱ / ۹- حَنَّانه
۸۲	۲- ایوان صَفّه یا منزلگاه فقرا

- ۳- منبر ۸۲
- ۴- محرابها ۸۳
- ۴ / ۱- محراب التبی صلی الله علیه و آله ۸۳
- ۴ / ۲- محراب التّهجد ۸۳
- ۴ / ۳- محراب فاطمه علیها السلام ۸۳
- ۴ / ۴- محراب عثمانی ۸۳
- ۴ / ۵- محراب سلیمانی: حنفی ۸۴
- ۵- روضه التبی صلی الله علیه و آله ۸۴
- ۶- بیت شریف پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ۸۵
- ۷- خانه فاطمه علیها السلام ۸۵
- ۸- مرقد مطهر و منور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ۸۵
- اشاره ۸۶
- ۸ / ۱- پوشش قبر ۸۶
- ۸ / ۲- قنادیل داخل ۸۷
- ۹- قبر فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله ۸۷
- ۱۰- مکان الجنائز (محل نماز بر مردگان) ۸۸
- ۱۱- مقام و مهبط جبرئیل امین علیه السلام ۸۸
- ۱۲- محل اذان بلال ۸۸
- ۱۳- درهای مسجد ۸۹
- ۱۴- مئذنه‌ها (مناره‌ها) ۹۰
- ۱۵- قبه الخضر ۹۱
- ۱۶- گنبد زرقاء «۱» ۹۱
- آتش‌سوزی‌های مسجدالتبی صلی الله علیه و آله ۹۱
- الف- نخستین آتش‌سوزی ۹۱

- ب- دومین آتش‌سوزی ۹۲
- سیر تاریخی توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله از آغاز تا کنون ۹۲
- ۱- دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (۷ ق.) ۹۲
- ۲- خلیفه دوم (۱۷ ق.) ۹۲
- ۳- خلیفه سوم (۲۹ ق.) ۹۳
- ۴- عمر بن عبدالعزیز (۸۸ ق.) ۹۳
- ۵- مهدی عباسی (۱۶۰ ق.) ۹۳
- ۶- ملک اشرف قایتبای (۸۴۵-۹۰۰ ق.) ۹۳
- ۷- عثمانی (۸۸۸-۱۲۸۰ ق.) ۹۴
- ۸- سعودی (۱۲۷۲-۱۴۱۶ ق.) ۹۴
- فهرست آثار و اماکن اسلامی اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله که به دنبال توسعه در دوران سعودی تخریب شده‌اند: ۹۵
- اشاره ۹۵
- الف- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه جنوبی و جنوب شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله: ۹۶
- ب- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شمالی و شمال شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله: ۹۶
- ج- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله: ۹۶
- د- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله: ۹۶
- فصل سوم: خانه‌ها و مساجد تخریب شده در دوران سعودی ۹۷
- الف- خانه‌های تخریب شده در پیرامون مسجد النبی صلی الله علیه و آله ۹۷
- اشاره ۹۷
۱. ابو ایوب انصاری ۹۷
۲. امام صادق علیه السلام ۹۷
۳. حسن بن زید ۹۷
۴. ابوبکر بن ابی قُحافه ۹۷
۵. عمر بن خطاب ۹۸

۶. عبدالله بن عمر بن خطاب ۹۸
۷. خالد بن ولید ۹۸
۸. مروان بن حکم ۹۸
۹. عثمان بن عفان ۹۸
۱۰. طلحة بن عبیدالله ۹۸
۱۱. عمار بن یاسر ۹۸
۱۲. زُیْطَه دختر سَقَّاح عباسی ۹۸
۱۳. رباح پدر بلال حبشی ۹۹
۱۴. مقداد بن اسود ۹۹
- سقیفه بنی ساعده ۹۹
- ب- مساجد تخریب شده در دوران سعودی ۹۹
- اشاره ۹۹
۱. بنوعدی بن نَجَّار: دارالتَّابِغَه ۹۹
۲. بنو ظفر: بَغْلَه ۹۹
۳. مسجد دار سعد بن خيثمه ۱۰۰
۴. بنو حارثه ۱۰۰
۵. عرفه: عمره ۱۰۰
۶. مَضْرَع: وادی ۱۰۰
۷. حمزه سید الشهداء علیه السلام ۱۰۰
۸. جبل رماة ۱۰۱
۹. بنو زریق ۱۰۱
۱۰. اَبِی بن کَعْب: مسجد البقیع ۱۰۱
۱۱. بنی ساعده ۱۰۱
۱۲. فَنِیْفاء الخَبَّار ۱۰۱

- ۱۰۲ ۱۳. فاطمه صغری
- ۱۰۲ ۱۴. قشله: عسکریه
- ۱۰۲ ۱۵. بلال بن رباح
- ۱۰۲ ۱۶. تَنْتِيَةُ الْوُدَاعِ
- ۱۰۲ ۱۷. عثمان بن عفّان
- ۱۰۲ ۱۸. علی عُرَيْضِي
- ۱۰۲ فصل چهارم مساجد تاریخی مدینه منوره
- ۱۰۲ الف- منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)
- ۱۰۲ اشاره
- ۱۰۳ ۱. مسجد قُبا
- ۱۰۴ ۲. جمعه: عاتکه
- ۱۰۵ ۳. بناتُ النَّجَارِ
- ۱۰۵ ۴. مَضْبِج
- ۱۰۵ ب- مساجد پیرامونی مسجد النبی صلی الله علیه و آله (جنوب غربی مدینه)
- ۱۰۵ ۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجدالتبی)
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۶ ۱ / ۱- قشله عسکریه
- ۱۰۶ ۱ / ۲- عَمَامَه
- ۱۰۶ ۱ / ۳- عمر بن خطاب
- ۱۰۶ ۱ / ۴- مالک بن سنان
- ۱۰۷ ۱ / ۵- عثمان بن عفّان
- ۱۰۷ ۱ / ۶- علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۱۰۷ ۱ / ۷- بلال بن رباح
- ۱۰۷ ۱ / ۸- مسجد ابوبکر بن ابی قحافه

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله ۱۰۸
- ۱ / ۲- سُقیا ۱۰۸
- ۲ / ۲- مَغْسَلَه: بنی دینار ۱۰۸
- ۳- مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی صلی الله علیه و آله ۱۰۸
- ۱ / ۳- الاجابَةُ: مباحله ۳ ۱۰۸
- ۲ / ۳- ابوذَر غفاری ۱۰۹
- ج- منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه) ۱۰۹
- اشاره ۱۰۹
- ۱- مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه) ۱۱۰
- ۱ / ۱- فتح ۱۱۰
- ۲ / ۱- سلمان فارسی ۱۱۰
- ۳ / ۱- علی بن ابی طالب علیه السلام ۱۱۰
- ۴ / ۱- ابوبکر بن ابی قحافه ۱۱۱
- ۵ / ۱- عمر بن خطاب ۱۱۱
- ۶ / ۱- فاطمه علیها السلام ۱۱۱
- ۷ / ۱- ذو قبلتین ۱۱۱
- ۲- مساجد دیگر منطقه احزاب ۱۱۲
- ۱ / ۲- الرّایه: ذِباب «۳» ۱۱۲
- ۲ / ۲- مسجد بنی حرام کبیر ۱۱۲
- د- منطقه احد و مساجد پیرامون آن ۱۱۲
۱. المستراح (محلّ استراحت) ۱۱۲
۲. الدَّرْع: الشَّیْخَان ۱۱۳
۳. عَیْنِین ۱۱۳
۴. ثنایا: قُبَّة الثنایا ۱۱۳

۵. جبل احد: الفَصح ۱۱۳
۶. بنو حارثه ۱۱۴
- هـ- منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن ۱۱۴
- اشاره ۱۱۴
- ۱- مسجد بنی قریظه ۱۱۴
- ۲- مشربه امّ ابراهیم ۱۱۵
- ۳- فضیخ: رد الشمس: بنی نضیر ۱۱۵
- فصل پنجم: مقابر و زیارتگاه‌های مدینه ۱۱۶
- الف- قبرستان بقیع ۱۱۶
- اشاره ۱۱۶
- فضایل بقیع ۱۱۶
- گنبد و بارگاه‌های بقیع ۱۱۷
- اشاره ۱۱۷
- الف- بقعه و بارگاه ائمه علیهم السلام ۱۱۷
- ب- بقعه و بارگاه سایر قبور ۱۱۷
- به خاک آرمیدگان بقیع ۱۱۸
- ۱- عثمان بن مظعون ۱۱۸
- ۲- ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۱۸
- ۳- رقیه ۱۱۸
- ۴- امّ کلثوم ۱۱۸
- ۵- زینب ۱۱۹
- ۶- فاطمه بنت اسد ۱۱۹
- ۷- امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۱۹
- ۸- امام زین العابدین علیه السلام ۱۲۰

- ۹- امام باقر علیه السلام ۱۲۰
- ۱۰- امام صادق علیه السلام ۱۲۰
- ۱۱- عباس بن عبدالمطلب ۱۲۰
- ۲۰- ۱۲- قبور همسران رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۲۰
- ۲۱- صفیه بنت عبدالمطلب ۱۲۰
- ۲۲ و ۲۳- عاتکه و جمانه بنت عبدالمطلب ۱۲۱
- ۲۴- امّ البنین ۱۲۱
- ۲۵- عقیل بن ابی طالب ۱۲۱
- ۲۶- عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ۱۲۱
- ۲۷- محمد بن زید بن علی علیه السلام ۱۲۱
- ۲۸- مالک بن انس ۱۲۲
- ۲۹- نافع الفقیه ۱۲۲
- ۳۰- سفیان بن حارث ۱۲۲
- ۳۱- مجروحان احد ۱۲۲
- ۳۲- شهدای واقعه حرّه ۱۲۲
- ۳۳- عثمان بن عفّان ۱۲۲
- ۳۴- عبدالله بن مسعود ۱۲۳
- ۳۵- ابو سعید خُدّری ۱۲۳
- ۳۶- حلیمه سعدیه ۱۲۳
- ۳۷- اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- دیگر قبور بقیع ۱۲۳
- بیت الأحران ۱۲۴
- ب- زیارتگاه شهدای احد ۱۲۴

- ج- آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی) ۱۲۶
۱. مقبره عبدالله بن عبد المطلب ۱۲۶
۲. مقبره محمد بن عبدالله محض (نفس زکیه) ۱۲۶
۳. آرامگاه علی عَزِیْضِی بن جعفر بن محمد علیه السلام ۱۲۶
۴. مقبره عبدالله بن عباس در طائف ۱۲۶
- فصل ششم: کوه‌ها، وادی‌ها و ثنا‌یای مدینه‌التبی صلی الله علیه و آله ۱۲۷
- الف- کوه‌ها ۱۲۷
۱. احد ۱۲۷
۲. جبل عَیْنِین: الرُّمَاء ۱۲۸
۳. سَلْع ۱۲۸
۴. سَلِیع ۱۲۸
۵. عَیْر ۱۲۸
۶. ثَوْر ۱۲۸
۷. ذِباب «۵» ۱۲۹
۸. کوه‌های جماوات التَّلَاث ۱۲۹
- ب- وادی‌ها «۲» ۱۲۹
۱. عَقِیق ۱۲۹
۲. بُطْحَان «۱» ۱۲۹
۳. رَأْنَوَاء ۱۲۹
- ج- ثنیه‌ها «۳» ۱۳۰
۱. ثَنِیَّةُ الْوَدَاع ۱۳۰
۲. الْعُتُّعْث ۱۳۰
۳. ثَنِیَّةُ الشَّرِید ۱۳۰
- د- حصار و دروازه‌های مدینه ۱۳۰

- فصل هفتم: مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه النبی صلی الله علیه و آله ۱۳۱
- ۱- مسجد شجره: ذو الخلیفه (آبار علی علیه السلام) ۱۳۱
- ۲- مسجد مُغرس ۱۳۱
- ۳- مسجد سِرَف ۱۳۱
- ۴- مسجد علی عُریضی ۱۳۱
- ۵- منطقه فدک ۱۳۲
- ۶- منطقه خیبر ۱۳۲
- ۷- زیارتگاه ینبوع ۱۳۲
- منابع و مأخذ ۱۳۳
- الف) عربی ۱۳۳
- ب) فارسی ۱۳۷
- ج) خارجی ۱۳۷
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۷

تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره

مشخصات کتاب

سرشناسه: قانندان اصغر، ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور: تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره اصغر قانندان [برای حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. وضعیت ویراست: ویراست ۲. مشخصات نشر: تهران: مشعر ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۳۵۴ص، [۶۱]ص. تصویر: مصور (بخشی رنگی)، نقشه جدول. شابک: ۱۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۲۹۳-۴۰-۹؛ ۲۲۰۰۰ ریال چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۶۸-۰؛ ۲۵۰۰۰ ریال چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۹۳-۴۰-۳؛ وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: چاپ هفتم. یادداشت: چاپ هشتم: ۱۳۸۶ (فیبا). یادداشت: چاپ نهم: زمستان ۱۳۸۶. یادداشت: کتابنامه ص [۳۲۳] - ۳۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس. یادداشت: نمایه. مندرجات: بخش اول. ص. ۴۱ - ۱۶۶. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه. -- بخش دوم. ص. ۱۷۱ - ۳۲۰. تاریخ و آثار اسلامی مدینه منوره. موضوع: زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه -- تاریخ موضوع: زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه -- تاریخ موضوع: مسجدها -- عربستان سعودی -- مکه -- تاریخ موضوع: مسجدها -- عربستان سعودی -- مکه -- آثار تاریخی موضوع: مدینه -- آثار تاریخی شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت رده بندی کنگره: DS۲۱۱/ق۲ت۲ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۹۵۳/۸ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۲۳۴۸

زیبایی حج

«مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن که دستورات عبادی حج به‌طور صحیح و شایسته، مو به مو عمل شود.» حضرت امام خمینی قدس سره حج، نمایشی با شکوه از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسؤولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است. مؤمنان گرچه با این عبادت الهی آشنایی دیرینه دارند و هر سال با حضوری شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل با زمزم زلال توحید می‌زدیند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانده و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است تا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶ فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود و مؤمن حج گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف و مشاعر، که محلّ هبوط ملائکه الله و وقوف انبیا و اولیا است، گام بگذارد. در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل رحمه الله، احیاگر حج ابراهیمی و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله العالی - با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان و علاقمندان به فرهنگ حج و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو، در عرصه پژوهش، تألیف و ترجمه، آثار گوناگون در باره حقایق و معارف حج، آشنایی با اماکن مقدس، تاریخ و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و به‌ویژه آموزش مسائل و آداب حج، تلاش‌هایی را آغاز کرده است. آنچه اکنون پیش روی خواننده قرار دارد، برگ سبزی است از این دفتر. بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسایی‌ها خواهد کاست و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام

معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، دست آنان را به گرمی می‌فشارد. ومن الله التوفيق و عليه التكلان معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷ بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه چاپ اول

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (آل عمران: ۹۶) سپاس خدای - عزّ و جلّ - را که بر نگارنده منت نهاد و رهنمونش شد تا در باره تاریخ و آثار اسلامی ام‌القری و حرم امن الهی (مکه) و حرم رسولش (مدینه) دست به تألیف و نگارش زند؛ «مکه» ای که زمانی مهبط جبرئیل امین علیه السلام و منزلگاه وحی سرمدی بود و «مدینه» که موطن و مدفن خیرالبشر و ذریه پاک او است؛ همان جا که دین خدا در آن «کامل» و ختم رسولانش به او «لاحق» گردید و خداوند تبارک و تعالی بهترین مکان روی زمین؛ یعنی خانه خود و قطعه‌ای از باغ بهشت یعنی «روضه‌النبی» را در آن قرار داد و هزارها سال، افضل مساجد عالم یعنی «مسجد الحرام» و کعبه آن همواره محل عبادت و تهجد انبیا، اوصیا و پرستش خدای یکتا بود و پس از اسلام، مسجد النبّی آن، صدها سال مکان عبادت مسلمانان و موخّدان بوده و خواهد بود. مکه، سرزمین وحی و مدینه شهر رسول خاتم، دل میلیون‌ها آرزومند و عاشق دلباخته را از اقصی نقاط عالم به خود متوجه می‌سازد و همه ساله، امت اسلامی را برگرد شمع وجود خود حیاتی دوباره می‌بخشد. جای جای این سرزمین بو و نشانی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار و صحابه راستین و جلیل‌القدر او دارد. مکه زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸ مدینه هجرت گاه او، کوله‌باری هزار و چهارصد ساله از وقایع تلخ و شیرین، زجرها و شکنجه‌ها، ایثارها و شهادت‌ها را پس از بعثت نبوی و هجرت محمّدی به دوش می‌کشد. در حقیقت هر گوشه از این خاک مقدس، خاطره‌ای دلنشین، آثاری گویا و شواهدی زنده از حضور بهترین مخلوق عالم داشته و یادآور خاطره جانفشانی‌ها و تلاش‌های آن حضرت و صحابه گرامی او در راه اعتلای اسلام است. اکنون ضروری است برای پاسداری از اصالت و هویت تمدن و فرهنگ اسلامی خود، آثار مقدس این سرزمین را بیابیم، بشناسیم و بشناسانیم و سرانجام در کتیبه قلب و اوراق دل، همچون لوحی محفوظ ثبت کنیم. روند تخریب بسیاری از این آثار و اماکن اسلامی، که طی سال‌های اخیر رو به گسترش است، نگارنده را بر آن داشت تا برای حفظ و شناسایی این پیشینه تاریخی، به پژوهش و بررسی کامل و مستندی دست زند، باشد تا ان‌شاءالله مورد عنایت و توجه محققان، پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ اسلام و زائران بیت‌الله الحرام قرار گیرد. پژوهش حاضر، که بر اساس مستندترین و اصیل‌ترین منابع تاریخی قرون اولیه اسلامی و پژوهش‌های متأخر و جدید تهیه شده، سیر تاریخی آثار و اماکن مقدس مکه و مدینه را از آغاز تا کنون در دو بخش مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجا که بسیاری از این اماکن - متأسفانه - بر اثر حوادث طبیعی و یا اهداف مغرضانه، دستخوش تخریب و ویرانی گردیده؛ لذا فصل‌هایی را هم به شناسایی دقیق آن‌ها اختصاص داده‌ایم. در پایان، شایسته است از اهتمام معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری و دیگر کسانی که در تهیه، چاپ و نشر این اثر سهیم بوده‌اند، قدردانی کرده، از خداوند متعال توفیق روز افزون آنان را درخواست نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته اصغر قائدان ۱۳۷۲ / ۹ / ۵ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹

مقدمه چاپ هفتم

اشاره

فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (آل عمران: ۹۷) با عنایت و الطاف حضرت ربوبی، پس از گذشت یک دهه از چاپ نخست این کتاب، اکنون متن جدیدی پیش روی شما است که حاصل

چندین سفر و ماه‌ها تلاش و کوشش است. از آنجا که روند تغییرات و تحولات آثار تاریخی دو سرزمین مقدّس مکه و مدینه بسیار وسیع، سریع و پرشتاب است، ارائه هر گونه اطلاعات، پس از چندی مستلزم بازنگری و تجدید نظر خواهد بود. در مدّت نسبتاً طولانی که از نخستین چاپ این کتاب می‌گذرد، متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی دستخوش تخریب و ویرانی و بسیاری نیز خوشبختانه احیا و بازسازی شده‌اند و سیر مراحل توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی، که از آن هنگام آغاز گشته بود، اکنون به پایان رسیده است. از این رو، با تشویق‌ها و مساعدت‌های معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سیدعلی قاضی عسکر، که خود از محققان فاضل و اندیشمند هستند، بحمدالله تألیف حاضر با اطلاعات و آمار و ارقام جدید به محضر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰ فرهیختگان و دانشوران تقدیم می‌گردد؛ امید است خوانندگان عزیز و زائران بیت الله الحرام، اینجانب را مشمول دعای خیر خویش قرار دهند و هر گونه نقص و کاستی در این اثر را به دیده اغماض بر این کمترین فروگذارند یا منت نهند و حقیر را از الطاف و عنایات روشنگرانه و عالمانه خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم است از معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، که مقدمات چاپ مجدد این اثر را فراهم ساختند تشکر کنم و از ویراستار محترم جناب آقای ورسه‌ای و نیز آقای امامی که متن را به دقت نمونه‌خوانی کرده‌اند و سید صلاح موسوی و همکارانشان در مرکز تحقیقات حج، که صفحه‌آرایی اثر را برعهده داشتند و سایر عزیزان در نشر مشعر، سپاسگزاری و از خداوند سلامتی آنان را درخواست کنم. و علی الله التوکل اصغر قائدان ۱۳۸۴ / ۷ / ۷

زمینه

موقعیت جغرافیایی و تاریخی شبه جزیره عربستان

اشاره

شبه جزیره عربستان، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و منتهی الیه جنوب غربی آسیا واقع شده و از مغرب به آفریقا و از شرق و شمال شرق به آسیا متصل است. از این رو، آن را «شبه جزیره» خوانده‌اند که از سه سو به وسیله دریا محاصره شده و تنها سمت شمال آن خشکی است. دریاهایی که این شبه جزیره را محاصره کرده‌اند عبارت‌اند از: ۱. دریای سرخ یا قُلمز (بحر احمر) در مغرب ۲. دریای عرب در جنوب ۳. خلیج عدن در جنوب ۴. دریای عمان در شرق ۵. خلیج فارس در شرق ۶. دریای مدیترانه در شمال غرب. با این توصیف، شبه جزیره، شکلی مربع مستطیل، با اضلاع نامتساوی، به خود گرفته و مجموع مساحت آن، به بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع می‌رسد. امروزه کشورهای عربستان سعودی، یمن، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، کویت، اردن، سوریه، لبنان و فلسطین، در مجموع، شبه جزیره را تشکیل می‌دهند. جغرافی‌دانان در تعیین «مرز شمالی» شبه جزیره، دچار اختلاف شده‌اند، لیکن بر این مطلب متفق‌اند که خطی ممتد از ساحل دریای مدیترانه تا کناره رود فرات، مرز تقریبی آن را تشکیل می‌دهد. در منتهی الیه شمالی دریای سرخ، دو خلیج به نام‌های «عقبه» در شرق و «السویس» در غرب، شبه جزیره را به «صحرای سینا» و سپس «آفریقا» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲ متصل می‌سازد. حداکثر طول شبه جزیره ۲۳ درجه یا ۲۵۰۰ کیلومتر و حداکثر عرض آن (میان دریای سرخ و خلیج فارس) هزار کیلومتر است. جغرافی‌دانان عرب، شبه جزیره را به شش بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. تهامه

به قسمت غربی کوه‌های «سراه»، که از شمال به جنوب شبه جزیره به موازات دریای سرخ کشیده شده «تهامه» می‌گویند که از دامنه آن، تا سواحل دریای سرخ را در بر می‌گیرد. نام دیگر آن «عُور» است. از آن رو «تهامه» نامیده‌اند که حرارت و گرمای آن زیاد و

باد آن کم است «۱» و دیگر آن که سرزمین پست و ساحلی است. جده، مکه و نیمی از مدینه را جزو تهامه دانسته‌اند. «۲»

۲. حِجَاز

به قسمت شرقی کوه‌های سراة و حدّ فاصل میان ارتفاعات نجد و شرق تهامه، «حجاز» گفته‌اند که به شمال یمن منتهی می‌شود. حجاز از «حَجَز» به معنای حاجز و مانع است «۳» و چون میان تهامه و نجد فاصله و مانع ایجاد کرده است، آن را حجاز خوانده‌اند. «۴» شهر طائف و نیمی از مدینه در این بخش واقع است.

۳. نَجْد

نجد، ناحیه‌ای است مرتفع که پس از حجاز و میان یمن، صحرای سماوه، عروض و عراق واقع شده و چون از دیگر نواحی مرتفع‌تر است، آن را «نجد» خوانده‌اند. این قسمت از شمال به «بادیه السّماوه» و از جنوب به «یمن» محدود است و لذا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳ قسمت مرکزی عربستان را تشکیل می‌دهد. ریاض پایتخت عربستان، در این ناحیه قرار دارد.

۴. یَمَن

کشور یمن در جنوب حجاز و نجد؛ یعنی در منتهی الیه جنوب غربی شبه جزیره واقع است و از حاصل‌خیزترین نقاط شبه جزیره به شمار می‌رود. یمن از مجاورت نجد تا خلیج عدن و دریای عرب ادامه دارد و از طرف مشرق با «حَضْرَمَوْت» و دریای عَمّان همسایه است.

۵. عَرُوض

ناحیه عروض، شامل یمامه، عَمّان، بحرین و احساء است. از این رو، «عروض» نامیده‌اند که میان نجد، یمن و عراق فاصله ایجاد کرده است. «۱»

۶. حَضْرَمَوْت و الْمَهْرَه «۲»

ناحیه وسیعی است در شرق عدن و در کنار دریا با نام حضرموت، که صحرای «احقاف» در مجاورت آن بوده است. گویند حضرت هود در این منطقه به خاک سپرده شده است. بعضی آن را منتسب به «حَضْرَمَوْت بن قحطان» دانسته‌اند. از این منطقه در تورات، با نام «حاضر میت»، یعنی نخستین ساکن، یاد شده است. «۳» همچنین حضرموت و الْمَهْرَه را منطقه‌ای وسیع در کنار عَمّان و عدن دانسته‌اند. الْمَهْرَه از «مَهْرَه بن حیدان» گرفته شده و نیز نام قبیله‌ای بوده است.

بیابان‌ها و صحراهای شبه جزیره

اشاره

بخش بیشتری از این شبه جزیره را صحراها و کویرهای خشک و سوزان تشکیل می‌دهد که نه تنها قابل سکونت نیست بلکه گذر از آن نیز به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. زمین‌شناسان، عربستان را دنباله صحرای بزرگ آفریقا می‌دانند که به وسیله رود نیل و دریای سرخ از هم جدا شده است. صحراهای آن عبارت‌اند از:

۱. بادیه الشام

و آن در شمال شبه جزیره است و از حدود فلسطین تا جنوب غربی عراق ادامه دارد. حدود جنوبی آن نسبتاً آباد و دارای واحه‌های قابل سکونت است. «۱» این بخش از صحرا را، که امروزه بخشی از سوریه است، «بادیه السّماوه» نیز نام نهاده‌اند.

۲. نَفُود «۲»

ناحیه نَفُود صحرائی است وسیع، با شنهای نرم و سرخ، که وسعت آن به هفتاد هزار کیلومتر مربع می‌رسد. این صحرا میان جوف، جبل شَمَر و نجد واقع است. منطقه مذکور پر از توده‌های بزرگ ریگ و شن بوده و میان آن‌ها درّه‌های عمیقی است که هیچ‌گاه آب به اعماق آن نمی‌رسد.

۳. الدّهْءاء «۳»

این صحرا از شمال شرقی به جنوب شرقی عربستان امتداد دارد و در شمال تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵ حَضْرَمَوْتُ، میان الرُّبْع الخالی و نَفُود واقع شده و به صحرای سرخ نیز معروف است؛ کویری است بیکران و چندان سخت و صعب‌العبور که پای هیچ‌کس به آن نرسیده و حتی صحرانشینان نیز از پیمودن آن عاجزند. «۱» دهْءاء میان نجد، کویت و احساء واقع شده که از شمال غربی به سمت جنوب شرقی امتداد یافته است.

۴. الرُّبْع الخالی

کویر بسیار وسیعی است به این نام که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره واقع شده، و تمام منطقه جنوب و جنوب شرقی عربستان، جز سواحل عَمّان را فرا گرفته است. وسعت آن به ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد و از بزرگترین صحراهای شنی جهان است.

۵. احقاف

به صحراهایی واقع در شمال شرقی حَضْرَمَوْتُ در مشرق یمن و دهْءاء جنوبی احقاف گفته می‌شود. گویند حادثه تاریخی که در سوره احقاف از آن یاد شده؛ یعنی هلاکت قوم عاد، در این منطقه رخ داده است. همچنین گفته‌اند قبر پیامبر آنان؛ حضرت هود نیز در این مکان است. «۲»

شبه جزیره در بستر تاریخ

اشاره

شبه جزیره، از هزاره اول قبل از میلاد، به سه قسمت عمده تقسیم می‌شده است:

۱. عربستان سعید (خوشبخت) «۳»

ابن بخش، یکی از متمدن‌ترین بخش‌های سه‌گانه است که از هزاره اول قبل از میلاد دارای تمدنی با شکوه بوده است. عربستان سعید در منتهی الیه جنوب شبه جزیره واقع تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶ شده و دارای موقعیتی به شکل مثلث است که امروزه کشور

یمن در آن واقع است. در این قسمت، دولت‌های مَعینیان، قَتَبان، سَبَا «۱»، حَضْرَمَوْتُ، حِمَیریان و حَبَشیان «۲» یکی پس از دیگری به حکومت رسیده‌اند و آخرین دولت آن مقارن ظهور اسلام، دست نشانده دولت ساسانی ایران بودند که نخستین حاکم آن وهرز دیلمی و آخرین آن بازان است. با نامه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای بازان نوشت، وی و ایرانیان ساکن در این منطقه، همه مسلمان شدند. آنان نقش بسزایی در دفع فتنه اسود عَنسی - پیامبر دروغین - داشتند.

۲. عربستان صخره‌ای «۳»

بر اساس نظر بطلمیوس، این قسمت، از شبه جزیره سینا و دامنه متصل به آن؛ یعنی از فلسطین تا اردن بوده است. از حکومت‌های این سرزمین می‌توان به نبطیان اشاره کرد که پایتخت آنان «بِطْرَا» یا «پترا» بوده و بعدها «پالمیرا» یا «تَدْمُر» رونق یافت و جای آن را گرفت. چون کاخ‌ها و خانه‌های مردم این منطقه در دل کوه حفاری شده، آن را «عربستان صخره‌ای» نامیده‌اند. شایان یادآوری است، در قرن نهم قبل از میلاد، حدّ شمالی آن، تا دمشق می‌رسیده است. «۴» امروزه شهر پترا از شهرهای توریستی کشور اردن است که همه شهر با قصرها، منازل، معابد، ورزشگاه و قبور در داخل کوه حفاری شده و در قرآن کریم هم از آن یاد شده است. وَ كَانُوا يَنْجُتُونَ مِنَ الْجِبَالِ الَّتِي أُوتُوا بِهَا آمِنِينَ. «۵»

۳. عربستان صحرايي «۶»

عربستان صحرايي، بیابان‌های وسیع حدّ فاصل میان عراق و شام؛ یعنی همان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷ بادیة‌الشام را شامل می‌شده است. رودخانه فرات مرز شرقی آن و عربستان سعید مرز جنوبی آن بوده و در سمت شمال غربی و غرب، به عربستان سنگی متصل می‌شده است. «۱» دولت‌های غساسنه و لَحْمیان در این مناطق حکومت می‌کردند که هنگام ظهور اسلام و انجام فتوحات در شمال شبه جزیره، منقرض و بسیاری از مردم آن به اسلام گرویدند.

عرب و اقسام آن

اشاره

اصطلاح «عرب» در اصل به معنای «بدوی» و صحرانشین بوده است؛ زیرا «عُربیه» در عبری به معنای صحرا است و عرب به معنای صحرانشین است. «۲» در کتیبه‌های شلمنصر سوم و دیگر کتیبه‌هایی که در جنوب و یا شمال شبه جزیره کشف شده، لفظ عرب به صحرانشینان یا بدویان - نه شهرنشینان - اطلاق شده است. در قرآن کریم نیز چندین بار لفظ عرب یا اعراب آمده است؛ از جمله: ... قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا ... «۳»؛ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا ... «۴» در این جا منظور از اعراب، بادیه‌نشینان هستند نه مردم ساکن شهرها و این که «تَعَرَّبَ بعد الهجرة» منع شده؛ یعنی اعرابی شدن و صحرانشین شدن پس از هجرت و پذیرش اسلام، موجب کفر و خروج از دین است و اما در مورد آیه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ... باید گفت: قرآن به لهجه عرب؛ یعنی ساکنان شهرها و به‌ویژه قریش نازل شده است. شایان گفتن است بعضی به سبب انتساب به «عرب بن قحطان» آنان را عرب خوانده‌اند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸ الف: تقسیمات نژادی عرب: بیشتر علمای انساب، عرب را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند:

۱. عرب عاربة:

آنان عرب خالص‌اند که به سبب انتساب به یَعرب بن قحطان، «اعراب قحطانی» و به سبب سکونت در یمن «اعراب یمانی» نامیده

می‌شوند. «۱» عرب عاربه در مناطق جنوبی ساکن بودند و پس از خراب شدن «سد مأرب» به سمت شمال شبه جزیره رفتند و برخی در غَسَّان، برخی دیگر در یثرب (مدینه النبی صلی الله علیه و آله) ساکن شدند. دو قبیله اوس و خزرج که به انصار معروف‌اند، از اعراب قحطانی و عاربه هستند.

۲. عرب مُسْتَعْرَبه

آنان عرب ناخالص‌اند که به سبب مجاور بودن با اعراب خالص و یا اختلاط و امتزاج با آنان، عرب شدند. «۲» عرب مستعربه بیشتر در مرکز شبه جزیره و حجاز زندگی می‌کردند و چون نسل ایشان به «عدنان»، جد بیستم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، آنان را «اعراب عدنانی» و نیز از آن‌رو که از نسل اسماعیل علیه السلام هستند، «اعراب اسماعیلی» خوانده‌اند. قریش، که پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی هاشم از میان آنان هستند و نیز ثقیف، از اعراب مستعربه می‌باشند.

۳. عرب بَائِدَه

اینان چون از میان رفته‌اند، عرب «بائده» نام گرفته‌اند. اقوام عاد، ثمود، طَسْم، جُدَیْس، اَمِیم، جاسِم و عَییل از این دسته هستند. «۳» ب- تقسیمات اجتماعی عرب اعراب از لحاظ اجتماعی و حیات معیشتی، به دو دسته مهم تقسیم شده‌اند.

اهل وَبَر

این دسته به تمام اعرابی اطلاق می‌شود که در بیابان‌ها روزگار می‌گذرانند و حیات معیشتی آنان صحرایی است و به سرزمینی وابستگی ندارند. این گروه از اعراب، در خیمه‌هایی که از وَبَر یا پوست بافته می‌شود، به سر می‌برند. آنان همواره برای دستیابی به چراگاه‌های جدید و نیز تغذیه حیوانات خود، در حال جا به جایی از مکانی به مکان دیگر هستند. بدیهی است طبیعت خشک و بیابان‌های سوزان و کمبود آب، مراتع و نیز زندگی سخت، از آنان عناصری جنگجو، مبارز، مقاوم، خشن و انعطاف ناپذیر ساخته است.

اهل مَدَر

مَدَری‌ها کسانی هستند که در شهر ساکن بوده‌اند. مَدَر به معنای گِل و خشت است. چون آنان دارای خانه‌های ساخته شده از گِل و خشت بوده‌اند. بدیهی است زندگی شهرنشینی و ماندن در یک مکان، آنان را دارای زندگی و خصوصیات متفاوت از بادیه‌نشینان کرده و به تبع آن، تا حدی از نعمت سواد، فرهنگ و تمدن برخوردار شده‌اند.

دین در شبه جزیره

اشاره

پیش از ظهور اسلام، در هر یک از اکناف و گوشه‌های شبه جزیره، نوعی پرستش و دین خاص رواج داشت. انواع پرستش و یا ادیان نسبتاً مطرح، از ابتدا تا مقارن ظهور اسلام عبارت بودند از:

۱. پرستش ارواح و مظاهر طبیعت

در این منطقه، نمادهای طبیعت و ارواح، پرستش می‌شدند. ستاره پرستی، آفتاب پرستی، پرستش ماه و زهره در میان اعراب جنوبی مرسوم بوده است. اعتقاد به روح، جن، فرشته و غول از مظاهر پرستش ارواح و اجسام در میان آنان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰ است. در قرآن کریم نیز به پرستش فرشتگان و ملائکه به عنوان «دختران خدا» (۱) و نیز پرستش «جن» در میان ایشان اشاره شده است. (۲) بنابراین، تعدد خدایان و شرک در شبه جزیره رواج کامل داشته است.

۲. یهود

در مورد ورود یهود به شبه جزیره اختلافات فراوانی است و ما این مطلب را در بخش مدینه، به‌طور مفصل بررسی خواهیم کرد. یهودیان، بیشتر در حجاز؛ یعنی شهرهای یثرب، تیماء و خیبر و نیز در یمن زندگی می‌کردند. تعدادی از مردم حیره و غسان نیز به این دین گرویده بودند. گفتنی است، یهودیان یاد شده، از آرامیان و عربان نو یهودی بوده‌اند، نه از نژاد اسرائیل فرزند ابراهیم علیه السلام. (۳)

۳. مسیحیت

امپراتوری روم، همواره در پی فرصت بود تا بر بخشی از مناطق شبه جزیره، که از لحاظ سوق‌الجیشی برای مقابله با دولت ساسانیان دارای اهمیت فراوانی بود، از طریق اقدام نظامی و یا فرهنگی تسلط یابد و چون بسیاری از اقدامات نظامی او به نتیجه نرسید، کوشید از راه اشاعه مسیحیت، جای پاییی در این مناطق باز کند. نخستین گام را امپراتور روم کنستانتین برداشت و در سال ۳۵۶ میلادی هیأتی مسیحی به ریاست تنوفیلیوس به سوی جنوب شبه جزیره؛ یعنی یمن فرستاد. این هیأت کلیساهایی در عدن (سرزمین حمیریان) ساخت که معروف‌ترین آن‌ها کعبه نجران بود. مردم نجران در سال ۵۰۰ میلادی به وسیله فیلمون قدیس با مسیحیت آشنا شدند. این منطقه پس از چندی از مهمترین پایگاه‌های مسیحیت شد و هنگام ظهور اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله مسیحیان این مرکز را به مباحله دعوت کرد، ولی آنان نپذیرفته و پرداخت جزیه را پذیرا شدند.

۴. زرتشتی‌گری

در شبه جزیره، اقلیتی پیرو دین زرتشت بوده و در میان اعراب به مجوس شهرت داشته‌اند. البته گفتنی است بیشتر زرتشتیان ساکن در شبه جزیره، ایرانیانی بودند که در یمن، عمان و بحرین سکونت داشتند. همچنین گرایش‌هایی به مانویت نیز در بعضی اعراب قریش دیده می‌شده (۱) و در مناطق حیره نیز به سبب نزدیکی به ایران زرتشتی‌گری رایج بوده است.

۵. حنفا

تا کنون «حنیف» به عنوان دین مطرح نبوده و در گذشته کسانی را که پیرو دین ابراهیم علیه السلام بوده‌اند، حنیف یا حنفا خوانده‌اند. پایه‌های این اعتقاد بر یکتاپرستی و نفی شرک استوار بوده است. خداوند در قرآن کریم دین ابراهیم علیه السلام را این گونه وصف می‌کند: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. (۲) شایسته است گفته شود که پیروان این اعتقاد در شبه جزیره بسیار اندک بوده‌اند. آنان با تعقل و رأی و نظر خود، از پرستش بت‌ها و سایر خدایان خودداری کرده، به اعتکاف می‌پرداختند. برای بت‌ها قربانی نمی‌کردند و آنان را نمی‌پرستیدند. از عادات بد جاهلی به دور بودند و حج را همانند عصر ابراهیم علیه السلام انجام می‌دادند. آباء و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله همه بر این دین بوده‌اند.

۶. بت پرستی

از زمان بنای کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام، آیین توحیدی و دین حنیف در مکه رواج یافت و حضرت اسماعیل علیه السلام نیز آن را تداوم بخشید. مردم آن عصر تقدس و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲ احترام ویژه‌ای نسبت به کعبه قائل بودند و هرگاه کسانی از آنان به سفر رفته و یا مهاجرت می‌کردند، قطعه‌ای از سنگ‌های کعبه یا حرم را همراه خود می‌بردند و به آن تبرک می‌جستند و آن قطعه از سنگ را برای بزرگداشت کعبه نزد خود حفظ کرده و محترم می‌شمردند. دیری نپایید که این سنگ‌ها را تراشیدند و به اشکال و صور مختلف درآوردند. به این صورت، بت پرستی در شبه جزیره رواج یافت. آغاز بت پرستی را باید از زمان تسلط قبیله «خزاعه» بر مکه و تبعید «جرهمیان» دانست. «۱» با تسلط عمرو بن لُحی خُزاعی بر مکه، برای نخستین بار آیین بت پرستی رواج یافت. بر اساس گفته پیامبر صلی الله علیه و آله، او نخستین کسی بود که دین حضرت ابراهیم علیه السلام را تغییر داد و بت‌ها را به پای داشت. «۲» از این زمان، هر قبیله و یا حتی هر خانواده‌ای برای خود بت‌هایی از سنگ، که به آن «وثن» و نیز بت‌هایی از چوب یا طلا و نقره، که به آن «صنم» گفته‌اند، می‌ساختند. بعضی از بت‌ها میان چند خانواده و یا حتی چند قبیله مشترک بود. بت «لایت» از معروف‌ترین آن‌ها تا هنگام ظهور اسلام، به صورت سنگ چهار گوش سفید و مظهر انسان بود. بت لات، زیر مژده کنونی مسجد طائف قرار داشت مسلمانان پس از خراب کردن آن، در جایش مسجدی بنا نهادند؛ «۳» آن مسجد اکنون نیز موجود است. بت «مناء» از دیگر بت‌های مشهور عرب بود که قبیله اوس و خزرج در یثرب آن را می‌پرستیدند. هنگام ظهور اسلام نیز ۳۶۰ بت در داخل کعبه و ده‌ها بت نیز میان صفا و مروه بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با فتح مکه (سال هشتم هجری) وارد کعبه شدند و تمام بت‌ها را در هم شکستند. دیری نپایید با انجام سریه‌هایی به نقاط مختلف، شبه جزیره را از لوٹ وجود هرگونه بت پرستی و مظاهر شرک پیراستند. به رغم ترویج آیین بت پرستی، کما کان بعضی از آداب و رسوم دین حنیف؛ یعنی بزرگداشت کعبه، طواف بیت، انجام حج تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳ در ماه‌های حرام و نیز انجام عمره، وقوف در عرفات، مُزْدَلَفَه، قربانی و هِدْی شتران، تلبیه حج با آمیزه‌ای از شرک به اجرا در می‌آمد. برای نمونه، قبایل کنانه و قریش در هنگام مُحْرَم شدن چنین تلبیه می‌گفتند: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ، تَمْلِكُهُ وَمَا مَلَكَ». باید افزود که هر یک از قبایل، برای خود تلبیه مخصوص داشتند. «۱» هنگامی که اسلام ظهور یافت. حج را جلوه‌ای دیگر بخشید و آن را از هرگونه شرک و عادات جاهلی و امتیازات نابایسته، که در دست اهل «حُمس» «۲» قرار داشت، پیراست و آن را به عبادتی خاص برای خداوند یکتا تبدیل کرد.

آشنایی با کشور عربستان

۱. حدود و موقعیت طبیعی و جغرافیایی

کشور عربستان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای محدوده شبه جزیره است که در جنوب غربی آسیا واقع شده و با ۲/۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، دوازدهمین کشور جهان است و ۸۰٪ مساحت این شبه جزیره را به خود اختصاص داده است. این کشور از دو سو در محاصره دریا است؛ از غرب، دریای سرخ و از شرق، خلیج فارس آن را احاطه کرده است. همچنین کشورهای اردن، عراق و کویت در شمال و شمال غرب و امارات متحده عربی، قطر، عمان در شرق و کشور یمن در جنوب از همسایگان آن هستند. عربستان میان طول ۵۶- ۳۴/۴۰ درجه و عرض ۳۲- ۱۶/۳۰ درجه در شمال خط استوا؛ یعنی در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی واقع شده است. «مرز غربی» آن را سواحل دریای سرخ تشکیل می‌دهد که از خلیج عقبه در شمال تا میدی به طول ۲۴۰۰ کیلومتر امتداد می‌یابد و نیز از عقبه تا رأس مشعاب ۱۷۰۰ کیلومتر مسافت دارد. مرز ساحلی دریای سرخ در مجموع به ۱۸۰۰ کیلومتر می‌رسد. مرز

شرقی در امتداد آب‌های خلیج فارس از میان منطقه بی‌طرف (سعودی- کویتی) از سمت شمال آغاز و به دهکده «سولی» در جنوب، که ساحلی رملی است، ختم می‌گردد. طول مرز عربستان با خلیج فارس ۶۱۰ کیلومتر و طول ساحل شرقی از رأس تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۵ مشعب تا قطر ۶۰۰ کیلومتر و از میدی تا خلیج فارس ۱۷۶۰ کیلومتر ذکر شده است. «۱» مرز شمالی از رأس شیخ حمید بر خلیج عقبه تا رأس الخفجی بر خلیج فارس ۱۳۶۰ کیلومتر ذکر شده است. از سمت جنوب نیز به مرزهای یمن متصل است که از جیزان تا الحدود، ۱۷۰۰ کیلومتر طول دارد. براساس آخرین آمارگیری جمعیت در سال ۲۰۰۵ م. (؟؟؟ ۱۴۲۶ ق. / ۱۳۷۱ ش.) جمعیت عربستان ۲۶/۵۰۰/۰۰۰ نفر بوده که شامل افراد بومی و مقیم (و غیر بومی) هستند. «۲»

۲. آب و هوای عربستان

عربستان داخل کمربند سرزمینهای مداری است. چون بادهای خشک شمال شرقی در آن می‌وزد؛ دارای آب و هوای خشک و سوزان است. البته به جز نواحی جنوب غربی (اقلیم عسیر)، که بین دو اقلیم موسمی؛ یعنی هند در شرق و حبشه (اتیوپی) در جنوب غربی قرار دارد. از آنجا که عربستان دارای بادهای این دو اقلیم است، گاهی باران‌های موسمی تابستانی در آن می‌بارد. قسمت‌های شمالی عربستان نیز از آب و هوای دریای مدیترانه و بادهای آن تأثیر می‌پذیرد. به سبب این موقعیت ویژه آب و هوایی، تفاوت دما در شب و روز و تابستان و زمستان آن زیاد است؛ مثلاً در ماه ژانویه (دی ماه) پایین‌ترین دمای هوای مدینه ۲ درجه و بالاترین آن ۱۶/۶ درجه است و نیز در ماه ژوئیه (تیر ماه) پایین‌ترین دما ۱۷/۲ درجه و بالاترین آن ۴۴ درجه است. «۳» رطوبت هوای عربستان بیشتر ناشی از بخار آب‌های دریای سرخ و خلیج فارس است. فصل بارندگی در این کشور از ماه اکتبر (مهر ماه) آغاز و در ماه می (اردیبهشت) پایان می‌پذیرد. به استثنای اقلیم عسیر در جنوب، که به سبب وجود بادهای موسمی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۶ جنوب غربی، در فصل تابستان نیز بارندگی دارد. باران‌های عربستان به صورت ناگهانی و غافلگیرانه است و پس از جاری ساختن سیل‌های عظیم، در مدت کوتاهی ناگهان قطع می‌شود. شهر مکه و خانه کعبه تاکنون به سبب این سیل‌ها خسارت‌های جدی دیده است. ریزش باران‌ها در طول سال منظم نیست. گاه اندک و گاه بسیار زیاد است. طول روزهای بارندگی در سال، از ۳ تا ۴۰ روز است. بالاترین میزان بارش شهر مدینه در دی ماه است که به ۸/۳ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین آن در آذر ماه، ۲ میلی‌متر و در بقیه ماه‌ها نیز بارندگی ندارد. مجموع بارندگی این شهر در سال به ۱۴/۳ میلی‌متر می‌رسد. «۱»

۳. تولیدات زراعی و صنعتی در عربستان

بهترین تولیدات زراعی و صادرات غذایی عربستان خرما است که بیش از ۱۵ میلیون نخله خرما در آن کشور وجود دارد. از دیگر محصولات آن عبارت است از: گندم، جو، ذرت، توتون، قهوه و صیفی‌جات. مهم‌ترین صنایع و تولیدات صنعتی آن عبارت‌اند از تصفیه و پالایش نفت، صنایع آهن، سیمان، شیشه و پلاستیک، آلومینیوم، صنایع شیمیایی، پتروشیمی و استخراج سنگ مرمر. معادن مهم عربستان عبارت‌اند از: نفت (دومین تولید کننده نفت جهان)، گاز طبیعی، طلا، نقره، آهن، کرم، منگنز، سولفور، سرب، نمک، باروت و ... «۲»

۴- فرودگاه‌های عربستان

عربستان دارای چندین فرودگاه بین‌المللی و داخلی است که ارتباط این کشور با خارج و یا شهرهای داخلی را میسر می‌سازد. این فرودگاه‌ها عبارت‌اند از: ۱. فرودگاه بین‌المللی حَمدَه؛ این فرودگاه به نام «ملک عبدالعزیز» در فاصله ۱۹ کیلومتری شهر جدّه در زمینی به وسعت ۱۰۵۰ کیلومتر مربع بنا شده و یکی از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۷ پیشرفته‌ترین فرودگاه‌های جهان است. این

فرودگاه که بر روی بیش از چهل شرکت هواپیمایی خارجی باز است، هر هفته پنجاه پرواز در آن انجام می‌گیرد. فرودگاه در سال ۱۹۸۱ م. (۱۳۵۸ ش. افتتاح شده و دارای سه پایانه (ترمینال) است: الف- پایانه جنوبی که مخصوص خطوط هوایی سعودی است. ب- پایانه شماره دو، که به مسافران شرکت‌های هوایی خارجی اختصاص دارد. ج- پایانه مخصوص زائران که برای جابه‌جایی هشتاد هزار نفر زائر در یک زمان پیش‌بینی شده است. ۲. فرودگاه بین‌المللی «ظهران» ۳- فرودگاه مدینه منوره، که در سال ۱۳۸۳ نخستین پرواز از زائران ایرانی به فرودگاه مدینه هم صورت گرفت. ۴- فرودگاه «طائف». ۵- فرودگاه «ریاض». این کشور همچنین دارای ۲۵ فرودگاه مخصوص پروازهای داخلی است که شهرهای عربستان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. (۱)

۵. بنادر مهم عربستان

عربستان دارای چندین بندر مهم در نواحی شرقی و غربی است: ۱- جُدّه؛ از مهمترین بندرهای عربستان است. بعضی آن را به سبب وجود قبر حضرت حوّا، جَدّه انسان‌ها «جَدّه» نامیده‌اند؛ لیکن نام صحیح آن «جُدّه»، به معنای مکان متصل به دریا است. گروهی آن را به «جُدّه بن حزم بن ریان بن حلوان ... بن قضاعه» نیز منتسب ساخته‌اند. (۲) این شهر اکنون به وسیله بزرگراهی به نام «هجرت» به مکه متصل می‌شود. طول آن ۶۰ کیلومتر و مسافتش تا مدینه ۴۲۵ کیلومتر است. این شهر به جهت داشتن فرودگاهی تاریخی و آثار اسلامی، ص: ۳۸ بین‌المللی و بندری بزرگ موقعیتی ویژه دارد و مورد توجه است. فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی در آن نسبت به گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته و جمعیت آن بالغ بر ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر می‌باشد. ۲- ظهران؛ از دیگر بنادر مهم عربستان است که در ساحل خلیج فارس در سمت مشرق واقع شده و از مهم‌ترین مناطق و حوزه‌های نفتی این کشور است. نقشه؟؟؟

بخش اول: تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه

فصل اول: مکه مکرمه در بستر تاریخ

الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به نجد و ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. طول آن ۷۸ درجه و عرض آن ۲۳ درجه است و در اقلیم دوم قرار می‌گیرد. (۱) ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است و فاصله‌اش تا جدّه، با بزرگراه جدیدی که احداث شده، به ۶۰ کیلومتر کاهش یافته و به وسیله بزرگراه هجرت با مدینه نیز ۴۲۵ کیلومتر فاصله دارد. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و از این رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارت‌اند از: ۱. کوه فلق یا فلاح؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد. ۲. قُعیقُعان؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُعلُع، کَدّی «۲» از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند. شهر، از سمت شمال به جنوب حالت شیب و سرازیری دارد. سمت شمال را مَعْلَء تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۴ و سمت جنوب را مَسْفَلَه گویند. شهر مکه ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق الجیشی به آن بخشیده است. از این شهر، سه راه اصلی به سوی سه نقطه مهم منشعب می‌شده که بر اهمیت آن می‌افزوده است. این سه نقطه، یمن، فلسطین و دریای سرخ هستند. مساحت کنونی مکه بیش از ۴۸۰۰ هکتار و جمعیت ساکن آن بیش از ۶۰۰ هزار نفر است. آب و هوای مکه خشک و سوزان و گرمایش آزارنده است؛ زیرا کوه‌هایی که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی را سد کرده و صخره‌ها نور خورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می‌کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق‌العاده زیاد است. بارندگی در آن غالباً مقطعی و در دی ماه است؛ زیرا در منطقه

مداری واقع است. «۱» و به گاه بارش باران، چنان سیلی در چند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعت‌ها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شود و گاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر و اندی فرا می‌گیرد. برای جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلا ساخته‌اند.

ب) نام‌های مکه مکرمه

اشاره

اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند. قاضی مجدالدین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به نام «تجیر الموشین فی التبعیر بالستین والشین» آورده است که به برخی از آن نام‌های شصت‌گانه اشاره می‌شود: ۱. العروض ۲. السیل ۳. مخرج صدق ۴. البینه ۵. المعاد ۶. ام زحم ۷. ام زحیم ۸. ام صبح ۹. ام القرى ۱۰. البلد ۱۱. البلده ۱۲. البلد الامین ۱۳- البلد الحرام ۱۴. الرتاج ۱۵. الناصر ۱۶. حرم الله تعالی ۱۷. بلد الله تعالی ۱۸. فادان. ۱۹. الباسه. ۲۰. الناسه. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۵ برای هر یک از این اسامی دلایلی است و ما به وجه تسمیه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می‌کنیم:

۱- بکه:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ. «۱» گروهی «بکه» را همان «مکه» دانسته‌اند که «میم» آن تبدیل به «با» شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو قائل شده‌اند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بکه» و نام شهر را «مکه» دانسته‌اند. «۲» به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بکه باید یکی از نام‌های شهر باشد. برای بکه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بکه، از «بک» مشتق شده؛ یعنی غرور کردن کشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بکه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است. «۳»

۲- مکه

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ «۴» برای مکه نیز چند معنا گفته‌اند؛ از جمله: مکه، از «مک» به معنای کمی آب مشتق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۶ شده و علاقه مردم به این شهر یا استفاده آنان از آخرین قطره آب را- که در این سرزمین بسیار کمیاب است- نشان می‌دهد. بعضی نیز آن را از «تمکک العظم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان‌گونه که مغز استخوان، در میان آن است. «۱» برای مکه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مک یمک» گرفته شده و به معنای هلاک شدن و کاستن است و گویند هر کس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود. «۲» برای مکه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مکربا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لهجه ساکنان جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدس بوده‌اند، مکرَب یا مَقْرَب می‌خواندند. «۳»

۳- ام القرى

... وَ لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا «۴» مکه را از این رو «أُمُّ الْقُرَىٰ» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه، خشک بود و این خشکی اندک اندک از پیرامون کعبه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت. در اصطلاح لغوی و قرآنی، به این مسأله «دَحْوُ الْأَرْضِ» گویند که در قرآن کریم آمده است: وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا. «۵» مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد.

۴- بلد الامین

وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ* وَ طُورِ سَيْنِينَ* وَ هَذَا الْبَلَدِ الْاَمِينِ. «۱» بلد امین، به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امتیت و حرمتش را بیان کرده است.

ج. فضایل مکه مکرمه و مسجدالحرام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَاللَّهِ إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَ أَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَيَّ، وَ لَوْ لَا إِنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ» «۲» «به خدا سوگند که تو [مکه] بهترین و محبوبترین زمین خدا نزد من هستی؛ اگر ناچار نبودم که از مکه خارج شوم هرگز خارج نمی‌شدم.» از امام صادق علیه السلام نقل شده که بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوبتر از خاک مکه نیست و هیچ سنگی و درختی و کوهی و آبی از آن نیز نزد خدا محبوبتر نیست. «۳» بسیاری از محدثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکان دفن پیامبر صلی الله علیه و آله، که به اجماع، بهترین مکان‌ها است، برتری داده و حتی گفته‌اند مسجدالحرام نخستین مسجدی است که روی زمین ساخته شد. «۴» روایات بسیاری در فضل و ثواب نماز در مسجدالحرام وارد شده است؛ از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: ثواب یک رکعت نماز در مسجد من، از هزار رکعت در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۸ مساجد دیگر، جز مسجدالحرام بیشتر است و نماز در مسجدالحرام از نماز در مسجد من بر صد نماز افضل است. در روایت دیگری آمده است: ثواب یک رکعت نماز در مسجدالحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است. «۱» و بعضی نیز هزار رکعت گفته‌اند. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، کسی که در مکه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۹ نقشه مکه؟؟؟ نقشه مکه مکرمه

فصل دوم: سیر تاریخی کعبه و مسجدالحرام

الف- کعبه «۱» نخستین خانه در زمین

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ. «۲» «همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکه است که مبارک گردانیده شد و آن هدایتی برای جهانیان است.» روایات مذکور در کهن‌ترین منبع تاریخی؛ یعنی «اخبار مکه» حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، چون حبابی روی آب بود و اندک اندک قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گسترده شد و وسعت یافت. «۳» به گفته برخی از روایات، کعبه را حضرت آدم علیه السلام بنا کرد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که جای کعبه، سکویی مرتفع از زمین و سفید بود و از آن نوری چون نور خورشید و ماه می‌درخشید تا این که فرزند آدم، برادرش را کشت و آن زمین سیاه شد. پس وقتی خداوند آدم علیه السلام را به زمین هبوط داد آن را برجسته ساخت و به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۴ نظر او رسانید. وی از خداوند پرسید: آن قطعه سفید درخشان چیست؟ خداوند گفت: آن زمین من است و آن را برای تو قرار داده‌ام تا هر روز هفتصد بار پیرامون آن بگردی. «۱» هنگام طوفان نوح علیه السلام کعبه از دیده‌ها

پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام پنهان بود و تنها برخی جایگاه آن را می‌دانستند تا آن که خداوند مکان آن را به ابراهیم علیه السلام نشان داد. و إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ ...، «۲» ایشان از شام به مکه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل علیه السلام و همسرش، هاجر علیها السلام را نیز همراه خود برد. اسماعیل علیه السلام در آن دوران، کودکی شیرخوار بود. ابراهیم علیه السلام با راهنمایی جبرئیل علیه السلام، آن دو را در کنار حجر اسماعیل کنونی جای داد و سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ «۳»؛ «خدایا! من ذُرِّيَّه خود را در این سرزمین بی کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.» آنگاه خود به سوی شام برگشت. چون آب زمزم فوران کرد، قبایلی از جُرمیان، با دیدن پرندگان، به آن سو شتافتند. آنان کنار هاجر و اسماعیل علیهما السلام ساکن شدند و این نقطه بی آب و سوزان، آبادانی یافت. پس از چندی ابراهیم علیه السلام نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلی آن، بر افراشتند. «۴» حجرالأسود از کوه «ابوقییس» و از بهشت فرود آمد. ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از چوب‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او گردید و نیز کنار کعبه، که به صورت مکعب ساخته شده بود، گودالی حفر کرد و آن را خزانه و محل نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل علیه السلام از کوه ابوقییس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم علیه السلام شناخته می‌شود، برای پدر آورد و ابراهیم علیه السلام روی آن ایستاد و کعبه را ساخت. «۵» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «خداوند- عزّ و جلّ- زمین را از زیر کعبه گسترده تا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۵، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید. پس زمین از عرفات است و عرفات از منا است و منا از کعبه است.» «۱» نام دیگر کعبه، بیت‌الله و عتیق است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ پاسخ داد: برای این که خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست. «۲» گفتنی است از نام‌های کعبه- بیت‌الحرام- بیت و عتیق در قرآن کریم آمده است.

ب) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره، برای هرچه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی زائران، مناصبی وجود داشت که میان قبایل و یا افرادی خاص تقسیم می‌شد. این مناصب که در طول تاریخ خود، باعث تنش‌ها و برخوردهایی میان متصدیان آن‌ها می‌شد، در آن هنگام عبارت بودند از: ۱- سِتْقَايْت؛ آب دادنِ حاجیان و زائران کعبه به عهده «عباس»، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی هاشم. ۲- رِفَادَت؛ میهمان‌داری و پذیرایی زائران، به دست «حارث بن عامر» از بنی نَوْفَل. ۳- عُقَاب؛ پرچمداری در دست «ابوسفیان»، صخر بن حرب از بنی امیه. ۴- حِجَابَت؛ درباری، کلیدداری. ۵- سِتْدَانَت؛ پرده‌داری. ۷- لَوَاء؛ ۸- دَارَالنَّدَوَه، به دست «عثمان بن طلحه» از بنی عبد الدّار. ۹- قُبَّه؛ انبار سلاح و محل جمع‌آوری مهمات و سلاح‌های جنگی، در دست «خالد بن ولید»، از بنی مخزوم. ۱۰- سفارت؛ در دست «عمر بن خطاب» از بنی عَدی. ۱۱- ایسار و اِزْلَام؛ بخت آزمایی و شرط بندی، در دست «صفوان بن امیه» از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۶، بنی جَمَح. ۱۲- قِضَا و دَاوَری؛ که در میان افراد دست به دست می‌گشته است. ۱۳- حفاظت اموال متعلق به کعبه و بت‌ها؛ به عهده «حارث بن قیس» از بنی سِهْم. ۱۴- قِیَادَت؛ سرداری و سرپرستی کاروان‌های بازرگانی، در دست «ابوسفیان» از بنی امیه. ۱۵- پَرْدَاخْت دِیَه و غِرَامَت؛ در اختیار طایفه بنی تیم بن مُرّه. ۱۶- اِعْنَه؛ سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ. ۱۷- عِمَارَه؛ نگهبانی و بازسازی مسجدالحرام، به دست «شیبّه بن عثمان» از بنی عبدالدار.

«۱»

ج. سیر بنا و بازسازی کعبه

در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴/۴۳ متر و طول آن ۳۰ ذراع- ۱۴/۷۹ متر- و عرض آن ۲۲

ذراع- ۱۰ / ۸۵ متر- بوده است. در آن زمان کعبه سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیت- ۵ سال پیش از بعثت- هنگامی که کعبه بر اثر سیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع- ۸ / ۸۷ متر- رسانیدند و آن را مسقف کردند. «۲» از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک وجب- حدود سه متر- کاستند که حجر اسماعیل علیه السلام امروزی بخشی از آن است. «۳» این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم علیه السلام ساخته بود، کمتر شد. آنگاه در داخل بیت پایه‌ای پی‌ریزی کرده، دیوار را بر آن قرار دادند، که بدین گونه حدود ۵۰ سانتی‌متر نیز دیوار کعبه به داخل رفت؛ همانجایی که امروزه به «شاذروان» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۷ معروف شده و با سنگ سفید گرداگرد کعبه را احاطه کرده است. اطراف حجر را هم سنگ چین کرده‌اند. از آن پس، طواف کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. در کعبه را هم بالاتر از زمین بردند و در پشت را بستند. بنای کعبه همین گونه بود تا آن که «عبدالله بن زبیر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد و این مکان مقدس به وسیله عامل یزید حُصَین بن نُمیر، که بعد از مسلم بن عقبه و کشتار مردم مدینه (واقعه حَرّه) جاننشین او شده بود، به منجنیق بست و تخریب شد. ابن زبیر پس از مرگ یزید، آن را بازسازی و به همان اساس ابراهیم علیه السلام برگرداند؛ یعنی ۳ متر کاسته شده را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع (۱۳ / ۳۱ متر) رسانید. در خانه را هم روی زمین قرار داد و پشت کعبه، در دیگری به موازات آن گشود. «۱» پس از آن که حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنیق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، آن را از پایه خراب کرد. بخشی (حجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و در اصلی را بلندتر از زمین قرار داد که هنوز به همین وضع باقی است. در دوران‌های بعد تا عصر حاضر، تنها گاهی مرمت‌های جزئی از قبیل تعویض سنگ‌ها و لایه‌کشی روی کعبه انجام می‌شده است. گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای اولیه به دست آدم علیه السلام ۱۰ بار بازسازی شده که عبارت‌اند از: ۱. شیث بن آدم ۲. ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ۳. عمالقه ۴. جُرهم ۵. قُصَی بن کلاب ۶. قریش ۷. عبدالله بن زبیر ۸. حجاج بن یوسف ۹. سلطان مراد عثمانی ۱۰. سعودی در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ ق. به دستور فهد بن عبدالعزیز انجام شد، زیربنا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذروان مرمت گشت و شکاف‌ها و روزنه‌های بین سنگ‌ها گرفته شد. سقف کعبه نیز با دو سقف جدید، بازسازی گردید. بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارت‌اند از: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۸ ارتفاع کعبه ۱۴ متر، طول آن از سمت ملترم (سمت حجرالأسود) ۱۲ / ۸۴ متر، طول از سمت حجر اسماعیل ۱۲ / ۲۸، بین رکن یمانی و حجر اسماعیل؛ یعنی عرض ۱۲ / ۱۱ و میان دو رکن دیگر ۱۱ / ۵۲ است.

د. آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

۱- حجرالأسود و تاریخچه آن

حجرالأسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است. این سنگ تاریخی پرفراز و فرود دارد. روایاتی که ابن عباس و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، دلیل بر این است که «حجرالأسود» و «مقام ابراهیم»، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ اگر مشرکان، به آن دو، دست نکشیده و آن را آلوده نساخته بودند، هیچ دردمندی آن را مسح نمی‌کرد جز آن که خداوند شفایش می‌داد. همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حجرالأسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه کرده است]. «ابوالولید ازرقی» از پدر بزرگش ... از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند در روز قیامت

حجرالأسود را با دو چشم، که به وسیله آن می‌بیند و زبانی که با آن سخن می‌گوید، مبعوث می‌کند و او به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده‌اند گواهی می‌دهد.» (۱) در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می‌کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هر کس که محضر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است. (۲) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۹ ابوالولید از محمد بن ابی عمر... از ابی سعید خدری، از امام علی علیه السلام نقل می‌کند: «... چون خدای - عز و جل - آدم علیه السلام را بیافرید، دست بر پشت او کشید و نسل او را بیرون آورد و برای ایشان مقدر کرد که او پروردگار است و آنان بندگان، و سپس آن پیمان را در صفحه‌ای نوشت و این حجرالأسود دارای دو چشم و یک زبان بود، خداوند آن عهد را داخل حَجْر قرار داد و آن را در این موضع نصب کرد و فرمود: روز قیامت نسبت به کسانی که با تو، به عهد خود وفا می‌کنند گواهی ده.» (۱) از صحابه روایت شده که جبرئیل علیه السلام حجرالأسود را از بهشت فرود آورد و همین‌جا نصب کرد؛ مادام که میان شما باشد خیر و نیکی همواره با شماست تا آن‌جا که می‌توانید به آن تمسک جوید. ممکن است جبرئیل علیه السلام آن را همان‌جا برد که آورده است. همچنین از ابن عباس نقل شده که حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام همراه حضرت آدم علیه السلام فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم علیه السلام هبوط کرد، هنگام صبح، آن دو را شناخت و با آن‌ها انس گرفت. (۲) ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقبیس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو امانتی است نزد من. ابراهیم رفت و حجرالأسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد. (۳) این سنگ تاکنون چندین بار از جای خود برداشته شده است. پیش از اسلام در دوران «جرهمیان، ایاد، عمالقه و خُزاعه» چندین بار برداشته و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش - در دوران جوانی پیامبر صلی الله علیه و آله - بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالأسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد. (۴) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۰ پس از ظهور اسلام، در بازسازی عبدالله بن زبیر و حجاج نیز این سنگ از جا برداشته ولی بار دیگر نصب شد. در قرن سوم هجری، قرامطه نیز آن را ربوده و به شام بردند ولی یک‌سال طول نکشید که آن را بازگردانده و در جای خود نصب کردند. (۱) در سال ۳۱۷ ق. باز قرامطه این سنگ را ربودند و در سال ۳۳۹ ق. آن را دوباره بازگرداندند. (۲) این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه است، با بست‌های فلزی و نقره‌ای به یکدیگر متصل و در یک قاب نقره‌ای قرار داده شده است. برای بوسیدن و استلام حجرالأسود، روایات بی‌شماری نقل شده‌است؛ به‌ویژه این که پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر آن را بوسیده و یا استلام می‌کردند. (۳) از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌ریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به زحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله این که: «برای استلام حجر مسلمانان را آزار مده و مورد آزار هم قرار مگیر، اگر خلوت بود، آن را بیوس یا بر آن دست بکش و گرنه برو.» پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه و نیز حَجَّة الوداع با چوب‌دستی خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند. (۴) (تصویر شماره ۱)

۲- ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی

گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هر یک به نام خاصی مشهور است. ۱/ ۲- رکن شرقی (اسود) این رکن در زاویه شرقی و همان جایی است که حجرالأسود در آن نصب شده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۱ است. این رکن تقریباً در جانب کشورهای چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۱۲/۸۴ متر است. (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می‌کرد و هرگز از آن کار غافل نمی‌شد. (۲) بدان جهت که حجرالأسود در آن واقع شده

و بر اساس و قواعد حضرت ابراهیم بوده است. ۲/۲- رکن شمالی (شامی) در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حجر اسماعیل از آنجا آغاز می‌شود؛ چون تقریباً میان عراق، سوریه و شام واقع شده، آن را شامی هم گفته‌اند. این دومین رکن کعبه پس از حجرالأسود است. فاصله آن تا رکن غربی، ۱۱/۲۸ متر می‌باشد. «۳» این رکن بر پایه ابراهیم علیه السلام نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند. «۴» ۲/۳- رکن غربی (مصری) این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگر حجر اسماعیل علیه السلام است که سومین رکن پس از حجرالأسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی مصر و آفریقا است. فاصله آن تا رکن یمنی ۱۱/۱۲ متر است. رکن غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم علیه السلام نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند. «۵» ۲/۴- رکن جنوبی (یمانی) این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبه جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۱۱/۵۲ متر است. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره رکن یمنی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم علیه السلام قرار دارد. «۶» مستجار در گوشه این رکن است. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۲؟؟؟ طرح نیم صفحه خالی

۳- شاذروان

شاذروان برآمدگی کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقی مانده یا نشانه محل دیوار قبلی خانه خداست که پس از بازسازی کعبه در زمان قریش بیرون از خانه واقع شد و لذا از محیط داخلی کعبه کاست. ارتفاع آن در سمت شمال، ۵۰ و عرض ۳۹ سانتی‌متر. در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی‌متر. در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی‌متر. و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی‌متر است. «۱» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۳ این که طواف بر شاذروان از آن رو صحیح نیست که حجر اسماعیل علیه السلام و نیز شاذروان جزو کعبه است. خداوند امر کرد که «به خانه» طواف کنید نه «در خانه» [طاف بالبيت ولا فی البیت «۱» از روی شاذروان و از درون حجر طواف کردن، مانند آن است که طواف «فی البیت» باشد، نه «بالبیت». برخی نیز گفته‌اند شاذروان را ابن زبیر ساخت تا دیوار کعبه استحکام بیشتری یابد و آب باران به پایه‌های آن آسیب نرساند و همچنین حلقه‌هایی در آن تعبیه شود تا پرده کعبه به آن وصل گردد. امروزه حلقه‌های زیادی در شاذروان قرار یافته تا طناب‌های پرده کعبه را نگه‌دارد.

۴- ناودان طلا (میزاب)

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی از طلا نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل علیه السلام هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله ناودان نداشت و نخستین ناودان را قریش در آن سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سال‌ها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ ق. نیز از طلا ساختند. ناودان طلای کنونی را «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۲/۵۳ متر و عرض ۲۶ سانتی‌متر در سال ۱۲۷۳ ق. به خانه کعبه هدیه کرد. «۲» امام باقر علیه السلام هرگاه به ناودان نگاه می‌کرد می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ». «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۴ در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است. عکس ناودان؟؟؟؟

۵- باب کعبه

در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام برای کعبه مدخلی قرار داده نشد و قریش هنگام تجدید بنا، مدخلی برای آن گشودند که

کمی بالاتر از زمین قرار داشت و آن را به وسیله دری از چوب می‌بستند. عبدالله بن زبیر آن در را، هم‌سطح زمین قرار داد و در دیگری نیز پشت کعبه گشود. حجاج بن یوسف ثقفی پس از آن که کعبه را با منجیق خراب کرد، به بازسازی آن پرداخت و دری را که ابن زبیر در پشت کعبه گشوده بود بست و در اصلی را مانند گذشته بلندتر از زمین قرار داد که از آن هنگام تاکنون به همان حال باقی مانده است. در دوران‌های بعد، درهای بسیار زیبایی برای کعبه ساختند و آن را، پس از آن که تزئین و مذهب می‌کردند، بر کعبه می‌نهادند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۵ در سال ۱۳۶۳ ق. «ملک عبدالعزیز» دری ساخت و پس از وی «ملک خالد» آن را تعویض کرد که اکنون نیز بر کعبه قرار دارد. این در دارای دو جدار یا دو قسمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن، به «باب التوبه» معروف است و از لحاظ شکل و نوع تزئین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از عیار ۱۰۰٪ تهیه شده و مبلغ ۱۳/۴۲۰/۰۰۰ ریال سعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۳/۱۰ متر، عرض آن ۱/۹۰ متر، پهنای آن ۵۰ سانتی‌متر، ارتفاع آن از کف، ۲/۲۵ متر است. روی در کعبه به طرز بسیار زیبایی آیات قرآن در چهار دایره و شش مربع مستطیل به خط ثلث منقوش شده است. این در به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. قفل موجود به جای قفل قدیم که هفتاد سال قدمت داشته، نصب شده است. گفتنی است در عصر جاهلی، کلیدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از وی گرفت و با ورود به کعبه، تمامی بت‌ها را شکستند.

۶- درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسفند» یا قوچ بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های «ذبیح ابراهیم علیه السلام» است. این دو شاخ در دوران «عبدالله بن زبیر» از میان رفته است. «۱» در دوران اسلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و «عمر بن خطاب»، خلیفه وقت پس از فتح «مدین»، دو نیم ماه زرین را که برای او فرستاده بودند، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۶ و عباسی از جمله عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سفاح و هارون نیز هدایایی تقدیم داشتند «۱» که طی سالیان دراز، همواره زینت بخش کعبه بوده است. هم‌اکنون در درون کعبه سه ستون چوبی متب کار شده از چوب عود و جود دارد که به موازات هم قرار گرفته و قطر هر یک ۲۵ سانتی‌متر است. یکی از ستون‌های داخل کعبه که در زمان حجاج در آتش سوخت، در موزه حرم، واقع در حدیبیه نگهداری می‌شود. محل تصویر درون کعبه؟؟؟ دیوارهای داخلی با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده است. گفتنی است همه ساله در روز هشتم ذی‌حجه درون کعبه را با آب زمزم و گلاب قمصر کاشان می‌شویند و پرده خانه را نیز تعویض می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای نخستین بار به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۷ هنگام فتح مکه، پس از شکستن بت‌ها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شستند «۱» که این رسم تاکنون پابرجاست. کعبه دو سقف دارد؛ یکی در زیر، که از کف تا زمین آن سقف ۲/۲۵ متر است و از آنجا تا سقف دوم نیز ۱۱/۳۰ متر می‌باشد. ۸۰ سانتی‌متر نیز دیواره اطراف سقف دوم است تا آب‌های باران در آن جمع شود و به وسیله ناودان به داخل حجر بریزد. برای روشن شدن سقف دوم، در زمان ابن زبیر چهار روزنه تعبیه و با سنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودند، تزئین شده بود. ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام سفارش‌های فراوان کرده‌اند. «۲»

۷- مُسْتَجَار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در «شفاء الغرام» آمده است: از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن، «مستجارٌ مِنْ ذُنُوبٍ» است و گناهانش ریخته می‌شود. چون بعضی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این مکان التزام می‌جستند به نام «مُلْتَزِمٌ» و «مُتَعَوِّذٌ» نیز معروف است. «۳» این مکان بر اساس اتفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سنت، شاهد حادثه‌ای عظیم بوده و به عظمت و قدرت الهی برای ورود فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه (علی علیه السلام) شکافته شد. خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها نصیب او ساخت که در بهترین مکان در عالم، متولد شد. «۴» شایان یادآوری است در این قسمت، آثار ترمیم و بندکشی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۸ دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشده ندارد؛ زیرا کعبه در عصر حجاج، از پایه خراب و دوباره ساخته شد و آثاری از مکان ورود فاطمه بنت اسد بر آن وجود ندارد.

۸- مُلْتَزِم

شیعه ملتزم را پشت کعبه می‌داند و برای این نظریه روایاتی وجود دارد؛ که در مبحث مستجار ذکر کردیم. «۱» اهل سنت به فاصله میان حجرالأسود و در کعبه «ملتزم» می‌گویند. «۲» در روایاتی از ائمه علیهم السلام نقل شده که هیچ بنده‌ای در این مکان التجا و پناه نمی‌گیرد جز آن که خداوند حاجتش را برآورده می‌کند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار و اصحاب، سر و صورت، دست‌ها و سینه خود را به این مکان چسبانیده و دعا می‌کردند؛ «۳» لذا به آن «ملتزم» گفته‌اند. «۴»

۹- مِعْبَنَه

گودالی است بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۱/۵ متر، نزدیک «شاذروان» و میان در کعبه و حجرالأسود. گویند که ابراهیم علیه السلام «يَعْبَنُ فِيهِ الْمَلَاطُ» یعنی ابراهیم در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز گزارده‌اند. کتیبه‌ای نیز از خلیفه عباسی، المستنصر به سال ۶۳۲ ق. در آنجا وجود داشته است؛ «۵» ولی بعدها که این گودال را پوشانیدند، آن کتیبه نیز برداشته شد.

۱۰- حَطِيم

در محدوده حطیم اختلاف است؛ اهل سنت به مساحت محصور در نیم‌دایره حجر اسماعیل گفته‌اند و شیعه نیز حطیم را میان حجر اسماعیل، مقام ابراهیم و چاه زمزم دانسته است. «۱» به این علت آن را «حطیم» نامیده‌اند که از کعبه کاسته شده و کعبه در اینجا شکسته است. در دوران جاهلیت، در این مکان نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند؛ لذا این امر موجب شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند و سوگند خوردن در نظرشان حرمت داشته باشد. «۲» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: بهترین و پاکترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم علیه السلام است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا می‌رسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». همچنین گویند در محدوده حطیم؛ یعنی میان رکن، مقام تا زمزم و حجر اسماعیل علیه السلام، ۹۹ تن از پیامبران الهی؛ از جمله حضرت آدم، نوح، «۳» صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل علیهم السلام و نیز دختران وی مدفونند. «۴»

۱۱- پوشش کعبه (الْكِسْوَةُ)

پوشانیدن کعبه از سنت‌هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت‌الله دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل علیهما السلام را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید (۵) و روایتی از امام صادق علیه السلام نیز در این باره نقل شده است. (۶) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۰ بعضی، «تُبَّع» پادشاه حِمْیَر (۱) را، که همان «اسعد بن معدی کرب» باشد، نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های جبری بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد. (۲) در روزگار جاهلی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون؛ مانند پشم، مو، کرک، خز، پارچه‌های جبری، بردهای یمانی و جامه‌های پشمین بود، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل می‌شد و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشاندند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدن پوشش‌ها، آن را تعویض کنند. (۳) ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، کعبه را با پارچه سفید رنگ بافت مصر، مشهور به «قُباطی» می‌پوشاندند و سپس از «بردهای یمانی» برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباج پوشانید «ابن زبیر» بود. (۴) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخر ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و گفت: امروز، روزی است که سال در آن پایان می‌یابد و جامه بیت‌الله تعویض می‌شود. از ابن جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار قریش، معمولاً روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیبا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را ببینند و سپس روز عاشورا با پرده اصلی پوشش می‌دادند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آن‌که در دوره جاهلی بر آن چرم می‌آویختند. گویند: عبدالله بن زبیر نخستین کسی بود که بر این خانه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۱ پرده ابریشم پوشانید. چون عبدالملک بن مروان به حکومت رسید، هر سال ابتدا پرده‌ای را به مدینه می‌فرستاد و یک روز بر ستون‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله پهن می‌کردند و سپس همراه با عطر و انواع عود سوز، به مکه می‌فرستادند.؟؟؟ نیم صفحه خالی طرح (دو عکس) امام علی علیه السلام نیز در دوران خلافت خود هر سال برای کعبه پوششی از عراق می‌فرستادند. (۱) در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس همه ساله برای کعبه پوشش‌های متنوعی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۲ ارسال می‌شد؛ همچنین سلطان ناصر بن قلاوون دو قریه در مصر را خرید و در آمد آن را وقف پوشش خانه کعبه کرد. از سوی سلاطین مصر نیز همه ساله دو پرده؛ یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله به رنگ سبز ارسال می‌شد که بر حاشیه آن‌ها شعار «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و آیات دیگر بافته شده بود. سلاطین عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند. (۱) در دوران حاضر پرده‌هایی از نقاط مختلف برای کعبه ارسال می‌شود که در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. تزئین آن به دست هنرمندان شهر مکه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسامی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زرین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و آغاز حرم قرار دارد که به صورتی سنتی، کارگران آن را در سه کارگاه خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۳۹۷ ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود. ارتفاع پرده چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتی‌متر و طول آن ۴۷ متر مربع است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزئین آن با طلا و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

۱۲- مقام ابراهیم علیه السلام

... فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۲) مقام ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم به عنوان یکی از نشانه‌های

روشن آمده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد $38 * 36$ سانتی‌متر، به صورت مکعب است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، از ابن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۳ عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آن‌ها دست نمی‌کشید مگر آن که خداوند وی را شفا می‌داد. ابوالولید از مجاهد نقل می‌کند که بدون طهارت نباید به مقام دست کشید؛ زیرا از آیات و نشانه‌های خداوند است. «۱» بعضی از مفسران در تفسیر آیه ... فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ ... گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های روشن، جای پای ابراهیم علیه السلام بر مقام است. «۲» در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلُّمُوا إِلَى الْحَجِّ» «۳» و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم علیه السلام را در آن روز لیک گفته‌اند. «۴» هم‌چنین خداوند می‌فرماید: وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ... «۵» «و مقام ابراهیم علیه السلام را نمازگاه قرار دهید.» مفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در کنار این مقام نماز گزارند؛ «۶» از این رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خواند. ابراهیم علیه السلام فرمان یافت که آن سنگ را قبله خود قرار دهد. لذا آن را کنار در کعبه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۴ گذاشت. پس از او، اسماعیل علیه السلام هم به جانب آن و رو به روی در نماز می‌گزارد؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شدند تا به سمت بیت المقدس نماز بگذارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آنچه را برای خود و پیامبرش برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت در مدینه وقتی نماز می‌گزاردند، روبروی ناودان؛ یعنی شمال کعبه قرار می‌گرفتند و چون در مکه حضور می‌یافتند رو به روی مقام می‌ایستادند. «۱» از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می‌شود که مقام ابراهیم علیه السلام از دوران آن حضرت تاکنون به جز یک مورد جا به جا نشده و آن نیز در دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجدالحرام شد. این سیل به نام «امّ نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم علیه السلام از جای خود کنده شد و به کعبه چسبید. بعضی گویند به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشتند، وی پایه‌ای ساخت و مقام را به جای خود منتقل کرد که تا امروز همچنان در همان جا باقی است. در سال ۲۰۲ ق. نیز سیل عظیم دیگری آمد و پایه‌های مقام را خراب کرد ولی آن را از جای خود نکند. «۲» در دوران «مهدی عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای مقام را زرا اندود و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدداً آن را مطلقاً کردند. «۳» بعدها مقصوره و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۳۸۷ ق. آن را در میان طوقی زرین قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کریستال بر روی آن نصب کردند. این محفظه $18 * 130$ سانتی‌متر (به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی قالب، دو اثر پا، که به‌طور عمیق در سنگ فرو رفته، به عنوان جای پای ابراهیم علیه السلام شناخته می‌شود. فاصله آن تا حجرالأسود $14/5$ متر، تا رکن شامی ۱۴ متر، تا شاذروان $13/25$ متر است. مقام اکنون در ۱۳ متری کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۳ و ۴)

۱۳- حجر اسماعیل علیه السلام

حجر اسماعیل علیه السلام میان رکن شمالی و رکن غربی کعبه قرار دارد. «حجر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسماعیل علیه السلام منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه بر افراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این که سایبانی کنار آن برای خود می‌ساخت و در آن پناه می‌گرفت؛ چون اسماعیل علیه السلام در گذشت، او را در همان مکان مدفون ساختند. قریش در بازسازی کعبه، حجر را به خاطر عدم توانایی مالی در بازسازی کامل، از کعبه بیرون گذاشتند؛ یعنی حدود سه متر. بنابراین، از دیوار کعبه تا ۳ متر در طول، جزو کعبه است. طول حجر $6/80$ متر است. عبدالله بن زبیر، هنگام تجدید بنای کعبه، حجر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛ از قریش در این باره پرسید، عبدالله بن صفوان

گفت: گور اسماعیل علیه السلام است؛ لذا ابن زبیر آن را به حال خود رها کرد. او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم علیه السلام را کشف کرد و آن را بر همان اساس بازسازی کرد. بنابراین، حجر اسماعیل کنونی، در دوران وی جزو بیت قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمودند: هر گاه خواستی در کعبه نماز بگزاری، در حجر نماز گزار که بخشی از کعبه است، لیکن قوم تو آنگاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را بیرون کعبه قرار دادند. این گفته پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سندی است برای این که طواف در داخل حجر جایز نیست. حجر که اکنون با نیم دایره‌ای کوتاه محصور شده، دارای دیواری به ارتفاع ۱/۳۲ متر و پهنای ۱/۵ با دو در شرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه (زیر ناودان طلا) تا دیوار حجر، حدود ۶/۸۰ متر و عرض آن میان دو در شرقی و غربی ۸/۷۷ متر است. از این مقدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصلی است. در دوره منصور عباسی، زمین آن با سنگ مرمر پوشیده شد و در سال‌های ۱۶۱ ق. و ۲۸۳ ق. و سال‌های بعد نیز همواره سنگ‌های حجر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌اند و اکنون نیز با سنگ مرمر مفروش است. اما آنچه مشهور است که در حجر، دختر، همسر و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۶ مادر اسماعیل (هاجر) و نیز چند تن از انبیای الهی مدفون‌اند، «۱» منظور انتهای حجر اسماعیل کنونی به سمت دیوار حجر است؛ زیرا تا سه متر از کعبه در زمان قریش جزو کعبه بود و کسی را داخل کعبه دفن نمی‌کردند.

۱۳- چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم علیه السلام، هاجر و تنها فرزندش اسماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسماعیل مشک آبی بود و هیچ گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نداشت. حضرت ابراهیم آن دو را کنار درختچه‌ای در نزدیکی جای کعبه نشانده و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ. پس از اندک زمانی آب همراه هاجر تمام و شیرش نیز خشک شد. هاجر در پی آب، فاصله میان کوه صفا و مروه را دوان دوان، هفت بار پیمود. هنگامی که نزد کودکش بازگشت، جبرئیل علیه السلام بر او ظاهر شد و بر زمین کوبید که به قدرت الهی آب از همان جا به روی زمین فوران زد. مادر اسماعیل علیه السلام به آب، که جاری بود، گفت: «زَمْرَم»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بریزد، به زمین فرو رود! گویند اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شد. هاجر مشک را پر کرد و به فرزندش نوشانید. «۲» خبر پیدایش آب در این منطقه سوزان و لم یزرع، قبایل جرهم را به آنجا کشانید که در کنار چاه زمزم سکونت گزیدند. چون جرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد؛ به طوری که حتی مکان آن نیز محو شد. عمرو بن حارث مضاض جرهمی، دو مجسمه زرین آهو و شمشیرهای مرصع را، که در کعبه بود، از بیم آن که سرقت نکنند، شبانه برداشت و در محل چاه زمزم زیر خاک تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۷ پنهان کرد. «۱» چاه زمزم همچنان تا دوران عبدالملک بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، مخفی بود. او شبی در خواب دید که نوری از کنار کعبه به آسمان برخاست. وی به رگم سرزنش و آزار مردم، با کمک فرزندش حارث همان نقطه را حفر کرد. در آن هنگام نذر کرد که اگر دارای ده پسر شود، یکی از آنان را در راه خدا قربانی کند؛ سپس با کندن چاه، بر مجسمه‌ها و شمشیرها دست یافت و همچنان کند تا آب فوران زد. پس از آن، خداوند به وی ده پسر عطا کرد. او نیز برای ادای نذر خود، میان آنان قرعه انداخت که نام «عبدالله» محبوب‌ترین پسرانش در آمد؛ آنگاه میان عبدالله و از ده تا صد شتر قرعه زد که قرعه به نام صد شتر افتاد و آن‌ها را در راه خدا قربانی کرد و گوستشان را میان بادیه‌نشینان انفاق نمود. بر اساس این سنت، از آن روز دیه یک مرد صد شتر تعیین شد. «۲» هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم در دست عباس بن عبدالملک بود. برای زمزم اسامی زیادی است؛ از جمله: برکه، سَیِّدَه، نَافِعَه، مَضْمُونَه، عَوْنَه، بُشْرَى صَافِيَه، بَرَّه، عَصِيْمَه،

سالمه، میمونه، مبارکه، کافیه، عافیه، طاهره، طعام طعم، شفاء سقم و ... «۳» درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیا است». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد شد. بهترین خوراک «۴» و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ تَارِيخٍ وَ آثَارِ اسْلَامِي، ص: ۷۸ كُلُّ دَاءٍ». «۱» این آب همواره نزد مردم مکه قدماست و اهمیت فراوانی داشته است. آنان مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. «۲» آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند. «۳» چاه زمزم در سال‌های ۸۲۲ ق. و ۱۳۸۳ ق. تعمیر و توسعه یافت. اکنون دهانه آن ۱/۵ متر، عمق آن سی متر و فاصله‌اش تا کعبه ۲۱ متر است. متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت الله، حدود ده هزار متر مکعب در روز و ۷۶۵ متر مکعب در ساعت؛ یعنی ۲۹۶۰۰ لیتر است. در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ ق. قتی‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و بنای جدیدی در زیر زمین ساختند که در آنجا از آب چاه استفاده می‌کردند. اکنون برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را پر ساخته و در اطراف صحن مسجدالحرام به وسیله لوله کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آن‌ها بنوشند و لذا دایره مطاف وسیعتر گشته است.

۱۴- صفا و مروه (مَسْعَى وَ حَوَادِثِ تَارِيخِي آن)

إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. «۴» گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صلی الله علیه السلام از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند؛ چون بنا به گفته خداوند، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۹ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا» از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. حوا علیها السلام نیز بر کوهی کنار صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه» (زن) نامیدند. جبرئیل علیه السلام بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت الله پرداختند. «۲» هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۷۶۶/۵ ذراع برابر با ۳۷۷/۵ متر بود، هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر را که امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریعتر پیمود و در اصطلاح «هزوله» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله این که شیطان در این مکان بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال حاجیان به یاد شداید و سختی‌های هاجر علیها السلام، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت در آید. گفتنی است هروله برای زنان لازم نیست. از امام صادق علیه السلام روایت شده که سعی میان صفا و مروه، جز برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف؛ اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بی‌نیاز و نیازمند و ... تکبر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند. کوه صفا، همچنین مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین بار، رسالت الهی خود را از فراز آن، با این عبارت اعلان کرد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، هنگامی که آیه: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ نازل شد و خداوند فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر صلی الله علیه و آله اقوام و نزدیکان خود را در آن مکان انذار داد. «۳» در روز فتح مکه نیز بر فراز این کوه رفت و پایان کار مشرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صفا و صمیمیت در سایه توحید فراخواند. «۴» کنار همین کوه، خانه «ارقم بن ابی ارقم»؛ یعنی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۰ نخستین پایگاه مخفی توحیدی قرار داشت که در توسعه مسعی خراب شده است. «۱» کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری کعبه واقع شده

است. کوه مروه، که در برابر رکن شامی و در ۲۰۰ متری شمال شرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد تا بهترین ثمره جانش؛ یعنی اسماعیل را در راه او قربانی کند. همچنین گویند هنگام فتح مکه، ۳۶ بت بر روی این دو کوه قرار داشت و بت‌های زیادی نیز در میان آن‌ها بود که همه به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله شکسته شدند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام سعی، ابتدا مقداری از کوه صفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین درّه، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریع‌تر می‌پیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه ۹ پله ساخته شد. «۲» اکنون ضمن بازسازی صفا و مروه، پله‌های مذکور صاف و به صورت سرایشی درآمده است. در دوران عثمانی، محل هروله، که حدود ۵۵ متر است، به وسیله استوانه کوچک کاشی کاری شده به رنگ سبز معین گردید و اکنون می‌توان آن را با چراغ‌های سبز تشخیص داد. مَسْجِدِی محلّ میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، دو طبقه ساخته شد و حاجیان اهل سنت از طبقه بالا نیز سعی می‌کنند که البته امکان انجام سعی و طواف بر روی پشت بام هم برای آنان فراهم است. مَسْجِدِی در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده در ورودی است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آن‌ها، باب بنی شیبه، باب علی، باب عباس و باب السلام است. طول مسعی در توسعه سعودی به ۳۹۴/۵ و عرض آن به بیست متر رسید. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم ۸/۵ متر می‌باشد. اکنون پله‌های ثابت و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۱ برقی، زائران را به سعی و نیز آن سوی مسعی و طبقه بالا جابه‌جا می‌کند. در توسعه‌های اخیر سعودی، اطراف صفا و مروه تا شعاع پانصد متری تخریب و محو پشته آن، در بیرون مسجد گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعی در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعی به مسجدالحرام متصل شده است.؟؟؟ جای خالی طرح

ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

اشاره

مسجد الحرام بر اساس روایت ابوذر، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نخستین مسجد بر روی زمین است. «۱» فضیلت یک رکعت نماز در آن، بیش از یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد است؛ «... وَ صَيَّمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ» «۲» در گذشته، مسجدالحرام به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام، حدّ مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۲ در دوران جاهلی؛ یعنی تا قبل از سلطه «قُصَيِّ بن کلاب»، جدّ چهارم رسول الله صلی الله علیه و آله، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در درّه‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلط قُصَيِّ بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند. وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دار الندوه» «۱» ساخت. بدین گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را کوتاهتر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند. «۲» مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند. «۳» در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا این که خداوند آیات سوره اسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یاد کرد. «۴»

در دوران خلیفه دوم، که به جمعیت مسلمانان افزوده شد، انجام مراسم عبادی حج با مشکلاتی روبه‌رو گردید، لذا وی برای نخستین بار به توسعه مسجدالحرام پرداخت. او در سال هفدهم هجری، پس از آن که سیل «ام نهشل» مقام ابراهیم علیه السلام را به پایین مکه برد، برای بازسازی کعبه وارد مکه شد و پس از نصب مجدد مقام، به سبب گسترش جمعیت، خانه‌هایی که اطراف مسجد بنا شده بود را از صاحبان آنها خرید و خراب کرد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۳ و سپس دیواری کمتر از قامت یک انسان بر گرد مسجد کشید و محدوده آن را مشخص و به وسیله سنگریزه پوشانید. «۱» سپس درهایی نیز برای آن قرار داد و به وسیله مشعل‌هایی اطراف را روشن کرد. مجموع افزوده‌های او ۸۶۰ متر مربع بود. در این دوران، برای انحراف مسیر سیل‌هایی که داخل مسجدالحرام می‌شد و موجب تخریب می‌گردید، سدّی در «مدعا» بالای مکه ساخته شد و اطراف مسجدالحرام نیز با سنگ‌های بزرگ و کیسه‌های پر از سنگریزه پوشانیده شد. این سدّ به ردّم «بنی جُمح» مشهور شد.

ب- توسعه خلیفه سوم (۲۶ هجری - ۶۴۶ میلادی)

خلیفه سوم نیز بعضی از خانه‌های باقی‌مانده را خرید و خراب کرد و تا حد زیادی مسجد الحرام را توسعه داد. «۲» عثمان نخستین کسی بود که برای مسجد الحرام رواق‌ها و سقف‌هایی قرار داد. مساحت مسجد در این دوران به ۴۴۰۰ متر مربع می‌رسید که او حدود ۲۰۰۰ متر به مسجد افزوده بود. «۳»

ج- توسعه عبدالله بن زبیر بن عوام (۵۶ هجری - ۶۸۸ میلادی)

هنگامی که ابن زبیر در مکه اعلان خلافت کرد؛ مانند گذشتگان خود، به توسعه مسجد الحرام پرداخت. وی خانه‌های دیگری از مردم خرید و ناحیه صفا را به مسجد ضمیمه و دیوار مسجد را به «دارالندوه» متصل کرد که در آن موقع، در میانه شمالی صحن کنونی مسجدالحرام قرار داشت. توسعه‌های او عمدتاً در جهت شمال، جنوب و شرق بود. ابن زبیر قسمتی‌هایی از مسجدالحرام را با ستون‌های مرمرین مسقف کرد. «۴» اقدامات ترمیمی وی، پس از آسیبی انجام شد که در سال ۶۴ ق. از سوی سپاهیان یزید بر کعبه و مسجدالحرام وارد گردید. عبدالله بن زبیر باقی‌مانده دیوار کعبه را برداشت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۴ و دوباره آن را بر اساس پایه‌های قبلی (قبل از ترمیم قریش) ساخت. مساحت افزوده در این دوران به مسجد الحرام ۴۰۰۰ متر بود که مساحت مسجد را به ۸۴۰۰ متر مربع رساند. «۱»

د- توسعه عبدالملک بن مروان و فرزندش ولید (۷۵ و ۹۱ هجری - ۶۹۴ و ۷۰۹ میلادی)

پس از آن که عبدالله بن زبیر در مکه به قتل رسید، عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی، به ترمیم مسجد الحرام همت گماشت. وی دیوارهای مسجد الحرام را بالا برد و برای آن سقفی از چوب ساج فراهم کرد. در تزئین ستون‌ها، از طلا استفاده کرد و کتیبه‌ای از شرح اقدامات خود، بر یکی از ستون‌ها نوشت. وی ستون‌های مرمر به مسجد الحرام آورد و برای آن سقف یک پارچه‌ای که بر ستون‌ها و پایه‌های مرمر قرار داشت، استوار ساخت، آنگاه با چوب ساج آراسته و تزئین شده، آن را پوشانید و سطح مسجد را نیز سنگفرش کرد. او در تزئین مسجد الحرام از کاشی بهره برد و کنگره‌ها و غرفه‌هایی ساخت و آن را تزئین کرد. «۲» فرزند وی ولید نیز ۲۳۰۰ متر مربع به مساحت مسجد افزود و مجموع مساحت آن را به ۱۰۷۵۰ متر رسانید.

ه- توسعه منصور عباسی (۱۳۷ هجری - ۷۵۴ میلادی)

ابو جعفر منصور، خلیفه عباسی نیز مسجد الحرام را در سال ۱۳۷ ق. توسعه داد. وی در قسمت شامی که پایین مسجد و سمت دار العجله و دار الندوه بود، بر مساحت مسجد افزود. در این توسعه، قسمت زیادی از دارالندوه داخل مسجد شد. وی نیز به کاشی کاری و تزیین آن همت گماشت و از توسعه خود کتیبه‌ای منقوش بر جا گذاشت و درهایی نیز برای مسجد قرار داد. ولید ۴۷۰۰ متر به مساحت مسجد افزود و آن را به ۱۵۴۵۰ متر مربع رسانید.

و- توسعه مهدی عباسی (۱۶۰ و ۱۶۴ هجری - ۷۷۶ - ۷۸۰ میلادی)

مهدی عباسی در سال ۱۶۰ ق. حج به جا آورد و پرده‌های کعبه را عوض کرد و دستور داد مسجدالحرام را ترمیم و از منطقه بالا توسعه دهند. با قرار دادن درهای جدید، به درهای گذشته افزود که معروف‌ترین آن‌ها باب بنی شیبه بود. وی در دو مرحله به توسعه مسجد پرداخت. در توسعه نخست خانه‌های زیادی در سمت مسعی خرید و خراب کرد و کوشید تا کعبه در وسط مسجد قرار گیرد. لذا آن را از اطراف توسعه داد. وی همچنین ۴۸۴ ستون مرمرین برای رواق‌ها قرار داد که ۴۹۸ سقف گنبدی شکل روی آن رواق‌ها قرار می‌گرفت. حدود ۲۷۰ کنگره نیز بر بیرون دیوارهای مسجد ساخت که بیشتر به صورت بسیار زیبایی گچ کاری شد. او در این توسعه ۸۰۰۰ مترمربع به مسجد افزود و مساحت مسجد را به ۲۳۴۰۰ مترمربع رسانید. مهدی عباسی در دومین مرحله، به توسعه مسجد پرداخت و درهای دیگری نیز به آن افزود. «۱» در این اقدام، مسجد به مسعی متصل و در این توسعه ۲۳۵۰ مترمربع به مساحت قبلی مسجد افزوده شد و به ۲۵۷۵۰ مترمربع رسید. دیگر خلفای عباسی تا عصر عثمانی نیز بر مساحت مسجد افزودند. خلیفه معتضد ۱۲۵۰ متر و خلیفه المقتدر ۸۵۰ متر، به مسجد اضافه کرده و مساحت آن را به ۲۸۰۰۰ متر رسانیدند. همچنین پادشاهان ممالیک مصر و شام نیز به مساحت مسجد افزودند و تا آغاز عصر سعودی مساحت مسجد به ۳۰۰۰۰ متر مربع رسید. «۲» در دوران عثمانی بیشترین اقدام برای ترمیم، تزیین، ساخت درها، گنبد، رواق‌ها انجام شد؛ اما بر مساحت مسجد چیزی افزوده نگشت.

ز- توسعه دوران سعودی

همزمان با توسعه اول و دوم مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، در سال ۱۳۴۴ ق. و ۱۳۶۸ ق. که به دستور ملک عبدالعزیز سعودی انجام شد، مسجد الحرام نیز در طرح توسعه جدی قرار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۶ گرفت «۱» و به مساحت مسجد ۱۳۱۰۰۰ متر مربع اضافه شد. در دوران فهد در سال ۱۴۰۶ و ۱۴۰۹ ق. نیز دو توسعه انجام شد که طی آن ۱۱۸۰۰۰ متر مربع بر مساحت قبلی افزوده شد و مساحت کل مسجد به ۲۸۰۰۰۰ متر مربع رسید. در سمت صفا و مروه، بازار و خانه‌های بسیاری تخریب شد که بیشتر از لحاظ تاریخی ارزش ویژه‌ای داشتند. با توسعه‌ای که در مرحله نخست انجام شد، حدود دویست هزار نمازگزار بر گنجایش قبلی مسجد افزوده شد و در این توسعه ۴۹۲ ستون به قطر ۷۱ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۴/۲۱ متر به ستون‌های مسجد اضافه گشت «۲» که اکنون فن کوئل‌ها و کولرها برای خنک کردن شبستان‌ها در داخل ستون‌ها تعبیه شده است. یک طبقه نیز بر مسجد الحرام اضافه شد. برای راه‌یابی به آن طبقه و نیز پشت‌بام، پله‌های برقی و ثابت تعبیه گردید. این توسعه در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ ش. نیز دوباره در قسمت‌های دیگر آغاز شد. از جمله میدان‌های اطراف و باب‌های اصلی مسجد مسطح و سنگفرش شد. بر مساحت برخی شبستان‌ها در دو طبقه افزوده شد و اکنون مساحت مسجد به ۳۳۶۰۰۰ متر مربع رسیده است. زیر زمین مسجد نیز برای نمازگزاران آماده شده و در حال حاضر، با توسعه پدید آمده، بیش از یک میلیون نمازگزار می‌توانند در مسجد الحرام، شبستان‌ها، طبقه اول، دوم و پشت بام و نیز زیرزمین و میدان‌های اطراف صفوف خود را منسجم سازند. (تصاویر شماره ۵، ۶، ۷)

و) درهای مسجد الحرام از ابتدا تا کنون

مسجد الحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) دارای ۱۹ در بود که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «باب الزیاده» و «باب القطبی» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ ق.) این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبد العزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۷ رسید، که اکنون نیز همه آن‌ها وجود دارد و به همراه راه‌پله‌های ورودی به ۹۲ در می‌رسد. در میان آن‌ها چهار در اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یافته و بر فراز هریک دو مناره، به ارتفاع ۹۲ و عرض ۷۷۷ متر ساخته شده است. این درها عبارت‌اند از: ۱. باب ملک عبدالعزیز، ۲. باب فهد بن عبدالعزیز ۳. باب العمرة ۴. باب فتح. مساحت مسجدالحرام و میزان توسعه آن، از آغاز تا دوران سعودی شرح توسعه مساحت افزوده جمع کل ۱ خلیفه دوم (۱۷ ق.) ۸۶۰ متر مربع ۲۴۰۰ متر مربع ۲ خلیفه سوم (۲۶ ق.) ۴۴۵۰۲۰۵۰ ۳ عبدالله بن زبیر ۴ ۸۴۵۰۴۰۰۰ ولید بن عبدالملک ۵ ۱۰۷۵۰۲۳۰۰ منصور عباسی ۶ ۱۵۴۵۰۴۷۰۰ مهدی عباسی (توسعه اول) ۷ ۲۳۴۰۰۸۰۰۰ مهدی عباسی (توسعه دوم) ۸ ۲۵۷۵۰۲۳۵۰ معتضد عباسی ۹ ۲۸۰۰۰۲۲۵۰ مقتدر عباسی ۱۰۰۰۰۲۹۰۰۰ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۸ مجموع مساحت مسجد الحرام در قبل و بعد از توسعه سعودی؟؟؟ د فهرس ان الله اكبر الحمد لله ی این ف الحمد لله یل ا صدق الله العظيم ت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۹ نقشه؟؟؟ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۰ نقشه؟؟؟

فصل سوم: کوه‌ها و شعب‌های مهم مکه

الف - کوه‌ها

۱. جبل النور: غار حرا (مهبط وحی)

اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ. «۱» «بخوان به نام پروردگاری که انسان را از نطفه بسته آفرید، بخوان و پروردگار تو کریم‌تر است که به قلم آموخت و به انسان آنچه نمی‌دانست آموخت.» کوه نور، مهبط جبرئیل امین علیه السلام و محل نزول وحی است. در شب بیست و هفتم ماه رجب، سال ۴۰ عام الفیل (: ۶۱۰ میلادی) جبرئیل علیه السلام بر قلّه این کوه بر پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز رسالت آن پیامبر عظیم‌الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را اعلان کرد. کوه نور، که در چهار کیلومتری شمال شرقی شهر مکه و کنار راه «منا» به «عرفات» بوده، اکنون به علت گسترش مکه، در داخل شهر قرار گرفته است. ارتفاع آن از دریا ۶۲۱ و از سطح دامنه ۲۸۱ متر است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیده شده و نزد مردم محلی به «جبل النور» معروف است. شکل آن مخروطی و مستقل از دیگر کوه‌ها است. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۴ غار حرا در بالاترین نقطه این کوه واقع شده و آن را به عنوان یکی از کوه‌های بسیار مهم و با فضیلت مکه دانسته‌اند. ارتفاع دهانه غار حرا ۲ متر، عرض آن حدود ۱/۲۰ متر و طولش نیز حدود ۲ متر است. از عجایب این غار آن که انتهای آن کاملاً به سوی مسجدالحرام است و در دهانه آن می‌توان به سمت بیت‌المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگام طلوع تا غروب آفتاب روشن و علاوه بر این، گرمای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لذا معتکف در این غار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کند. در هر حال چنانکه بعضی گفته‌اند، غار حرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله محل اعتکاف، عبادت، شب زنده‌داری و تهجد آن حضرت بوده است. رسول الله صلی الله علیه و آله تمام مدت ماه مبارک رمضان و چندین شب از ماه‌های دیگر را در این غار به اعتکاف و عبادت مشغول می‌شدند. به علت حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و یا جبرئیل در این مکان، از انتهای غار و دیواره‌ها بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که این بوی خوش در دو مکان دیگر هم استشمام می‌شود؛ یکی در محراب مسجد فتح در مدینه و محل غزوه خندق و دیگر در شکافی که پیامبر صلی الله علیه و آله را در روز احد

در آن مخفی و پرستاری کردند؛ که به نظر می‌رسد راتحه النبی صلی الله علیه و آله باشد و این بو را بسیاری از زائران در طی سال‌های متمادی استشمام کرده‌اند. در ایام اعتکاف، همسر فداکار ایشان، حضرت خدیجه علیها السلام مونس و غم‌خوار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و از صخره‌های صعب و دشوار این کوه بالا-رفته و برای آن حضرت آب و غذا می‌برده است. روزی جبرئیل علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را از نوع غذایی که خدیجه علیها السلام برای او می‌آورد خبر داد و از او خواست سلام خداوند را به خدیجه علیها السلام برساند. «۱» با توجه به فاصله طولانی راه غار و سختی و صعوبت آن، میزان فداکاری و شهامت آن بانوی بزرگوار و ایثار او در راه خداوند آشکار می‌گردد. امام علی علیه السلام از کسانی است که شاهد اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در این غار بوده است. ایشان در کودکی دست در دستان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله، به دامنه این کوه می‌رفته است. (تصویر شماره ۸)

۲. ابوقیسیس

یکی دیگر از کوه‌های مهم مکه «ابوقیسیس» است که به سبب سکونت فردی به نام ابوقیسیس، به این نام معروف شده است. این کوه در دل سخت خود، خاطره‌های مهمی از تاریخ نهفته دارد. هر چند امروزه در پس ساختمان‌های بلند، از جمله دار الضیافه سعودی، از چشم‌ها پنهان گردیده و بخشی از آن تخریب شده است. بنا بر روایات زیادی، ابوقیسیس برترین کوه‌های مکه است. «۱» این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفا است و ۴۲۰ متر از سطح دریا و ۱۲۰ متر از سطح دامنه فاصله دارد. بعضی گفته‌اند قبر شیث بن آدم و به روایتی قبر حوّا در دل این کوه واقع است و گویند چند پیامبر نیز در آن مدفون شده‌اند، واللّه العالم. خداوند، حجرالأسود را از بهشت به ابراهیم علیه السلام رسانید و این سنگ از زمان طوفان نوح علیه السلام در امانت ابوقیسیس بود، لذا این کوه را به همین مناسبت «امین» خوانده‌اند. «۲» فاکهی گوید: ابراهیم علیه السلام بالای این کوه مردم را برای انجام حج دعوت می‌کرد. «۳» پس از اسلام، این کوه شاهد حادثه شق‌القمر بود که بعدها مسجدی به همین نام در این مکان ساخته شد. «۴» همچنین مسجدی به نام «مسجد ابراهیم» که هر دو هنگام ساخت دارالضیافه در دوران سعودی تخریب شد. «۵» از ابوقیسیس و کوه «قعیقاعان» به نام «اخشبان مکه» یعنی دو کوه سخت، که نمی‌توان از آن بالا رفت، یاد کرده‌اند.

۳. کوه نُور (مخفی گاه هجرت)

در سه کیلومتری جنوب شهر مکه و در جنوب منطقه «مسفله» کوهی قرار دارد که تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۶ مساحت آن دوازده کیلومتر است. ارتفاع آن از دریا ۷۴۸ متر و از سطح دامنه ۴۵۸ متر می‌باشد. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولّد «ثور بن عبد مناة» در آن، به این نام معروف شده است. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت به مدینه، برای گمراه ساختن دشمن، به سمت این کوه، که بر خلاف جهت مدینه؛ یعنی در جنوب مکه قرار دارد، رفت و با ابوبکر و یک راهنمای بدوی سه شبانه روز در غار پنهان شدند؛ از این واقعه در قرآن کریم یاد شده است و آن نیز به علت حزن شدید مصاحب و همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر بوده که خداوند می‌فرماید: ... إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ... «۲» «هنگامی که (پیامبر صلی الله علیه و آله) به مصاحب و همراه خود گفت: محزون و ناراحت نباش که خداوند با ماست.» به امر خدای تعالی بر دهانه آن غار عنکبوتی تار بست و کبوتری تخم گذاشت، لذا مشرکان از ادامه تعقیب پیامبر صلی الله علیه و آله دست کشیده، بازگشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن، به سمت مدینه حرکت کرد. «۳» از پایین کوه تا قلّه آن، حدود یک ساعت راه است که امروزه با پلکان‌هایی سهل العبور شده است. در بالای آن، دو غار در نزدیکی هم وجود دارد که بر روی هر یک «غار ثور»

نوشته شده است، ولی اوّلی صحیح‌تر است؛ زیرا دو تا سه نفر می‌توانند در آن مخفی شوند. ارتفاع آن حدود ۱/۳۰ متر و طول و عرض آن ۳/۵ مترمربع است. در قرن نهم و سیزدهم هجری دهانه ورودی را کمی بازتر کردند و یک راه خروجی نیز برای آن قرار دادند تا زائران بتوانند از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج شوند. کمی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۷ پایین‌تر از غار، صخره‌ای به قدرت خداوند به صورت گنبدی بزرگ در آمده که سی نفر زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن جبیر آن را قبة جبرائیل علیه السلام خوانده است. «۱» (تصویر شماره ۹)

۴. الحَجُون «۲»

نام کوهی است مشرف بر «مسجد الحرس» یا «مسجد الجن». در دامنه آن درّه‌ای است به نام «دره سلاخ‌ها» یا «ابی دُب» که در دوران جاهلیت گورستان مردم مکه بوده است. کثیر بن کثیر درباره آن گورستان چنین سروده است: «در این حجون چه بسیار دوستان راستین از جوانان و پیران پاکدامن در گور آرمیده‌اند.» «۳» این کوه اکنون بر گورستان ابوطالب یا جنه المعلى مشرف است و پل حجون که در دوران اخیر در کنار آن ساخته شده، شاهره بزرگی است که المعابده را به منا وصل می‌کند.

۵. کوه خلیفه

کوهی است مشرف بر اجیاد بزرگ که از نام «خلیفه بن عمیر» گرفته شده؛ زیرا وی نخستین کسی است که بر این کوه خانه ساخت. کوه خلیفه هنگام فتح مکه، گریزگاه و پناهگاه مشرکان بوده است. «۴» آنان همچون بزهای کوهی، از ترس شمشیرهای مسلمانان، از کوه بالا رفته و چگونگی ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران او به مکه و تصرف شهر را نظاره می‌کرده‌اند.

۶. کوه خندمه

این کوه بر «اجیاد صغیر» مشرف و پشت کوه ابوقبیس قرار دارد. فاکهی از ابن عباس روایت می‌کند که در این کوه هفتاد پیامبر دفن شده‌اند. «۱» واللّٰه العالم

۷. ثبیر

کوه ثبیر که از بزرگترین کوه‌های مکه است، در نزدیکی منا قرار دارد. از این رو به آن «ثبیر» گفته‌اند که شخصی به همین نام، از قبیله هذیل در آن فوت شده است. «۲» گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا در عوض اسماعیل علیه السلام ذبح شود. «۳» از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده هنگامی که خداوند در مقابل حضرت موسی علیه السلام بر کوه تجلی کرد، آن کوه شش قسمت شد که سه قسمت آن در مکه و سه قسمت در مدینه قرار گرفت و اما سه قسمتی که در مکه قرار یافت حراء، ثبیر و ثور بود. «۴»

۸. قُعیفان

این کوه در مقابل کوه ابوقبیس و سمت مروه؛ یعنی در شمال و شمال‌غربی مسجد الحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزَل» نیز گفته‌اند. «۵» همان‌گونه که پیشتر گفته شد، این کوه و ابوقبیس را اخشبان مکه خوانده‌اند. گویند در حادثه انشقاق القمر، نیمی از

ماه بر کوه ابوقییس و نیمی دیگر بر کوه قُعیقان دیده شد. گفتنی است مسجد الحرام در میان این دو کوه قرار دارد.

ب- شعب‌ها (دَرّه‌ها)

اشاره

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای دَرّه‌ها یا شعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به‌طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بودند. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: «۱»

۱. شعب ابی دُب

شعب ابی دُب در کنار حجون قرار دارد. ابو دُب نام مردی از خاندان سواد بن عامر است. بعدها در این دَرّه سلاخ‌ها ساکن شدند. قبرستان ابو طالب در این شعب قرار دارد که در دامنه کوه حجون واقع شده است. برخی به اشتباه آن را شعب ابی طالب گفته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در آن محاصره شدند.

۲. شعب ابوطالب (محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله)

این شعب در تاریخ به نام‌های شعب ابی‌طالب، شعب مولد، که به سبب تولد پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه نامیده شد و شعب علی علیه السلام معروف بوده است. در این مکان پیامبر صلی الله علیه و آله، بنی‌هاشم و بنی عبدالمطلب از سوی کفار محاصره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابو طالب، بنی‌هاشم و بنی عبدالمطلب متعلق بود و میان دو کوه «ابوقییس و خندمه» قرار داشت. به گفته ابن سعد، این واقعه در محرم سال هفتم بعثت اتفاق افتاد. «۲» در مدت سه سالی که بنی‌هاشم در محاصره بودند، سختی‌های بسیاری را متحمل شدند؛ به‌طوری که تعدادی بر اثر گرسنگی از دنیا رفتند و صدای شیون و ناله کودکان از درون شعب به گوش مردم می‌رسید. «۳» پس از سه سال، خداوند تعالی مکر و نفاق کافران را به یأس و اختلاف تبدیل و با از میان بردن عهدنامه، به وسیله موریانه، ننگی ابدی بر چهره تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۰ مشرکان گذاشت و محاصره در سال دهم بعثت پایان یافت. برخی به اشتباه، شعب ابی‌طالب را همان مکان قبرستان ابوطالب یا جنه‌المعلی می‌دانند، که داخل دَرّه ابی دُب یا دره سلاخ‌ها بوده و کنار کوه حجون واقع شده است! در حالی که شعب ابی‌طالب یا شعب علی علیه السلام، در کنار مسجد الحرام بوده و کفار، مسلمانان را در خانه‌های خود محاصره کردند نه این‌که از شهر خارج کرده باشند. امروزه در کنار کوه ابوقییس و در جوار منطقه پشت صفا و مروه، تونلی کنده شده که نام نَفَق علی بر آن دیده می‌شود که حکایت از شعب علی علیه السلام دارد. گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی‌هاشم و بنوعامر در نزدیکی مسجد الحرام واقع شده‌اند. ??? نقشه کوه‌های مکه

فصل چهارم مساجد تاریخی موجود مکه

۱- مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله

محل تولد حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ یعنی خانه «آمنه بنت وهب» در شعب «ابو طالب»، را هنگام هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله عقیل بن ابی‌طالب خرید. پس از چندی، خیزران مادر موسی و هارون الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد (زقاق المولد) باز می‌شد. «۱» جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و

چند در ورودی بوده است. هنگامی که آن جا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند. «۲» این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد. در دوران عثمانی، سلطان مرادخان، در ۱۰۰۹ ق. بر مکان تولد پیامبر صلی الله علیه و آله گنبدی بسیار بزرگ ساخت و مدرّسی نیز برای تدریس در این مکان معین گردید. «۳» این خانه مقدّس، در حکومت آل سعود به گفته محسن الامین، به سبب تبرّک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد! «۴» بعدها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۴ کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ ق. توسط شیخ عباس نظامی با سرمایه خود او ساخته شد که اکنون در سمت میدان پشت صفا و مروه، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبه المکه المکرمه» دیده می‌شود. (تصویر شماره ۱۰)

۲- مسجد الجن: مسجد الحرس

قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا. «۱» مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه بر خلاف بسیاری از آثار تاریخی، همچنان پا برجا مانده است. خداوند متعال آیات سوره جن را در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد. آن حضرت در حال بازگشت از طائف پس از طی مسیری طولانی، با قلبی شکسته و ناامید در جای این مسجد، که به «نخله» معروف بود، کنار نخل خرمایی نشست و نیمه شب به عبادت و تلاوت قرآن پرداخت. در این حال، هفت نفر از جنیان با شنیدن صدای قرآن متوقف شده و آیات الهی را به گوش سایر جنیان رسانیدند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن نیز چندین بار همراه «عبدالله بن مسعود» به این مکان می‌آمد و آیات قرآن را بر جنیان می‌خواند. در یکی از شب‌ها سوره جن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و خداوند آن حضرت را از اسلام جنیان خبر داد. این مکان در «الحجون» و دامنه «شعب ابی دُبّ» قرار داشت که بعدها به یاد آن رخداد بزرگ، مسجدی ساختند و آن را مسجد جن نامیدند. این مسجد را از آن لحاظ مسجد حرس نیز نامیده‌اند که در گذشته، پاسداران مناطق مختلف مکه، هنگام گشت شبانه، در نزدیکی مسجد جن با یکدیگر ملاقات و پس از تبادل اطلاعات به محل مأموریت خود باز می‌گشتند. «۲» مسجد یاد شده اکنون در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۵ سه راهی خیابان مسجدالحرام، منا و پل حجون در دوست متری قبرستان ابوطالب قرار دارد و در سمت چپ است که در شارع مسجد الحرام به سوی قبرستان می‌رود. نام این مسجد که تابلوی مسجد الجن بر نمای قلبی آن بود، قبل از بازسازی اخیر به شماره ۴۰ تغییر یافت اما در سال ۱۳۷۸ ش. بنای قدیمی آن تخریب و مسجد بزرگتری حدود دو برابر ساختند و باز هم نام مسجد الجن را بر تابلوی آن ثبت کردند. بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی و یک مناره بزرگ است که با دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پررونق مکه است. (تصویر شماره ۱۱)

۳- مسجد الزّایه

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت عازم فتح مکه شدند و بالای شهر در ناحیه‌ای به نام «الردم» نزدیک چاه جبیر بن مطعم که به آن «چاه علیا» می‌گفتند، استقرار یافتند و رایه (پرچم سپاه اسلام) را در آن جا نصب کردند. «۱» گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مکان نماز گزاردند. «۲» بعضی از فقهای مکه گفته‌اند در روزگاران قدیم، مردم برای انتخاب محل سکونت خود در مکه، از این چاه، که در کنار آن مسجدی بوده و در آن نماز می‌گزاردند، بالاتر نمی‌رفته‌اند. مسجد مورد نظر، همان مسجد الزّایه است. «۳» این مسجد را «عبدالله بن عبدالله بن عباس بن محمد» ساخته و در کنار آن نیز حوضی برای سقایت مردم از آب چاه مذکور قرار داده بود. مستعصم عباسی آن را به سال ۶۴۰ ق. بازسازی کرد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۶ در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۹۱

ق. این مسجد بازسازی و به جودریه معروف شد؛ وجه تسمیه آن، قرار گرفتن در دهانه بازار جودریه است که به اشتباه به ابوسفیان مشهور شده است. در سال ۱۳۸۰ ش. به گونه زیبایی بازسازی شد و دیوارها و مناره آن از سنگ است. بنای قبلی، دارای گنبدی طلائی بود که اکنون به رنگ سفید است و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. نام این مسجد را پس از بازسازی اخیر تغییر داده، مسجد فهدبن عبدالعزیز نام نهادند. (تصویر شماره ۱۲)

۴- مسجد التَّيْبَةُ: مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان شعب بنی عامر و سوق الغنم، با مردم مکه دیدار کردند و کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دل‌هایشان به اسلام گرایش یافته بود، در این مکان با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گرویدند. بعدها مسجد کوچکی در آنجا ساخته شد به یاد بیعت این گروه با پیامبر صلی الله علیه و آله و نام «مسجد البیعه» به خود گرفت. این مسجد در خیابان مسجدالحرام، سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. این مسجد، حدود ۵۰۰ متری بازار جودریه (ابوسفیان) و روبه‌روی اداره پست و تلگراف است. در سال ۱۳۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبا دارد. (تصویر شماره ۱۳)

۵- مسجد شجره

پس از بازار جودریه (ابوسفیان)، نرسیده به مسجد حِجّ و در تقاطع شارع مسجد الحرام و شارع نونه، در کنار پل مسجدی است که به یاد معجزه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام ساخته شد و نام مسجد شجره بر خود گرفت. به روایات فاکهی، در این مکان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۷ درختی به نبوت و پیامبری آن حضرت شهادت داد. «۱» مسجد یاد شده که بسیار کوچک و ساده بوده، در سال ۱۳۸۰ بازسازی گردید. این مسجد را، مانند سایر مساجدی که پیشتر اشاره شد، با سنگ‌های سفید و تیره و بسیار زیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل ساخته‌اند. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در میان راه مدینه و مکه هم نام است. (تصویر شماره ۱۴)

۶- مسجد ابوبکر

این مسجد در سمت «مَسْفَلَه» (پایین مکه) (دویست متری جنوب مسجدالحرام) واقع شده، که به ابوبکر منسوب است و در قرن دهم هجری به «دارالهجره» معروف گردید. گویند ابوبکر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از این مکان به سوی مدینه هجرت کرد. «۲» ۱ ن جبیر- ۲ ابن جبیر از خانه کوچکی در پشت مسجد خیر می‌دهد که محل مخفی شدن ابوبکر از کفار و مشرکان بوده است. «۳» بنای مسجد تا چند سال پیش در شارع حمزه بود که در جریان احداث فندق ابراج مکه و هتل هیلتون آن را خراب کردند. این هتل‌ها دقیقاً میان باب فهد و باب ملک عبدالعزیز واقع شده و مشرف بر مسجدالحرام و در کنار آن است. در میان هتل‌های یاد شده و روی هتل هیلتون مرکز تجاری با عنوان «مرکز التجاری والسکنی» ساخته‌اند و در طبقه چهارم این مرکز تجاری مصلی و مسجد بسیار بزرگی نیز ساخته و تابلوی مسجد ابوبکر صدیق بر آن نهاده‌اند تا نشانی از مسجد تخریب شده باشد. گفتنی است شارع ابراهیم خلیل در سمت مسفله در چند متری هتل‌های یاد شده است. (تصویر شماره ۱۵) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۸

۷- مسجد الاجابه

این مسجد در شارع ابطح و کنار میدان معابده، به سوی عزیزیه و منا واقع است و در سمت چپ کسی است که از میدان به سوی

عزیزه می‌رود). گفته می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سفر به طائف در این مکان نماز گزارند. نگارنده در محراب این مسجد دو کتیبه دید که دارای تاریخ ۹۷۰ هجری است. این مسجد به گفته نهروانی، در سال ۷۲۰ ق. تعمیر و پس از آن، رو به فرسودگی و تخریب رفت. «۱» تا اینکه در دهه گذشته، پس از تخریب ساختمان قدیمی، آن را بازسازی کردند. با این حال، در سال ۱۳۸۰ ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، آن را با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا با سنگ‌های سفید و تیره بازسازی کردند و تابلوی مسجدالاجابه، که بر بنای قدیمی آن وجود نداشت را بر آن نهادند. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد. «۲» (تصویر شماره ۱۶)

۸- مسجد خالد بن ولید

هنگامی که پیامبر مکه را فتح کرد، سپاهیان از چند جبهه وارد آن شدند. خالد بن ولید در رأس گروهی، از سمت پایین مکه (مسفله) وارد شهر شد و در مکان استقرار پرچم وی، مسجدی ساختند که به نام وی شهرت یافت. این مسجد اکنون در خیابان خالد بن ولید، در جنوب مسجد الحرام و محله «حارة الباب» قرار دارد. مسجد یاد شده در ۱۳۷۷ ق. بازسازی شده است. (تصویر شماره ۱۷) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۹

۹- مسجد فتح

رسول الله صلی الله علیه و آله آنگاه که با سپاهیان اسلام به قصد فتح شهر مکه حرکت می‌کرد، در حوالی ۲۵ کیلومتری شهر، از راه مدینه، در منطقه مَرّ الظهران توقف کرد و یک شب را در آنجا ماند و به نماز و دعا و نیز به ساماندهی و سان دیدن از سپاه ده‌هزار نفری خود پرداخت. در همین جا بود که ابوسفیان با دیدن عظمت و شکوه سپاه اسلام مسلمان شد. این منطقه در عصر حاضر به «الجُموم» مشهور است و ۱۸ کیلومتر با مسجد تنعیم در همان مسیر فاصله دارد. مسجدی که به یاد توقف و نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ساخته شده، در سال ۱۳۹۷ ق. بازسازی شده است. «۱»

فصل پنجم: قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فتح

الف- قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعَلَّى)

اشاره

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف؛ چون «ابوطالب»، «قریش»، «حجون»، «بنی‌هاشم» و «جَنَّةُ الْمُعَلَّى» یا «جَنَّةُ الْمُعَلَّاه» مشهور است. «۱» این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجد الحرام-الحجون. بر دامنه کوه حجون قرار دارد. به گفته فاکهی، در مکه شعبی نیست که دقیقاً روبه‌روی کعبه قرار گرفته باشد، جز همین شعب. «۲» مردم شهر در دوران جاهلی و ظهور اسلام مردگان خود را در «دره ابی دُب» که بخشی از حجون است، دفن می‌کردند، «۳» بعد از آن، منطقه گورستان وسیع‌تر شد. در دهانه این دره یا قبرستان، ابو موسی اشعری سکوی ایوان مسقفی از سنگ ساخته بود و پس از بازگشت از صفین در آنجا ساکن شد. «۴»

فضایل قبرستان ابوطالب

از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی وارد این مقبره شد که قبری تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۴ از مسلمانان در آن نبود و در اینجا بود که فرمود: از این مکان و از حرم خداوندی هفتاد هزار نفر بدون حساب به بهشت می‌روند و هر یک هفتاد نفر را شفاعت می‌کنند. این در حالی است که صورت‌های آنان؛ چه از اولین و چه از آخرین، همانند ماه شب بدر می‌درخشد. کسانی که در مکه و حرم وفات یابند، روز قیامت ایمن برانگیخته خواهند شد. عبدالله بن مسعود افزود: «همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به این قبرستان آمدم. آن حضرت فرمودند: به زیارت قبور بروید و برای اموات خود استغفار کرده، نماز بخوانید که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ خواهد انداخت.» (۱) برای زیارت قبور این قبرستان و هر یک از آبا و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله دعاهای خاصی ذکر شده است. (۲) گرداگرد این قبرستان دیواری کشیده‌اند که تا دامنه کوه امتداد می‌یابد. قبرستان از دو ناحیه مجزا تشکیل شده است. قبور آبا و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم در شمال قبرستان و در درّه و دامنه کوه واقع است. سمت جنوبی این قبور به وسیله دیوار و نرده‌های آهنی از بقیه قبرستان جدا شده است. قبور اجداد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا قبل از حکومت آل سعود، همه دارای گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه‌نویسان و سیاحان به آن اشاره کرده‌اند. قبرستان امروزه تا آن سوی شارع حج چون نیز امتداد یافته است و مردگان در آن دفن می‌شوند.

به خاک آرمیدگان قبرستان ابوطالب

اشاره

در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

۱- قُصَیِّ بنِ کِلَاب (جدّ اعلای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله)

وی فرزند کلاب بن مُرّه است. مادرش فاطمه دختر سعد بن سیل بود. قُصَیِّ چهار پسر به نام‌های عبد مناف، عبد الدّار، عبد العزّی و عبد قُصَیِّ و دو دختر داشت که همه در این قبرستان مدفون‌اند. (۱) لقب او ابوالمغیره و مُجَمَّع بود. قُصَیِّ هنگام نوجوانی همراه حاجیان قُضاعه به مکه برگشت. در این زمان، کلیدداری کعبه با قبیله خزاعه بود که پس از جرهمیان بر مکه غالب بودند. قُصَیِّ دست آنان را پس از جنگی، از اجازه حج کوتاه کرد و امور کعبه و مکه را در دست گرفت. وی نخستین کسی است که قبیله قریش را از میان طوایف پراکنده گرد آورد و آنان را به عَزّت و سربلندی رسانید و ضیافت حاجیان را واجب ساخت و مناصب کعبه را بنیان نهاد و آنان را میان فرزندان خود تقسیم کرد. (۲) قُصَیِّ نخستین کسی بود که در این قبرستان به خاک سپرده شد و پس از او، قبایل مردگان خود را کنار وی دفن کردند. (۳)

۲- عبدالمطلب بن هاشم

وی فرزند هاشم بن عبد مناف بن قُصَیِّ بن کِلَاب است. مادرش «سَلَمَی» دختر عمرو بن زید بود. کنیه عبدالمطلب «ابو الحارث» و نامش «شبیّه الحمد» بود. او پس از مرگ عمویش مَطَّلَب همه کاره قریش شد و چاه زمزم را مجدداً حفر و مردم را به یگانگی

خداوند و پرستش او و ترک بت‌ها دعوت کرد. سنت‌های پسندیده و نیکی را در دوران جاهلی به‌جای گذاشت که بسیاری از آن‌ها در دوران اسلام نیز پا بر جا ماند. در زمان او بود که ابرهه با سپاه فیل به مکه روی آورد. گویند وی نخستین کسی بود که در غار حرا به اعتکاف می‌پرداخت و در تمام ماه مستمندان را اطعام می‌کرد. «۴» مدفن وی در نزدیکی قبر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۶ ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبدالله بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است. «۱»

۳- ابوطالب بن عبدالمطلب

وی پدر گرامی امام علی علیه السلام، طالب، عقیل، جعفر، امّ هانی و جُمانه است. ابوطالب در آغاز ظهور اسلام، چتر حمایت خود را بر سر برادر زاده‌اش، محمد صلی الله علیه و آله گسترانید و به‌طور بسیار جدی از آن حضرت دفاع کرد. داستان تبعید بنی‌هاشم و خاندان ابوطالب در «شعب ابی‌طالب» در منابع تاریخی ضبط و ثبت است. ایمان ابوطالب به اسلام یقینی است و تاکنون رساله‌ها و کتب متعددی از سوی محدّثان و محققان شیعه در باره این موضوع به رشته نگارش درآمده است. در سال دهم بعثت، با وفات او، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بزرگترین حامی خود را از دست داد. او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپردند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ ق. تعمیر و بازسازی شد. «۲»

۴- خدیجه علیها السلام

خدیجه بنت «خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب»، همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین زنی است که مسلمان شد و با مال و ثروت خویش پیامبر را یاری کرد. علاقه‌ای که پیامبر به ایشان داشت، به هیچ یک از زنان دیگرش نداشت. روایات زیادی از آن حضرت در مورد اوصاف و القاب حضرت خدیجه نقل شده است؛ از جمله: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ...» «۳» در جای دیگر می‌فرماید: «همانا من خدیجه را بر زنان اُمّت برتری می‌دهم، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۷ همان‌گونه که مریم بر زنان عالم برتری داده شد. «۱» به خداوند سوگند که بهتر از خدیجه، پس از او برای من جایگزین نکرد ... او ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکفیر کردند و هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند، او مرا تأیید کرد، هنگامی که مردم مالشان را از من دریغ کردند، او اموالش را در اختیار من گذاشت. خداوند از او فرزندان به من عطا کرد در حالی که از زنان دیگر نداد.» «۲» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه صاحب دو فرزندِ پسر، به نام قاسم و عبدالله و چهار دختر به نام‌های زینب، امّ کلثوم، فاطمه و رقیه شدند. «۳» شب‌های تاریک راه خانه خدیجه تا غار حرا، به روزی روشن از اخلاص و امید و فداکاری بدل شد. کوه بزرگ نور، که امروزه بعضی از مردان نیز از صعود به آن عاجزند، در سایه اخلاص و فداکاری و عظمت گام‌های خدیجه کوچک می‌نمود. آن بانوی فداکار به رغم آن همه ثروت و مکت، سه سال در شعب ابی طالب، گرسنه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ماند و آرامش جان او بود. سرانجام نیز در پایان آن محاصره وفات یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را در قبرستان حجون به خاک سپردند. در سال ۹۰۵ ق. «محمد بن سلیمان چرکسی» امین الدفاتر مصر در دوران سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی، گنبدی بر قبر خدیجه علیها السلام ساخت که پیش از آن، تابوتی چوبین و ضریحی بر روی قبر او بود. «۴» این گنبد در سال ۱۲۹۸ ق. بازسازی شد. در کنار این بانوی بزرگ اسلام، شانزده تن از اشراف در یک چهار دیواری مدفون شده‌اند. «۵»

۵- قاسم بن محمد صلی الله علیه و آله

قاسم، فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله بود که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۸ «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه علیها السلام است دفن کرد. «۱» (تصویرهای شماره ۱۸، ۱۹)

قبور دیگر در گورستان ابوطالب

در این قبرستان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه علیهم السلام، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر دفن شده‌اند که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- علی بن موسی بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام. ۲- عبدالله بن زبیر بن عوام. ۳- محمد بن محمد بن ابراهیم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام. ۴- اسماعیل بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی الجون بن عبدالله محض بن حسن بن امام حسن علیه السلام. ۵- حسن بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی الجون بن ... امام حسن علیه السلام. ۶- حسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن حسن بن امام حسن علیه السلام. ۷- سلیمان بن عبدالله بن الحسن بن امام حسن علیه السلام. ۸- حسن بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن علیه السلام. «۲» ۹- فضیل بن عیاض. ۱۰- ابن هوازن قشیری. ۱۱- شیخ تقی الدین السبکی. ۱۲- سفیان بن عیینه. ۱۳- محمد بن عون. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۹

ب- مزار گمنام شهدای فح

هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام نواده بزرگوار امام حسن مجتبی علیه السلام (که پس از شهادت به «شهید فح» مشهور شد) و چند تن از سادات و نوادگان امام حسن علیه السلام همراه نزدیک به چهار هزار نفر از علویان، که از حکومت عباسیان به ستوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصرف مدینه به سمت مکه حرکت کردند. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسجد تنعیم، که به «وادی فح» معروف است، با سپاهیان خلیفه رو به رو شدند. در این نبرد که در سال ۱۶۹ ق. رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسرا نزد خلیفه فرستادند. بدن‌های بی سر شهدای فح، پس از سه روز، در همان محل مدفون شدند. «۱» از امام جواد علیه السلام نقل شده که برای ما اهل بیت بعد از کربلا قتلگاهی بزرگتر از فح نبوده است. همچنین امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: در این مکان (فح) مردی از فرزندان من، با جماعتی دیگر کشته می‌شوند که ارواح آنان بر بدن‌هایشان به سوی بهشت سبقت خواهد گرفت و جبرئیل علیه السلام نیز به من خبر داده است که یکی از فرزندان تو در این جا شهید می‌شود که اجر دو شهید خواهد داشت. «۲» محل فح یکی از میقات‌های حج، البته از نظر شیعه است که آن را میقات کودکان نابالغ دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام قبل از ورود به حرم در مکان مذکور غسل فرموده و به آن امر می‌کرده‌اند. «۳» مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۰ «حی الشهداء» معروف و در شارع الشهداء، کنار جاده مدینه، شش کیلومتری حرم و حدود ۵۰۰ متر بالاتر از مسجد تنعیم- که برای عمره در آن مُحَرَّم می‌شوند- قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ ش. دیوار قبور شهدای فح را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با عنوان مقبره عبدالله بن عمر بن خطاب گذاشتند که حاکی از تلاش برای محو اثر و نام شهدای فح دارد. «۱» در کنار این مکان، که یک چهار دیواری حدود ۳۰۰ متری است، مسجد جدیدی با نام اسعد بن زراره ساخته‌اند که

گنبدی سبز دارد. در مجاورت مقبره، در بالای تپه‌ای، آثار قلعه‌ای قدیمی نیز دیده می‌شود. در کنار خیابان شهدا مسجدی نیز به نام مسجد الشهداء است که محلّ قبور، پشت این مسجد و به فاصله اندکی از آن است. در مقابل آن مسجد نیز پمپ بنزین محطّۃ الجزیره قرار دارد. (تصویر شماره ۱۹)

فصل ششم: خانه‌ها و مساجد تاریخی مکه (تخریب شده در دوران سعودی)

الف - خانه‌های تخریب شده

۱. خانه اَرْقَم بن ابی ارقم

این خانه که نخستین پایگاه سرّی تبلیغ توحید در صدر اسلام بود، در دامنه کوه صفا قرار داشت. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت و پیش از اعلان رسمی رسالت، برای تبلیغ اسلام در این محل به تشکیل جلسات مخفی اقدام می‌کرد. بسیاری از تازه مسلمان شده‌ها، مخفیانه و شب هنگام در این پایگاه گرد پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه زده و از محضر پرفیض او بهره می‌بردند. بنابر آنچه در منابع آمده، نزدیک به چهل تن، از جمله: حمزه سید الشهداء علیه السلام و ابوذر غفاری رحمه الله در این خانه به اسلام گرویدند. «۲» مهدی عباسی آن خانه را به همسر خود خیزران، که مادر هارون و هادی بود، بخشید «۳» و از آن سال به «دار خیزران» معروف شد. «۴» در سال‌های مختلف آن را ترمیم و تعمیر کرده‌اند. «۵» خانه ارقم همچنان تا سال ۱۳۹۵ ق. ۱۳۵۴ ش. بر سر پا بود و محل آن به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۴ کتابخانه‌ای تبدیل شد که در طرح توسعه سعودی (پشت صفا) تخریب گردید. امروزه بر پلکان برقی سمت صفا که مدخل ورودی به طبقه دوم است، نام «مدرج کهربائیة ارقم بن ابی ارقم» دیده می‌شود.

۲- دارالندوه یا انجمن مشورت

این خانه، از کهن‌ترین خانه‌های مکه بوده که «قُصَیِّ بنِ کِلَاب» آن را ساخت تا مهمترین امور سیاسی، نظامی و اقتصادی در آن، مورد بحث و مشورت قرار گیرد و از دوران جاهلیت تا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت فراوانی داشته است. «۱» ازرقی گوید: آن‌جا محلّ سکونت قُصَیِّ نیز بوده است. «۲» سرپرستی دارالندوه پس از قُصَیِّ، به عبد مناف و سپس به هاشم رسید. هنگام ظهور اسلام، حکیم بن حزام، دایی زاده حضرت خدیجه علیها السلام این خانه را به هزار درهم خرید. «۳» در این خانه تصمیمات شومی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم گرفته شد که نخستین آن‌ها محاصره اقتصادی و اجتماعی در شعب ابی‌طالب و دوّمین آن نیز توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله بود. بخشی از دارالندوه در توسعه عبد الملک و فرزند او ضمیمه مسجد الحرام شد. «۴» بعدها دارالندوه را از اساس تخریب و به جای آن مسجدی ساختند که مسقّف بود و دوازده در، از آن به داخل مسجد الحرام باز می‌شد. این مکان اکنون داخل مسجدالنبی صلی الله علیه و آله شده است.

۳. خانه خدیجه علیها السلام

خانه همسر وفادار و گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله در نزدیکی مولد پیامبر صلی الله علیه و آله در محلی معروف به «حیّ القشاشیه» و در کوچه حجر قرار داشت. این خانه پس از مولد النبی صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین مکان‌ها در مکه محسوب و حوادث و وقایعی را در دل خود جای داده است که به آن‌ها اشاره می‌گردد: ۱- ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. ۲- تولد فاطمه علیها السلام، که سنگ مرمری به نشانه محلّ تولد ایشان در آن‌جا قرار

داده بودند. ۳- تولد سه دختر دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام. «۱» ۴- نزول جبرئیل علیه السلام در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله که این خانه را پس از کعبه با فضیلت‌ترین مکان مکه ساخته است. «۲» ۵- آزار پیامبر صلی الله علیه و آله در این جا از سوی همسایه‌ای چون ابو لهب. «۳» ۶- حادثه لیلۃ المییت؛ یعنی شبی که علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و جان آن حضرت را نجات داد. ۷- آغاز هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله. ۸- وفات خدیجه سلام الله علیها. این خانه در سال ۶۴۰ ق. از سوی خلیفه عباسی الناصر بالله تعمیر و کتیبه‌ای نیز بر آن نوشته شد. در دوران عثمانی نیز قسمتی از آن به آموزش قرآن اطفال اختصاص یافت. «۴» پادشاهان مصر، یمن و نیز سلطان سلیمان قانونی، خانه خدیجه را ترمیم و تجدید بنا کردند. این خانه در توسعه دوره سعودی تخریب شد. مکان تقریبی آن، حدود ۱۵۰ متری میدان پشت صفا و مروه، در نزدیکی زادگاه رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است؛ جایی که اکنون پایانه اتوبوسرانی داخل شهری (خیابان غزه) در آن جا است. این خانه درست مقابل باب بنی شیبه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خود به سوی آن حرکت می کردند.

۴. خانه ابوطالب

از دیگر مکان‌های تاریخی مکه، خانه ابوطالب، پدر گرامی علی علیه السلام است. این خانه محل رشد پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده است. هنگامی که عبدالله، پدر گرامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، آن حضرت تحت سرپرستی عموی خود ابوطالب قرار گرفت و دوران طفولیت را در این مکان پشت سر گذاشت. خانه ابوطالب در ابتدای منازل بنی هاشم و در چند متری زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در دوران سعودی و در توسعه میدان پشت صفا تخریب شد.

۵. زادگاه حضرت حمزه، سیدالشهدا (ع)

زادگاه عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله در پایین مکه، در محلی به نام «بازان» بوده است؛ خانه‌ای که ایشان در آن جا متولد شدند و تا قرن نهم به طور کامل پا برجا بود. نهروانی المکی که محل آن را در اوایل قرن دهم هجری دیده است، می گوید: محراب، در و دیوارهای آن از میان رفته ولی بقایایی از دیوارهای آن مانده است. «۱»

۶. خانه عبدالله بن جدعان

از اماکن مهمی که یادآور خاطره نخستین دخالت پیامبر صلی الله علیه و آله در امور سیاسی و اجتماعی در روزگار جوانی اش بوده، خانه عبدالله بن جدعان است. در این خانه، پیمان معروف «حلف الفضول» بسته شد و پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت، در انعقاد این پیمان حضور یافتند و آن را امضا کردند. این واقعه بیست سال پیش از بعثت رخ داد. ابن هشام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «در خانه عبدالله بن جدعان در پیمانی حاضر شدم که اگر یکصد شتر سرخ موی یمنی را به من می دادند، به آن اندازه خوشحال نمی شدم.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۷ خانه یاد شده، پشت صفا و مروه و در دهانه «محلّه اجیاد بزرگ و اجیاد کوچک» قرار داشت.

۷. خانه حارث بن عبد المطلب

از دیگر خانه‌های مهم این شهر، که انذار عشیره در آن رخ داد، خانه حارث، فرزند عبد المطلب بود. «۱» پس از نزول آیه: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ، «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله در آن خانه اقوام و خویشان خود را به اسلام دعوت کرد، اما هیچ کس جز علی بن

ابی طالب علیه السلام او را تأیید نکرد که سه بار به پیامبر صلی الله علیه و آله لئیک گفت. آنگاه رسول الله فرمودند: «این علی، برادر، وصی و جانشین من است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.» در این میان، گروهی با حالت تمسخر به ابوطالب گفتند: «تو دعوت شده‌ای تا از فرزند خردسالت (یعنی علی) اطاعت کنی!» «۳» این خانه که در پشت صفا و مروه و در شعب بنی هاشم قرار داشت، در توسعه‌های دوران سعودی تخریب شد.

۸. زادگاه امام جعفر صادق علیه السلام

ششمین امام شیعیان در خانه‌ای معروف به دار ابی سعید، نزدیک دارالعجله (سمت صفا و مروه) به دنیا آمدند. فاسی مکی کتیبه‌ای در این خانه دیده که بر آن نوشته شده بود: «هَذَا مَوْلُدُ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَخَلَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله» بر اساس این کتیبه، باید گفت این خانه علاوه بر آن که زادگاه امام صادق علیه السلام بوده، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن وارد شده‌اند. خانه یاد شده در سال ۶۲۳ ق. تعمیر گردید. گفته می‌شود که تولد «جعفر طیار» نیز در همین خانه بوده است. «۴» زادگاه امام صادق علیه السلام در دوران سعودی، همراه دار العجله تخریب شد.

ب- مساجد تخریب شده

۱. مسجد انشقاق القمر: بلال حبشی

در سال نهم بعثت، برخی از مشرکان؛ از جمله ابوجهل از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا برای اثبات نبوت خود، اگر قادر است ماه را دو نیم کند. در این حال جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و اجازه خداوند برای این کار را ابلاغ کرد. آن حضرت نیز با انگشت سبابه به ماه اشاره کرد و ماه دو نیم شد؛ نیمی در کوه ابوقییس و نیمی در کوه قعیقان دیده شد. در این حال، رسول الله صلی الله علیه و آله به سجده افتاد و شکر کرد. «۱» پس از آن، بالای کوه ابوقییس مسجدی ساختند و آن را «انشقاق القمر» نامیدند. در دوران سعودی قسمت‌هایی از این کوه صاف و بر آن دارالضیافه ساخته شد؛ لذا این مسجد به همراه چند مسجد دیگر تخریب گردید. این قصر بسیار بزرگ و بلند و مشرف بر کعبه ساخته شده است. خلفای سه گانه، ساختن هر خانه‌ای را که بلندتر از کعبه باشد، منع می‌کردند و اگر خانه‌ای در این سطح ساخته می‌شد آن را تخریب می‌کردند. برخی از فقها و علمای اهل سنت نیز ساختن خانه‌ای بلندتر از کعبه در اطراف آن را تقبیح و نکوهش کرده‌اند. «۲» در هر حال، برخی این مسجد را همان «مسجد بلال» دانسته‌اند که بر فراز این کوه قرار داشته و تخریب شده است؛ در حالی که برخی گفته‌اند آن‌ها دو مسجد مستقل بوده‌اند؛ با این تفاوت که مسجد انشقاق القمر قبل از تخریب، نمایی مخروبه داشت ولی مسجد بلال حبشی بازسازی شده بود. این مسجد را از آن‌رو به بلال حبشی منسوب دانسته‌اند که وی بر کوه ابوقییس اذان می‌گفت و پس از آن در محل اذان وی، مسجدی ساخته‌اند.

۲. مسجد ابراهیم علیه السلام

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان یافت مردم را به انجام فریضه حج فرا بخواند و بر فراز کوه ابوقییس ایستاد و گفت: «ای بندگان خدا، دعوت معبود را اجابت کنید»، پس از آن، به یاد این واقعه، در این مکان مسجدی ساختند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به نماز می‌ایستادند. چون فردی به نام «ابراهیم قیسی» در آن‌جا می‌زیست، این مسجد به نام او نیز مشهور بود. «۱» مسجد ابراهیم، همراه مسجد انشقاق القمر تخریب شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۱

فصل هفتم: میقات‌های حج و حدود حرم

الف- میقات‌های حج

اشاره

کسانی که برای انجام عمره یا حج تمتع، عزم سفر به مکه معظمه را دارند و ساکن خارج میقات‌ها هستند، بدون محرم شدن، حق ورود به این شهر را ندارند. نقاطی را که حجاج در آن محرم می‌شوند «میقات» می‌گویند. میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجاج متفاوت‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذو الحلیفه (: مسجد شجره) را، برای مردم شام، جحفه را، برای اهل نجد و یمن، قرن المنازل را و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد، «۱» که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

۱. ذو الحلیفه (مسجد شجره: آبار علی علیه السلام)

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۴ می‌روند. پیامبر صلی الله علیه و آله در سه سفر عمره و یک سفر حج تمتع، در این میقات محرم شدند: ۱- در سال صلح حدیبیه، که موفق به انجام عمره نشدند. (ششم هجری). ۲- عمره ناشده (سال هفتم هجری). ۳- فتح مکه (سال هشتم). ۴- حجّه الوداع (سال دهم هجری).

۲. جحفه

«جحفه» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رابغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که از جدّه به مکه می‌آیند، در مسجد جدیدی که به جحفه معروف است و سعودی‌ها آن را ساخته‌اند، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی جحفه (حدود چهار کیلومتری آن) قرار دارد. بعضی نیز گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه غدیر خم را در جحفه ایراد کرده‌اند. این مکان در گذشته آباد بوده و آن را «مَهْيَعَه» می‌خواندند که از آغاز غدیر خم تا ساحل دریای سرخ امتداد داشته است. بعدها به وسیله سیل تخریب و به همین علت آن را جحفه (یعنی محلی که سیل بر آن وارد شد: جحف السیل) نامیده‌اند. «۱» یاقوت حموی که آن‌جا را در سده هفتم دیده، از ویرانی و خرابی‌اش خبر می‌دهد. «۲» این شهر تا قرن‌های متمادی همچنان ویرانه‌ای بیش نبوده و در عصر حاضر، روستایی جایگزین آن شده است.

۳. وادی «۳» عقیق

این وادی در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه بوده و میقات کسانی است که از راه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۵ عراق و نجد به مکه می‌روند. اوایل این وادی را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و پایان آن را «ذات عرق» گویند.

۴. قَرْنُ الْمَنَازِل

میقات قرن‌المنازل در ۹۴ کیلومتری جنوب مکه واقع شده و میقات کسانی است که از نجد و طائف (جنوب مکه)، از جاده ریاض - طائف به حرم وارد می‌شوند. «قرن» به کوه کوچکی گفته می‌شود که از کوهی بزرگ جدا افتاده باشد. در این منطقه دو مسجد در سال ۱۴۰۲ ق. ساخته شده است. یکی میقات «السیل الکبیر» و دیگری «مسجد وادی محرم».

۵. یَلْمَلَم

و آن کوهی است از کوه‌های «تهامه» که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند. «۱» امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یلملم با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.

۶. فَحْ

سرزمین شهدای واقعه خونین فح، که پیشتر به آن اشاره شد، از میقات‌های مورد نظر شیعه است که در ۶ کیلومتری مکه بوده و میقات کودکان و افراد نابالغ است. «۲» این مکان حدود ۵۰۰ متری مسجد تنعیم در سمت راست شارع الشهداء قرار دارد. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۶ نقشه؟؟؟

ب- حدود حرم و علت تحریم

اشاره

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ حَرَّمَ مَكَّةَ وَكَلَّمَ بِهَا النَّاسَ وَلَا يَحِلُّ لِمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْبِقَكَ بِهَا دِمَاءٌ وَلَا يُعْضَدَ بِهَا شَجَرًا». «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند سبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادند. برای کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کند.» در قرآن کریم آمده است: ... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا... «۲» «هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد». گفته‌اند حتی اگر قاتلی نیز داخل حرم شود در امن است. از امام باقر علیه السلام در باره علت تحریم و تعیین حدود حرم نقل شده است: «وقتی آدم و حوا از بهشت فرو آمدند و بر صفا و مروه نشستند، خداوند اعمال حج را به آن دو آموخت و خیمه‌ای برپا شد که ستون‌های آن از چوب درخت بهشتی به رنگ قرمز بود و نور آن به کوه‌های مکه و اطراف می‌تابید و لذا از هر سو، تا مسافتی که نور این ستون‌ها می‌رسید، آن را حرم قرار دادند.» «۳» بعضی نیز گفته‌اند: حضرت آدم علیه السلام پس از هبوط، از شیطان ترسید و به خداوند پناه برد، خداوند فرشتگان را در هر گوشه‌ای از مکه به حراست و نگاهبانی آدم گماشت؛ و میان آدم در مکه و آن فرشتگان حرم شد و یا این که وقتی ابراهیم علیه السلام حجرالأسود را در جای خود قرار می‌داد، خداوند هر چهار سمت را که حجر به سوی آن بود، حرم قرار داد. «۴» مکه حرم امن الهی است که از پیرامون و اطراف، در نقاط خاصی محدود شده و مرز معینی دارد. ابراهیم علیه السلام بنا بر آنچه که جبرئیل علیه السلام به او تعلیم داده بود، علایمی را در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۸ حد و مرز حرم نصب کرد که در دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفا، این علامت‌ها به ۹۴۳ عدد رسید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعات و سطوح قرار داشت. امروزه جز اندکی از آن‌ها باقی نیست. این محدوده، به طول ۱۲۷ کیلومتر به صورت دوزنقه و مساحت ۵۵۰ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. (تصویر شماره ۲۰) محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرده‌اند:

۱. سمت طائف: وادی عَرْنَه (عرفات)

از راه عرفات و در میان «نَمِرَه» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند. «۱» بنابراین، بخشی از سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علایمی؛ به‌ویژه در داخل مسجد نَمِرَه (محل وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله) مشخص شده است.

۲. وادی نخله

مکانی است میان مکه و طائف در سمت شمال شرقی حرم و در ۴۵ کیلومتری مکه، در این جا پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام برگشتن از غزوه طائف استراحتی کرده و گروهی از جن‌ها با شنیدن صدای قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله، به او ایمان آوردند. «۲» برخی نیز گفته‌اند سوره جن در این محل نازل شده است. سرّیه عبدالله بن جحش و خالد بن ولید به سوی نخله از سرایای معروف زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. البته این موضوع برای مسجد جن در نزدیکی مسجدالحرام هم گفته شده است.

۳. جِعْرانَه

منطقه جعرانه نیز از حدود حرم است که میان ۱۸ یا ۲۴ کیلومتری مکه است. حدّ حرم در جِعْرانَه، شعب «آل عبدالله بن خالد بن اسید» است که در این مکان مسجدی به نام تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۹ جعرانه وجود دارد. رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام برگشت از غزوه حُئین، در این مکان مُحرم شدند.

۴- تَنْعِیم

تنعیم در شمال مسجد الحرام و در ۷/۵ کیلومتری آن است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نام این منطقه نیز نعمان یا تنعیم است. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در حَجَّه‌الوداع در این مکان مُحرم شدند. تنعیم نزدیک‌ترین میقات به حرم است. گفتنی است دو علامت، در دو طرف جاده اصلی، مرز حرم را نشان می‌دهند. کسانی که به مکه می‌آیند و می‌خواهند عمره به جا آورند؛ ساکن باشند یا مسافر، می‌توانند در اینجا مُحرم شوند.

۵. حُدَیبِیَه

منطقه «حدیبیه» آغاز حرم در سمت جدّه است که در ۲۰ کیلومتری مکه قرار دارد. در سال ششم هجری، پیمان صلح معروف «حدیبیه» و بیعت «رضوان» در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آن‌جا مسجدی به نام «رضوان» یا «حدیبیه» ساختند. «۲»

۶. اضَاءَةُ لَبْن

«اضاءَةُ لَبْن» محدوده حرم در سمت یمن (جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مکه قرار دارد. «۳» این مکان به «اضاءَةُ ابن عقیل» نیز معروف است که به معنای «مسیل» یا «دَرّه ابن عقیل» می‌باشد و «لبن» نیز به سبب رنگ مایل به سفیدی کوه مجاور آن است.

۱. مسجد تنعیم

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تنعیم یکی از نقاط آغازین حرم و در ۷/۵ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر صلی الله علیه و آله در حَجَّهٔ الوداع، مسجدی ساختند که نام آن «تنعیم» است. نام دیگر آن عایشه می‌باشد؛ زیرا وی نیز در حَجَّهٔ الوداع، در این مکان برای انجام عمره مفرده محرم شد. امروزه از این مسجد با نام «العمره» نیز یاد می‌کنند. مکان مسجد تنعیم به «خیمه جمانه» نیز شهرت داشته؛ زیرا جمانه دختر ابوطالب (خواهر علی علیه السلام) در این محل فرزندی برای سفیان بن حارث به دنیا آورد. «۱» مسجد تنعیم را ابو العباس عبدالله بن محمد بن داوود، والی مکه در سال ۲۴۰ ق. ترمیم کرد و بر چاه آن گنبدی بنا کرد. پس از آن تعمیراتی نیز در آن انجام گرفت. «۲» در سال‌های ۶۴۵، ۶۷۸، ۹۸۱، ۱۰۱۱ ه. ق. «۳» نیز بازسازی شد. در دوران فهدبن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند که مساحت آن به ۶۰۰۰ مترمربع رسید و اکنون ۱۵۰ هزار نمازگزار را در مساحت ۸۴۰۰۰ متر مربع در خود جای می‌دهد. «۴» در پانصد متری این مسجد، شارع شهدا، قبرستان شهدای فح قرار دارد. «۵» همچنین در ۲۰۰ متری شمال آن، در نزدیکی کوه، صحابی پیامبر، خیب بن عدی، یکی از اسرای سریه رجیع به دست مشرکان گردن زده شد. علامتی چون مناره در محل شهادت وی تا سال ۱۳۷۷ ق. موجود بوده است. «۶» (تصویر شماره ۲۱)

۲. مسجد حدیبیه: رضوان: آل شَمِیسی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ذی‌قعدة سال ششم هجرت، همراه گروهی از مسلمانان، برای انجام فریضه حج، از مدینه خارج شدند و پس از پوشیدن احرام در ذو الحلیفه، با هفتاد شتر، برای قربانی راهی مکه شدند. در میان راه، کفار قریش به هراس افتاده و با اعزام سپاهیان مسلح، تصمیم گرفتند تا از ورود آن حضرت به مکه جلوگیری کنند. با این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به نمایندگان مشرکان اطمینان دادند که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام حج آمده‌اند، لیکن آنان نپذیرفتند و آن حضرت را تهدید کردند و مانع ورود مسلمانان به مکه شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله عثمان بن عفان را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با سران مکه فرستاد اما تا سه‌روز از وی خبری نشد و مسلمانان گمان کردند که کفار قریش او را کشته‌اند. چون صحابه به نیات مشرکان واقف نبودند، در کنار درختی به نام «سمره» تا پای جان با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان بستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من پیمان بستند به آتش جهنم نخواهند سوخت». در این هنگام خداوند نیز با نزول آیاتی بر پیمان مسلمانان صحه گذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ... «۱» بدین سبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام یافت. سرانجام قریش وقتی اطمینان یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد درگیری ندارد، به نمایندگی سهیل بن عمرو و عمرو بن عاص با آن حضرت پیمان صلحی بستند؛ بدان شرط که امسال بازگردند و در سال دیگر برای انجام حج به مکه بیایند؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهان ایشان نیز بناچار شتران را قربانی کرده و پس از آن که سرهای خود را تراشیدند، به مدینه بازگشتند. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۲ این صلح چون در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشهور شد. یکی از نتایج پرثمر این صلح، فتح مکه بود که خداوند در ادامه آیه بالا، آن را وعده داد. درخت یاد شده تا دوران خلافت عمر بن خطاب مورد توجه مردم بود. خلیفه دوم دستور داد آن را قطع کردند و در جایش مسجدی ساختند تا یادآور خاطره این حادثه عظیم باشد. هم‌اکنون بقایای آن مسجد که نام «مسجد رضوان» بر خود گرفت، باقی است، اما در مجاورت آن در دوره سعودی، مسجد دیگری ساختند که به آل شَمِیسی معروف است. مسجد یادشده، حدود ۲۰۰ متر مساحت دارد و دارای دیوارهای سفید و یک مناره است و در سمت راست جاده‌ای واقع شده که به سوی مکه منتهی می‌شود. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد شمیسی دیده می‌شود که نام چاهی در منطقه است. کمی پایین‌تر از

حدیبیه، حدود دو کیلومتری آن، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۲۲)

۳. مسجد جِعْرانَه

یکی دیگر از مساجدی که در آغاز حدّ حرم و در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده، «مسجد جِعْرانَه» است. «۱» کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از این جا نیز می‌توانند محرم شوند و به این فضیلت نایل آیند. در جِعْرانَه آیه وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... «۲» نازل شده است. در فضیلت جِعْرانَه روایت بسیار است. گویند سی پیامبر در این مکان مُحْرَم شده‌اند. فاکهی روایات بسیاری از احرام پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نقل کرده است؛ از جمله این که نزدیک صبح از جِعْرانَه با احرام خارج شد و پس از انجام حج، نزدیک شب برگشته و تا صبح در جِعْرانَه بیتوته داشتند؛ آنگاه پس از طلوع خورشید از جِعْرانَه خارج شدند و به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۳ سرزمین سِرِف و سپس به مدینه باز گشتند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت از جنگ حُنین در جِعْرانَه محرم شدند و عمره انجام دادند. «۱» آن حضرت پس از غزوه حُنین. در این مکان غنیمت‌های جنگ را نیز تقسیم کردند. در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر صلی الله علیه و آله ساختند، بسیار ساده بود و ابن زبیر در تکمیل بنای آن کوشید. «۲» در دوران‌های بعد نیز ترمیم و توسعه یافت. در زمان فهدبن عبدالعزیز مساحت مسجد به ۴۳۰ متر مربع رسید که اکنون گنجایش هزار نمازگزار را دارد. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۴؟؟؟ مکه مکرمه در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل هشتم: مشاعر مقدسه (عرفات، مشعر الحرام و منی)

الف - سرزمین عرفات

اشاره

... فَبَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَمَاذُكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ. «۱» عرفات، نام صحرائی است وسیع و هموار، که در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکه میان ثویه و عُرْنَه، نَمْرَه تا ذی المجاز قرار دارد. «۲» طول تقریبی این صحرا، ۱۲ و عرض آن ۶/۵ کیلومتر است. بنابراین، بخش بسیاری از آن، از حرم خارج است. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاری نیز ریشه‌های تاریخی قائل شده‌اند؛ از جمله آن که حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از هبوط به زمین و بعد از جدایی طولانی در این صحرا، به یکدیگر رسیده و با هم آشنا شده‌اند. گروهی نیز گفته‌اند، عرفات (به معنای آشنایی) به آن علت است که حضرت ابراهیم علیه السلام در این جا برای قربانی کردن اسماعیل علیه السلام خواب دید و لذا نسبت به وظیفه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۸ خود آشنا و عارف شد. یا این که جبرئیل علیه السلام در روز عرفه بر ابراهیم علیه السلام وارد شد و مناسک حج را به او آموخت و با اعمال این روز آشنا کرد. «۱» چنانکه از روایات بر می‌آید، وقوف در عرفات نه تنها از ارکان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه این وقوف دارای فضایل بسیار ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص انعام و اکرامش را در دامنه «جبل الرّحمه» گسترانیده و از عموم میهمانان و زائران بیت‌الله دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی‌دریغش بنشینند و از لطف و رحمت بیکرانش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب

روز نهم ذی‌حجه است و پس از آن می‌توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد. گفتنی است که اهل سنت علاوه بر عرفات، روز قبل از عرفه؛ یعنی روز ترویبه (روز هشتم ذی‌حجه) را در منا وقوف و بیتوته می‌کنند و سپس صبح روز نهم به سوی عرفات پیاده می‌روند تا ظهر به عرفات برسند و آنگاه غروب از عرفات باردیگر به سوی منا بر می‌گردند؛ اما شیعیان مستقیم از مکه به عرفات می‌روند تا ظهر شرعی در آنجا وقوف کنند. امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشم‌گیری انجام گرفته است. خیابان‌های وسیع، جاده‌های پهن با چندین بانده، پل‌های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت یکصد هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ‌های قوی برای پخش قطرات آب در فضا و خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همه این‌ها، بیابان خشک و سوزان عرفات، که فلسفه اصلی وقوف در آن یادآوری گرما و سرگردانی در روز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۹ قیامت است را به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی‌کند.

وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز عرفه را در «نَمْرَه»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می‌آمدند. این سنگ، صخره‌ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد نَمْرَه» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا صلی الله علیه و آله، همان محل وقوف حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی‌کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند؛ یعنی آنان خود را «حُمَس» (۱) می‌دانستند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله که خود از قریش بودند، همراه سایر مردم در عرفات وقوف می‌کردند. خداوند در قرآن کریم این ارزش‌های جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هر جا که همه مسلمانان وقوف می‌کنند، وقوف داشته باشند. **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ... «۲»** صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله (حَجَّةُ الْوَدَاعِ) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبه مهم و تعیین کننده آن حضرت، که به حق آن را «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی منابع تاریخی آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابلاغ این خطبه بر فراز همان سنگی که بعدها به صورت منبر ساخته شد، ایستاده بودند. برخی از محدثان اهل سنت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۰ معتقدند آیه: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا «۱»** به‌هنگام وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفه (حَجَّةُ الْوَدَاعِ) نازل شده «۲» است؛ اما مفسران شیعه نزول آن را در غدیر خم، که پیامبر صلی الله علیه و آله چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواندند می‌دانند. «۳» (تصویر شماره ۲۳)

مسجد نَمْرَه: جامع ابراهیم علیه السلام

نَمْرَه نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن؛ یعنی محلی که پیامبر صلی الله علیه و آله وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نَمْرَه یا «عَرَفَه» بنا شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم علیه السلام خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم علیه السلام در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. این مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته سمت جنوبی آن، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند. از عبد الله بن عمر نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روز عرفه را در وادی نمره نزول می‌کردند. در این مکان غاری (شکافی) بوده و ایشان کنار

آن می‌نشستند. «۴» مسجد عرفه در قرن سوم، ۱۵۳ متر عرض و ۱۶۶ متر طول داشته که مساحت آن به ۲۵۳۹ متر می‌رسیده است. «۵» در قرن ششم هجری، بیش از چهار هزار متر بر آن افزوده شد. مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴۰۰۰ متر مربع می‌رسد و حدود ۳۰۰ هزار نمازگزار را در خود جا می‌دهد. یک گنبد و چهار مناره و ده در اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد. (تصویر شماره ۲۴)

جبل الرِّحْمَه

این کوه کوچک تقریباً در انتها و شرق عرفات است که از سطح زمین، ۶۵ متر و از دریا ۳۷۲ متر ارتفاع دارد و از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا است. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. برخی گفته‌اند آن حضرت بر تخته سنگی از این کوه ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایراد کردند. «۱» از آنجا که جبل الرحمه شاهد دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم علیه السلام بر جبل الرِّحْمَه را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، استوانه‌ای به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱/۸۰ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قندیل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروان‌ها باشد. «۲» کوه یاد شده نام‌های دیگری چون جبل الدَّعاء، جبل الال و جبل المَشَاء نیز داشته است. «۳» وقوف و حضور بر بالای کوه کراهت دارد و بهتر است در دامنه و سمت چپ کوه به دعا و تضرع پرداخته شود. (تصویر شماره ۲۵)

ب- مَشْعَر الحَرَام - مُزْدَلِفَه

اشاره

... فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ... «۴» مشعر الحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مئدین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف اختیاری در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۲ دهم ذی حجه- همان روز- اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است. قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوته نمی‌کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند. «۱» در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده؛ از جمله این که: مَشْعَر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زُلف» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرب پیدا می‌کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می‌شوند. «۲» از امام صادق علیه السلام نقل شده است: جبرئیل پس از پایان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «يَا اِبْرَاهِيمُ ارْذَلْفُ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ...» و به همین علت این مکان را مزدلفه نامیدند. «۳» مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعر الحرام گویند. طول آن حدود ۴۰۰۰ متر و مساحت آن ۱۲/۵ کیلومتر است. برای مشعر الحرام و مزدلفه محدوده‌ای مشخص کرده‌اند، در حقیقت مشعر به سرزمین مشخص در انتهای مزدلفه گفته می‌شود و نام کوهی است که تا وادی یا درّه «مَحَسَّر» امتداد می‌یابد. «۴» در این مکان ضمن بیتوته و عبادت در شب می‌توان سنگ‌ریزه‌هایی را که به لحاظ شکل و نوع، تنها در این منطقه یافت می‌شود برای رمی جمرات در منا جمع‌آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و ... برای راحتی حجاج در آنجا فراهم آمده است. (تصویر شماره ۲۶ و ۲۷)

مسجد مُزْدَلِفَه: مشعر الحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که مساحت اولیه آن حدود ۱۷۰۰ متر مربع و در دوران عباسی به ۴۰۰۰ متر مربع رسیده است. سعودی‌ها حدود ۱۴۰۰ متر مربع بر مساحت آن افزودند و تعمیراتی نیز بر آن صورت دادند. اکنون حدود ۱۲۰۰۰ نمازگزار در آن جای می‌گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبر خدا فرود می‌آمدند. بیشتر حجاج در همین مسجد که بخشی از مشعر الحرام است نماز عشا را برگزار می‌کنند. گفته شده است: در این مکان جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و در مورد مشعر الحرام و اهمیت و اعمال آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرده است.

ج- وادی مُحَسَّر

جایی است میان مزدلفه و منا و طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «مُحَسَّر» مشهور گشت. «۱» مُحَسَّر اسم فاعل از حَسَرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است. «۲» وادی مُحَسَّر، نه جزو منا است و نه جزو مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدونند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول مُحَسَّر ۳۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، مئذمین (دو کوه بین مزدلفه و منا) است. در کتب مناسک آمده است که نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منی وارد شد. زیرا وقوف در مشعر الحرام بین فجر و طلوع آفتاب است. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۴

د- سرزمین منا**اشاره**

وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلِقُوا رُؤُوسِكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ «۱» حاجیان باید پس از طلوع آفتاب، صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند. (تصویر شماره ۲۸ و ۲۹) منا در لغت از ریشه امنیه یا آرزوست. محدوده سرزمین منا از آخر وادی مُحَسَّر تا جمره عقبه است. گویند وقتی حضرت آدم علیه السلام به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در این جا پرسیدند: آیا آرزویی داری؟ از این‌رو، این سرزمین به منا معروف شد. «۲» از دعای امام صادق علیه السلام در منا برمی‌آید که ریشه منا از مَنَّت است؛ زیرا خداوند بر مردم مَنَّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. «اللَّهُمَّ هِدِيهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ...» «۳» منا میان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شمال شرق مسجد الحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. سرزمین منا شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده است. پیمان‌های عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه در اینجا بسته شد. «۴» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۵ از وقایع مهم دیگر این سرزمین بسیج و سازماندهی و استقرار سپاه اسلام برای فتح مکه در سال هشتم هجری بود. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه در مکان مسجد خَیْف عِلل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند. (تصویر شماره ۳۰)

جَمَرَات سه گانه

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، «۱» رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار در محلّ جمره عقبی خود را بر ابراهیم علیه السلام نمایند و آن حضرت با سنگریزه‌هایی او را راند. بار دیگر در محل جمره وسطی و بار سوم در جای جمره اولی بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و او در هر سه مورد، شیطان را با پرتاب سنگریزه از آن مکان‌ها دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌ها به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شتاب کردن و گریختن است. فاصله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس در دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. جمرات سه گانه در گذشته به علت ازدحام و شلوغی، تلفاتی را شاهد بوده است؛ در ۱۳۸۳ ق. پلی بر روی آن‌ها ساخته شد تا حاجیان بتوانند از بالای پل نیز رمی کنند. لذا بر ارتفاع جمرات افزودند. در سال ۱۳۸۳ ش. جمرات سه گانه که به صورت استوانه کوچک چهار ضلعی بود، به شکل دیوار مستطیل بزرگ به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۴ متر در آمد تا حاجیان راحت‌تر بتوانند بر آن سنگ بزنند و مجبور نباشند برای سنگ زدن به یک استوانه کوچک، گرفتار مشکل شوند. این افزودگی‌ها بر جمرات، عمدتاً در کناره‌ها صورت گرفت و جای اصلی جمرات، تقریباً در وسط این دیواره جدید بوده است. (تصاویر شماره ۳۱، ۳۲ و ۳۳)

مساجد موجود در منا**۱/۱- مسجد خَیْف**

از مساجد بزرگ و با اهمیت در منا، خَیْف است. به زمینی که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد، «۱» خَیْف گویند. به روایتی، هفتاد پیامبر؛ از جمله حضرت آدم علیه السلام در آنجا مدفون هستند. «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام حج در این مسجد حضور می‌یافتند و نماز می‌گزارند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص سفارش‌های زیادی شده است؛ از جمله مجاهد گوید: «هفتاد و پنج پیامبر برای زیارت بیت‌الله آمده و همه در مسجد منا (خَیْف) نماز گزارده‌اند؛ پس اگر توان خواندن نماز در مسجد مناداری، از آن غفلت نکن». «۳» در دوران عثمانی، گنبدی بزرگ در محلّ نماز رسول الله صلی الله علیه و آله قرار دادند و محرابی ساختند تا علامت خیمه و نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. مکان مورد نظر را مسجد «عِثْوَمَه» «۴» می‌گفتند. در بازسازی و توسعه دوران سعودی، این گنبد و محراب برداشته شد. در سال ۲۵۶ ق. پس از آن که مسجد به وسیله سیل تخریب شد، تعمیراتی در آن انجام گرفت. طول مسجد تا این دوران ۱۲۰ متر و عرض آن ۵۵ متر بود که مجموع مساحت آن، بیش از ۶۳۸۰ متر مربع شد. این مساحت، مسجد خَیْف را در زمره بزرگترین مساجد شبه‌جزیره قرار داد که حتی از مسجد الحرام نیز در آن زمان بزرگتر بود. در آن هنگام حدود ۱۸۶ ستون و بیست در ورودی و خروجی داشت. «۵» در قرون بعد نیز تعمیرات اساسی و گسترده‌ای در آن انجام گرفت و مساحت آن افزایش یافت. تا دوران عثمانی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۷ تنها نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی از دیوارهای مسجد دارای سقف و شبستان بوده ولی در دوران اخیر همه آن مسقف شد. در سال ۱۴۰۷ ق. طرح توسعه و تکمیل مسجد آغاز و مساحت آن به حدود چهار برابر قبل؛ یعنی ۲۵ هزار متر مربع رسید که نزدیک به ۳۰ هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. امروزه چهار مناره آن، که بسیار از یکدیگر فاصله دارند، در کنار کوه، در مسیر جمرات سه گانه جلوه زیبایی به مسجد بخشیده‌اند. (تصویر شماره ۳۴)

۲/۱- مسجد البیعه

این مسجد در جای بیعت عقبه دوم ساخته شد، تا یادآور آن خاطره عظیم باشد؛ «۱» به همین مناسبت، آن را مسجد البیعه نام نهادند. «۲» مسجد یاد شده حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که به سوی مکه، در جهت جنوب جمرات می‌رود. البته به سبب آن که در درّه‌ای کوچک واقع شده از داخل خیابان قابل رؤیت نیست و باید اندکی از کوه را بالا رفت تا بتوان آن را دید. بنای نخستین آن، به دست منصور عباسی در ۲۴۴ ق. ساخته شد و مستنصر عباسی نیز آن را تعمیر کرد. «۳» مسجد یاد شده، که در دهه گذشته مساحتی کوچک، حدود ۱۰۰ متر داشت و متأسفانه به زباله‌دانی تبدیل شده بود، در سال‌های اخیر بازسازی و توسعه یافت و مساحت آن به ۳۷۵ مترمربع رسید. (تصویر شماره ۳۵)

مساجد تخریب‌شده در منا**۲/۱- مسجد الکَبْش: النَّخْر**

هنگامی که ابراهیم فرمان یافت اسماعیل را در راه خدا قربانی کند، خداوند پس از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۸ سربلندی او در این آزمایش بزرگ، به جای فرزند دل‌بند او، قوچ یا کبشی را فرو فرستاد. گویند قوچ یاد شده، در این مکان ظاهر و سپس قربانی شد. به همین مناسبت آنجا مسجدی ساختند که به مسجد الکَبْش یا مسجد النَّخْر معروف شد. «۱» ابن جبیر گوید: اثر پاهای کوچکی بر صخره نمایان است که گویند جای پای آن قوچ است. «۲» رفعت پاشا از مورخان و سیاحان عصر دولت عثمانی، این صخره را کنار کوه دیده و ارتفاع آن را ۴ و عرضش را ۲/۵ متر نوشته است. «۳» مکان دقیق آن، میان جمره اولی و جمره وسطی (در شمال شرقی جمره عقبی در دامنه کوه ثبیر) بوده «۴» ولی در جریان احداث پل هوایی جمرات، در دوران سعودی، تخریب شده است.

۲/۲- مسجد الصَّفَائِح

صَفَائِح نام کوهی است در منا که در دامنه آن و جنوب مسجد حَیْف، مسجدی به نام الصَّفَائِح ساخته شده بود. در کنار و دامنه این کوه، غاری به اندازه سر یک انسان بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را در آن قرار می‌دادند تا از آفتاب مصون بمانند. بعدها این غار به علت نزول سوره مرسلات به غار مرسلات معروف شد. به گفته ابن جبیر، مردم سر خود را در داخل این شکاف گذاشته و به آن تَبْرَک می‌جسته‌اند. «۵» رفعت پاشا در عصر عثمانی این مسجد و غار را دیده که در سیصد متری جاده قرار داشته است. «۶» این مسجد در دوران سعودی تخریب شد.

۲/۳- مسجد الکُوْثِر

این مسجد در وسط منا قرار داشته و بعضی گفته‌اند سوره کوثر در آنجا بر پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۹ نازل شده است. به گفته رفعت پاشا، مسجد الکُوْثِر بسیار کوچک و در چهل متری سمت راست جاده اصلی بوده است. نامبرده

در این مسجد کتیبه‌ای به خط مغربی دیده است. «۱» مسجد یاد شده در دوران سعودی، هنگام احداث پل‌های هوایی مسیر منا- عرفات تخریب شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶۰؟؟؟ نقشه تقریبی عرفات- مزدلفه- محسّر- منی

فصل نهم: اماکن تاریخی بین مکه و مدینه

۱- مزار شهدای بدر

منطقه بدر یعنی مکان نخستین رویارویی مسلمانان با مشرکان و نیز مدفن و آرامگاه شهدای این جنگ، در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه واقع است. در گذشته راه مدینه به مکه از این منطقه می‌گذشت و زائران به زیارت شهدای بدر می‌رفتند، ولی اکنون با ساختن بزرگراه مدینه به مکه، این منطقه در کنار و حاشیه واقع شده است. چگونگی نبرد بدر در تمامی کتب و منابع تاریخی مضبوط است. این جنگ در هفدهمین ماه از هجرت، با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و ۳۱۳ تن از یارانش، در کنار چاه‌های بدر صورت گرفت و به پیروزی قاطع مسلمانان منجر شد. «۱» شهدای این نبرد سرنوشت‌ساز، که چهارده نفر بودند، به فاصله کمی از محل درگیری، به خاک سپرده شدند. اکنون مزار آنان با دیوارهایی کوتاه محصور است. گفتنی است چاه‌های بدر در فاصله ۴۰۰ متری این قبرستان قرار داشته است. (تصویر شماره ۳۶)

۲- مسجد عریش

این مسجد در کنار مزار شهدای بدر و در گوشه باغی، مشرف بر قنات چاه‌های بدر، ساخته شده است. عریش به معنای سایه‌بان است. پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از جنگ، در آن سایه‌بان عبادت کرده و در شب نبرد بدر نماز شب خوانده‌اند.

۳- رِبْذَه (زادگاه، تبعیدگاه و آرامگاه ابوذر غفاری)

ربذه در ۵۰ کیلومتری جنوب «النقره»، در شمال شرقی مدینه و در مسیر حج قدیم عراقی‌ها واقع شده و آرامگاه ابوذر غفاری، «۱» یار باوفای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از بهترین و پاک‌ترین صحابه و ارکان اولیه شیعه در آنجا قرار دارد. وی هیچ‌گاه از حمایت امام و مقتدای خود، علی علیه السلام دست برنداشت. او همواره در دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، با شمشیر برنده زبان، از جانشینی و ولایت علی علیه السلام دفاع و حمایت می‌کرد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله سخنان زیادی درباره صداقت و راستگویی و ایمان ابوذر فرموده‌اند؛ از جمله این که: «آسمان بر کسی سایه نیفکنده و زمین کسی را به خود ندیده، که راستگوتر از ابوذر باشد». «ای ابوذر تو اهل بهشتی. تو را به خاطر دوستی اهل بیت من تبعید کردند و تنها خواهی مرد». آن حضرت در جای دیگری فرموده‌اند: «ابوذر تنها زندگی می‌کند و تنها می‌رود و تنها می‌میرد.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶۵ ابوذر در دوران خلافت عثمان، به همراه همسر و دخترش، به ربذه تبعید شد. در بیابان ربذه، ابتدا همسر و پسر او از دنیا رفتند. اندک زمانی بعد نیز ابوذر وفات یافت و این دختر خردسال در بیابان یکه و تنها ماند. او به جنازه پدر می‌نگریست و می‌گریست تا این که چند نفر از شیعیان علی علیه السلام از جمله مالک اشتر و عبدالله بن مسعود در ربذه توقف کرده و جنازه ابوذر را به خاک سپردند. «۱» امروزه به مزار این بزرگوار کمترین اعتنایی نمی‌شود. در ربذه ابو جعفر عبدالله بن حسن بن حسن بن امام حسن علیه السلام نیز مدفون است. «۲»

۴- غدیر خم

غدیر خم، نام منطقه‌ای در نزدیکی جُحفه، حدود ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه است که «شهرک رابغ» در ۲۶ کیلومتری آن قرار دارد. غدیر به معنای برکه است و خم نیز نام آن مکان می‌باشد. وجه نامگذاری آن به غدیر خم، به سبب این بوده که آب در آن زمین چون باتلاق فرو می‌رفته است. در صدر اسلام حاجیان عراق و شام از این نقطه برای بازگشت به کشورهای خود از یکدیگر جدا شده و هر یک مسیر خاص خود را پیش می‌گرفتند. غدیر خم، که مسجدی با همین نام نیز در آن بنا شده، شاهد یکی از وقایع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام بوده است. واقعه غدیر خم و خطبه تاریخی مهمی که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام معرفی امیر مؤمنان علی علیه السلام ایراد کردند، در بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت ثبت شده است. (۳) (تصویر شماره ۱/۳۶)

۵- مسجد غدیر خم

در محلّ واقعه عظیم غدیر خم، مسجدی ساختند که به نام «مسجد غدیر خم» معروف شد. نماز در این مسجد فضیلت بسیار دارد؛ «۱» زیرا مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله، عبارت معروف «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» را در مورد علی علیه السلام بیان کردند. گفتنی است این مسجد در دوران عثمانی، بر اثر سیل خراب شد ولی بخشی از آن همچنان برجا مانده است. (۲) ساختمان آن را تعدادی از ملوک شیعی هند بازسازی کرده‌اند. (۳) (تصویر شماره ۱/۳۶)

۶- زیارتگاه ابواء «۴»

اشاره

ابواء، زیارتگاهی است در ۴۵ کیلومتری راه جُحفه از سمت مدینه و در سمت راست کسی است که از مدینه به مکه می‌رود. آمنه بنت وَهَب، مادر گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله (همسر عبدالله بن عبدالمطلب) و نیز چند تن از بزرگان و سادات در این محل مدفونند. «۵» در سال‌های بعد، تعدادی از بنی‌هاشم و سردمداران قیام عباسیان، در این مکان علیه بنی‌امیه گرد آمدند و هسته اولیه قیام خود را تشکیل دادند. «۶» افراد دیگری که در ابواء مدفون‌اند، عبارت‌اند از:

۱- عبدالرحمان بن حسن بن علی علیه السلام

وی همراه امام حسین علیه السلام به حج مشرف شد و در حال احرام وفات یافته، در این مکان به خاک سپرده شدند. «۱»

۲- موسی بن نُصیر

از مجاهدان بزرگ و فاتح اندلس و سرزمین‌های دیگر (متوفا به سال ۹۷ ه. ق.) بود.

۳- حاج سید میرزا حسن شهید

فرزند سید اسماعیل علوی و شاگرد برجسته شیخ مرتضی انصاری، که در راه بازگشت از حج در سال ۱۳۳۲ ق به شهادت رسید.

بخش دوم: تاریخ و آثار اسلامی مدینه منوره

فصل اول مدینه در بستر تاریخ

موقعیت جغرافیایی مدینه منوره

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، پس از احداث بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر است. مدینه از سطح دریا حدود ۶۲۵ متر ارتفاع دارد. این شهر از دو سو؛ یعنی غرب و شرق، به وسیله «حزه‌ها» (۱) محاصره شده است. این حزه‌ها از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولاً آن‌ها را حزه شرقی و حزه غربی می‌خوانند؛ با این که آن دو حزه یکی هستند. (۲) در غزواتی مانند احد و خندق، که در دوران پیامبر رخ داد، برای دشمن، ورود به مدینه به خاطر وجود این حزه‌ها از دو سمت امکان نداشت و تنها راه ورود، سمت شمال بود. مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۴ جنوب و کوه جماوات در غرب. (۱) در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان و قنّاء. (۲) آب و هوای مدینه در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکه و جدّه پایین تر است؛ به عبارت دیگر، مثلاً در دی‌ماه پایین‌ترین دما ۲ درجه و بالاترین آن ۲۴/۶ درجه است و در تیر ماه پایین‌ترین دما ۱۷/۲ درجه و بالاترین دمای آن ۴۴ درجه می‌باشد. بالاترین میزان بارندگی در دی ماه است که به ۸/۳ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین میزان آن، در آذر ماه و ۲ میلی‌متر است. اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن تنها خرما و بعضی میوه‌جات است و در شمال آن نیز خرما، حبوبات، میوه‌جات و سایر نباتات گیاهی نیز به عمل می‌آید. زمین‌های زراعی در مدینه از آب چاه‌ها مشروب می‌شود.

نگاهی به تاریخ یثرب

اشاره

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح علیه السلام، اختلاف کرده‌اند که آنان را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. بعضی گفته‌اند: هنگامی که مردم، از کشتی نوح علیه السلام که بر کوه جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی مدینه رهسپار گشتند؛ محل فرود این عدّه بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگان پس از طوفان نوح علیه السلام بودند. زبانی که این قوم به آن سخن می‌گفتند، به ۷۲ زبان تقسیم می‌شد که عربی یکی از آن‌ها بود. عمّلیق و طَسَم پسران لُود بن سام بن نوح در میان آنان عرب زبان بودند. (۳) فرزندان «عبیل» در یثرب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یثرب بن عبیل بن عوص تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۵ ابن ازم بن سام بن نوح علیه السلام»، (۱) یثرب نامیده شد. ۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یثرب بن قانیّه بن مهلائیل بن ازم بن عبیل بن عوص بن ازم بن سام بن نوح علیه السلام» دانسته‌اند. (۲) ۳. کسان دیگری اظهار داشته‌اند: نخستین ساکنان مدینه، پس از طوفان، اقوام «صیغَل و فَلَاح» بوده‌اند که در زمین به فسق و فجور می‌پرداختند. خداوند داوود نبی علیه السلام را بر آنان فرستاد و آن حضرت با ایشان جنگید و اسیران زیادی گرفت؛ سپس به قدرت الهی کرم‌هایی برگردن آنان سوار شد که تمامی ایشان را هلاک کرد. (۳) ۴. آخرین گروه می‌گویند: هنگامی که عمالقه در سرزمین‌ها پراکنده شدند، بعضی از آنان در یثرب فرود آمده و ساکن شدند. این قوم، ستم و تجاوز را پیشه خود کردند؛ در حالی که خداوند به آنان وسعت رزق و طول عمر عطا کرده بود؛ به طوری که عُمر هر یک از ایشان به ۴۰۰ سال می‌رسید و شنیده نشده که کسی از آنان در طول این مدّت مرده باشد. حضرت موسی علیه السلام لشکری فرستاد و آنانی که در مدینه و مکه ساکن بودند را به قتل رساند. ورود یهود به یثرب یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. مورخان، تاریخ مهاجرت‌های اولیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده‌اند. در زمان سلطنت داوود نبی علیه السلام، درگیری‌ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمان، یکی از فرزندان او به نام «اشالوم» همراه

گروهی از بنی اسرائیل به خبیر و دیگر سرزمین‌های شبه جزیره العرب از جمله شام رفتند. «۴» بنوید، حاکم بابل، شماری از عراقی‌ها را همراه خود آورده و در این مناطق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۶ (حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسطین بودند. پیش از این نیز یهودیانی همزمان با مهاجرت به فلسطین به این‌جا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسلام در آن ساکن بوده‌اند. «۱» علمای یهود توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تورات رادیده بودند که در آن آمده بود: این پیامبر در مکه مکرمه ظهور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حره واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس آنان در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آن‌جا ساکن شدند. «۲» کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیره العرب از دولت یهود نام برده‌اند. «۳» احتمالاً مهاجرت بعدی یهودیان به این سرزمین و به‌ویژه به یثرب، در سال ۷۰ میلادی و پس از آن صورت گرفته است. این امر، به علت تخریب معابد آنان توسط قیصر «تیتوس» و حملات متعدد قیصرها علیه یهودیان، از سال ۱۳۲ م. بوده که موجب فرار عده بیشتری شد، لذا برخی از آنان به حجاز رفته و عده‌ای نیز وارد یثرب شدند. «۴» در هر حال، قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند: ۱. قبایل بنی قریظه «۵» و بنی نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند که امروز آن را «العوالی» «۶» می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاه‌ها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فرود آمده و ساکن شدند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۷ ۲. قبایل بنی قینقاع؛ «۱» در منطقه «الصاغه» فرود آمدند که خیابان قربان امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال غربی «مدشونیه» «۲» ساخته شد. یهودیان برای خود دژها و قلعه‌هایی ساختند که به آن‌ها اطم گفته می‌شد. آنان این کار را از اعراب عمالقه فرا گرفته بودند. مجموع دژها و حصن‌هایی که برای خود ساختند به ۱۶۰ عدد می‌رسید. اعراب مجاور نیز مثل آنان قلعه‌هایی ساختند که در مجموع به ۷۲ عدد می‌رسید. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند، مهاجران را از ویرانی این حصن‌ها منع کردند و آن‌ها را زینت مدینه منوره دانستند. «۳» ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب به جز قبایل یهود و اعرابی که در یثرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی؛ از جمله یثرب و غسان ساکن شدند. «۴» به سبب خرابی سد مأرب، این مهاجران به علت انتساب به «یغرب ابن قحطان»، «اعراب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان، اعرابی که در حجاز و به‌ویژه مکه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل علیه السلام بودند، «اعراب عدنانی» نامیده شدند. اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، بر خلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، از تمدن و شهرنشینی برخوردار بودند و کار و پیشه اصلی آنان کشاورزی، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستی بود؛ چون یثرب در سراسر شبه جزیره تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۸ امتیازات و ویژگی‌های مورد نظر آنان را داشت، آنجا را برای سکونت مناسب دیدند. از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی قریظه و بنی نضیر پیمان‌هایی بستند. «۱» اوس و خزرج که از فرزندان «حارث بن زید بن سواد بن اسلم بن اسحاق بن قضاعه» بودند، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند. منابع تاریخی مملو از شرح وقایع، جنگ‌ها و ستیزهای این دو طایفه با یکدیگر است که به آن‌ها «ایام العرب» گفته می‌شد. «۲».

درگیری و کشتار میان اوس و خزرج، امری عادی و کاری روز مژه بود، در حالی که هیچ‌کس در این منطقه نبود تا بتواند این دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته «ولهاوزن»: «نزاع و تخاصمی که وجود داشت زندگی را برای توده مردم سخت می‌نمود، تنها یک مرد می‌خواست که بتواند این جامعه متفرق را انتظام بخشد.» «۳». خداوند در این زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را به هدایت و صلح و دوستی رهنمون ساخت و رسول الله صلی الله علیه و آله به عنوان فرمانروای مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. «۴» در این موقعیت ویژه بود که آن حضرت به عنوان عامل وحدت رخ نمود و قبایل مختلف یمانی را با عنوان

«انصار» در پیمان‌های عقبه اول و عقبه دوم متحد ساخت و سرانجام نیز دو جناح متخاصم و نیرومند شبه جزیره؛ یعنی قحطانیان و عدنانیان را پس از قبول دین مبین اسلام، با نام انصار و مهاجر در زیر لوای این دین، به یکدیگر پیوند اتحاد زد. «۵» با مهاجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یثرب، این شهر را مدینه النبی صلی الله علیه و آله نامیدند.

نام‌های مدینه

مدینه منوره در قبل و پس از اسلام، نام‌های فراوانی داشت که کسانی چون «مجدالدین شیرازی»، «ابن زباله»، «سمهودی» و دیگران نام‌های این شهر را ثبت کرده‌اند. شیرازی حدود شصت نام و ابن شبه و ابن زباله، که از قدیمی‌ترین مورخان مدینه هستند، حدود چهل نام «۱» و سمهودی نیز ۹۴ نام برای این شهر ذکر کرده‌اند. برخی از نام‌هایی که برای آن آورده‌اند، عبارت‌اند از: اَرْضُ اللّٰهِ، اَرْضُ الْهَجْرَةِ، الْاِيْمَانِ، الْبَارَةِ، الْبِرَّةِ، الْبَلَدِ، بَيْتُ الرَّسُولِ، الْحَرَمِ، الدَّارِ، دارالابرار، طابَة، طَيِّبَةُ، يَثْرِبُ و ... «۲» برای مدینه نام‌هایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله. «۳»

فضایل مدینه منوره

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه الهی تضرع کردند که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مکه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آنچه میان دو حرّه است، همان گونه که ابراهیم مکه را، حرم قرار داد». «۴» آن حضرت در فضل تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۰ مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه انباشته و جمع شده است؛ همان گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود.» «۱» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنْ مَكَّةَ»؛ «۲» «مدینه از مکه برتر است» همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در مدینه بمیرد، من در روز قیامت برای او شفیع خواهم شد.» «۳» و نیز فرمود: «کسی که پس از انجام حج، قبر من را در مدینه زیارت کند، گویی مرا در حیاتم زیارت کرده است.» «۴» پیامبر صلی الله علیه و آله در حق مدینه دعا بسیار می‌کردند. «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان گونه که مکه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدَّ و صاع (اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد آن را به جُحْفَه منتقل کن.» «۵» در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی وعده داده است؛ از جمله فرموده‌اند: «کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آن که خداوند وی را در آتش جهنم، با سرب گذاخته ذوب می‌کند، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود.» کسی که برای زیارت من به مدینه بیاید بر من واجب است تا در روز قیامت شفیع او شوم و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود. «۶»

مقدمات هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه

در ذی‌حجه سال یازدهم بعثت، پیامبر صلی الله علیه و آله با شش نفر از خزرجیان در منا گفتگو کرد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۱ و اسلام را بر آنان عرضه نمود. این شش تن، پس از آن که اسلام را پذیرفتند، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشتند. لذا در سال بعد؛ یعنی سال دوازدهم بعثت، یازده نفر از انصار با رسول الله صلی الله علیه و آله در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند. دزدی و زنا نکنند. فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمان را پیمان «عقبه اول» خواندند. پیامبر صلی الله علیه و آله مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن به یثرب

فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یثرب مسلمان شدند. در سال بعد؛ یعنی در ذی‌حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اوس و خزرج، که ۲ تن از آنها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و رهبری این شهر را بر عهده گیرد. این پیمان به «عقبه دوم» یا بیعه الحرب و بیعه النساء شهرت یافت. قبایل اوس و خزرج متعهد شدند تا پای جان همانند حفاظت و حمایت از نوامیس خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله حفاظت کنند. پس از بازگشت این عده به یثرب، خانه‌ای در شهر نماند که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد. (۱) پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به علت آزار بیش از حد مشرکان نسبت به یارانش، اجازه دادند که آنان به مدینه یا همان یثرب هجرت کنند ولی خود در مکه ماندند تا فرمان خروج و هجرت از سوی خداوند داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در نخستین شب از ماه ربیع‌الأول سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یثرب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در «دارالندوه» (۲) منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. این شب، از شب‌های بزرگ و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزت، قدرت، ثبات، استواری و تأیید اسلام را رقم زد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۲ پیامبر صلی الله علیه و آله تنها علی علیه السلام را لایق جانشینی خود در مکه و خوابیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص را بپوشد و به جای او در بستر بخوابد. همچنین اماناتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مانده است را به صاحبان آن‌ها بازگرداند و اهل بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد. (۱) به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله، این شب به «لیله المیبت» معروف شد. مشرکان چون به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله هجوم آوردند و علی علیه السلام را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجروح و ساعتی نیز حبس کردند. «علی علیه السلام با شجاعت و ایثار تمام، نه تنها این مسئولیت خطیر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عالی اسلام و حفظ رهبری و تغییر و دگرگونی تاریخی اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ. (۳) ایشان برای رد اماناتی که پیامبر صلی الله علیه و آله به او سپرده بود، سه روز در مکه ماند و پس از انجام کارها (۴) همراه مادرش فاطمه بنت اسد و نیز دختر رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام به سوی مدینه حرکت کرد. (۵) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۳ مسیر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه حضرت رسول صلی الله علیه و آله ابتدا به خانه ابوبکر که حدود ۲۰۰ متری مسجد الحرام، در سمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شهر را ترک و به طرف جنوب مکه یعنی مخالف مسیر مدینه (که در شمال است) به غار «ثور» (۱) رفتند تا دشمن را گمراه و منحرف کنند. تمهید ند تمهید الحمد لله لا کن الله اکبر رل شود که عز و جل الحمد لله فهرس یخ شیعه چی کل الحقوق محفوظه ت؟؟؟ در حالی که دشمن کینه‌توز با سماجت در تعقیب پیامبر بود، ایشان ۴۰۰ کیلومتر راه را طی کردند و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الأول وارد قریه «قبا» شدند. بریده بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به پیشواز میهمانان آمده بودند. (۲) این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستادند و سپس ناامید باز می‌گشتند. (۳) هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «هذا رسول الله، قد جاء، قد جاء!». پیامبر صلی الله علیه و آله در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم یثرب وارد آبادی «قبا» شدند. دختران بنی النجار در این منطقه با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند: طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ ثِيَابِ الْوَدَاعِ وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَى اللَّهُ دَاعِ أَيْهَا الْمَجْعُوثُ فِينَا جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمُطَاعِ جِئْتَ شَرَفْتَ الْمَدِينَةَ مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعِ (۴)

الف - مسجد النبی در گذر تاریخ

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الأول تا روز جمعه شانزدهم همان ماه، در قریه قبا ماند و پس از پایان بنای مسجد و رسیدن امام علی علیه السلام و دخترشان فاطمه علیها السلام، رهسپار مدینه شدند. «۱» آن حضرت در فاصله حدود ۵۰۰ متری مسجد قبا به سمت مدینه، در محل سکونت قبیله «بنی سالم بن عوف»، در مسجد آنان، نماز جمعه را اقامه کردند. آن مسجد بعد از این نماز به «مسجد جمعه» تغییر نام یافت. «۲» این نخستین نماز جمعه‌ای بود که به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه خوانده شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سوی شهر رهسپار شد. در این مسافت کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ‌گویی به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مِأْمُورَةٌ». «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.» «۳»

تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۸ سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابو ایوب انصاری» «۱» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب این مرد الهی شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابو ایوب انصاری بود که به عنوان «مرید» و محل خشکانیدن خرما استفاده می‌شد و از آن دو یتیم از قبیله بنی‌نجار، به نام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت اذ بن عفراء - ۲ معاذ بن عفراء قرار داشتند. «۲» آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که از جان و دل بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبه می‌کردند، به ده دینار خریدند. «۳» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدت هفت ماه یا کمتر، در منزل ابو ایوب ساکن بودند تا این که پس از ساخت محل سکونت دایمی ایشان در کنار مسجد، نقل مکان کردند. «۴» مساحت اولیه مسجد را ۷۰ * ۶۰ ذراع «۵»: ۴۲۰۰ ذراع (برابر با ۱۰۲۱ / ۷۴ متر) و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت خودش با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن پرداختند. این مسجد که ساختن آن تقریباً هفت ماه زمان برد، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود. تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به‌طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواند: لَيْتُنَا قَعَدْنَا وَالنَّبِيُّ يَعْمَلُ لَذَاكَ مِنَّا الْعَمَلُ الْمُضَلَّلُ «۶» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۹ «اگر ما بنشینیم و پیامبر صلی الله علیه و آله کار کند، برای ما امری خطا و ناپسند است.» هنگامی که دیوارها را بالا می‌بردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاداش زحمات اصحاب چنین سرودند: لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ «۱» در این میان، عمار از همه بیشتر کار می‌کرد و اصحاب نیز بر او بار بیشتری می‌دادند. همه صحابه هر کدام یک خشت و تنها عمار دو خشت حمل می‌کرد؛ لذا عمار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، اینان مرا کشتند؛ بر گرده من باری می‌نهند که خود آن را حمل نمی‌کنند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود: ای پسر سمیه، آنان تو را نمی‌کشند، همانا تو را گروهی باغی و ستمکار می‌کشند؛ «إِنَّمَا تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ». «۲» به روایت بخاری، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عمار آنان را به بهشت فرا می‌خواند و ایشان او را به آتش دعوت می‌کنند.» «۳» اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقف نکنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خیر، سایه‌بانی می‌خواهم چون عریش (سایبان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت بیت المقدس مشخص کردند، آنگاه برای مسجد سه در قرار دادند. دری در آخر مسجد؛ دری که به آن «باب الرحمه» و «باب عاتکه» می‌گفتند و دری که بعدها باب جبرئیل علیه السلام نام گرفت. کنار مسجد نیز حجره‌هایی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شد. برای ایشان دری از خانه به مسجد نیز گشودند. «۴» آنگاه تاریخ و

آثار اسلامی، ص: ۱۹۰ هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود. پس از اندک زمانی؛ یعنی قبل از جنگ احد، پیامبر صلی الله علیه و آله به بستن درها، به جز در خانه علی علیه السلام امر فرمودند: «أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ» لذا تمام درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز آن در، مسدود شد. مسجد پیامبر، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدس، خطبه‌های غزا و کوبنده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسان‌ساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بحث و بررسی می‌شد. دومین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، برقراری پیمان «مؤاخاة: برادری» میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود. از جمله رویدادهای مهم دیگر، که مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در آن سال‌ها شاهد بود، «اعلان بسیج عمومی» برای دفاع از اسلام و پاسخ‌گویی به آزار و ایذا و ظلم و ستم وارده از سوی مشرکان بود. خداوند تبارک و تعالی با نزول آیاتی، کار و زار با مشرکان، که پیامبرش را به ترک خانه و کاشانه خود وادار کردند و هر روز بر آزار و اذیت پیروانش می‌افزودند تجویز کرد. در همین مسجد «وفود»، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آن‌ها در گنجایش این مختصر نیست.

آثار تاریخی و مقدس مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

۱- ستون‌های مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

اشاره

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برافراشتند و آن را با شاخه‌های نخل مسقف ساختند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود که امروزه با همان نام‌ها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۱ باقی مانده‌اند و هر یک سابقه‌ای به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام داشته و یادآور حوادث و رخدادهای مهمی بوده و هستند. این ستون‌ها که در داخل روضه‌النبی صلی الله علیه و آله واقع شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱ / ۱- مُخَلَّقَه

«اسطوانة المُخَلَّقَه» یادآور نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محراب نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محل اصلی است «۱» و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خُلوقی است که بر آن می‌سوزاندند تا فضای مسجد را عطر آگین کند.

۱ / ۲- عایشه

نام‌های دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام «اسطوانة العائشه» دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نام‌ها چنین است: وجه تسمیه آن به «عایشه» و «مهاجران» این است که عایشه، در فضل این ستون احادیثی روایت کرده و لذا مهاجران گرداگرد آن می‌نشستند و نماز می‌خواندند. «قرعه» «۲» به آن سبب که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «در مسجد من مکانی است قبل از این ستون که اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، کنار آن نماز نمی‌خواندند، مگر آن که میان خود (برای نماز

خواندن) قرعه می‌زدند». ستون یاد شده درست وسط ستون‌های اصلی دیگر مسجد قرار دارد؛ یعنی میان این ستون تا منبر پیامبر صلی الله علیه و آله دو ستون، تا قبر ایشان نیز دو ستون، تا قبله و محراب کنونی نیز دو ستون و تا صحن اولیه مسجد که تا آن هنگام مسقف نشده بود؛ یعنی به موازات مثدنه بلال نیز دو ستون فاصله دارد. در حقیقت از همه طرف سومین ستون است و کنار آن نیز ستون «توبه» و سپس «سریر» قرار دارد. در مورد نماز خواندن کنار آن، سفارش فراوانی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۲ شده است؛ زیرا از ستون‌های روضه النبی صلی الله علیه و آله است.

۳/۱- توبه: ابی لبابه

از ستون‌های بسیار مهم و با فضیلت مسجد النبی صلی الله علیه و آله ستون توبه است. ابولبابه بن عبد المنذر» یکی از بزرگان اوس، هنگام غزوه «بنی قریظه» (۱) به درخواست یهودیان و با موافقت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مشاور نزد آنان رفت، ابولبابه یهودیان را به جنگ و مقاومت تشویق کرد و برگشت اما بی‌درنگ از این اقدام پشیمان شد و سوگند یاد کرد که هرگز با پیامبر صلی الله علیه و آله روبه‌رو نشود، مگر آن‌که توبه کند و خداوند نیز او را پاک گرداند. ابولبابه یکسره به مسجد النبی صلی الله علیه و آله رفت و خود را به یکی از ستون‌های مسجد بست و به توبه و انابه پرداخت تا شاید خداوند از کردار زشت او بگذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز می‌کرد و دوباره او را به ستون می‌بست. سرانجام سحرگاهان آیاتی مبنی بر پذیرش توبه ابولبابه نازل شد. (۲) پیامبر صلی الله علیه و آله آن شب خندان و شاداب برخاست؛ به مسجد آمد و دستان او را گشود. (۳) از آن روز این ستون به «توبه» یا «ابولبابه» مشهور شد. حضرت رسول نوافل خود را کنار این ستون به جا آورده و گاهی نزد آن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۳ اعتکاف می‌جستند. (۱) روایات وارده حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است. (۲) ستون توبه دومین ستون از حُجره و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و به موازات ستون سریر در شرق و ستون عایشه در غرب واقع است. به عبارت دیگر چهارمین ستون از منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سومین ستون از سمت قبله و جزو ستون‌های روضه النبی صلی الله علیه و آله است. اکنون نام «اسطوانة التوبه» زینت بخش آن است. در غربی خانه رسول الله صلی الله علیه و آله که به داخل مسجد باز می‌شد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده‌اند.

۴/۱- سریر

ابن زبالة و یحیی، در بیان محل شب زنده‌داری پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان سریری (تختی) از چوب خرما داشتند که کنار ستونی گذاشته و به پهلو روی آن می‌خوابیدند و یا اعتکاف می‌کردند. (۳) امروزه ضریح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان این ستون و ستون‌های محرس و وفود قرار دارد و در سمت شرق آن ستون توبه است. نبی گرامی صلی الله علیه و آله روزها نیز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مسلمانان، به آن تکیه می‌داد و نیازمندی‌های آنان را برآورده می‌ساخت. (۴) «اسطوانة السیر» اولین ستون از سمت قبله است.

۵/۱- مَحْرَس: علی بن ابی طالب علیه السلام

این ستون به نام امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام نیز معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسته و برخی نیز گفته‌اند کنار آن می‌ایستاد و به محافظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرداخت (۵) و «مَحْرَس» نیز به معنای مکان نگهداری است. این ستون در میان ستون‌های وفود و سریر واقع و به موازات آن‌ها در دیواره ضریح غربی مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله

تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۴ واقع شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، وارد می‌شدند. امروزه نام «اسطوانة الحرس» بر آن دیده می‌شود.

۶/۱- وفود

این ستون، که پشت ستون محرس از سمت شمال قرار دارد، سومین ستون از سمت قبله است. پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند. قبل از مسقف شدن صحن مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، این ستون، آخرین ستون شبستان از سمت شمال بوده است. رجال و بزرگان صحابه به‌ویژه بنی‌هاشم کنار آن می‌نشستند و به این سبب محل آن را «مجلس قلاده» نیز می‌گفتند. «۱» اکنون بالای آن، نام «اسطوانة الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.

۷/۱- مقام جبرئیل علیه السلام «۲»

کنار این ستون، که به آن «مُرْبَعَةُ الْقَبْرِ» نیز گفته می‌شود، در خانه فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته که به مسجد باز می‌شده است. «۳» مقام جبرئیل علیه السلام به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار دارد ولی اکنون داخل ضریح و منتهی‌الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهل روز صبح‌ها در خانه فاطمه علیها السلام، را می‌زد و می‌فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». به روایتی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز خانه علی علیه السلام را می‌زد و می‌فرمود: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ». «۴»

۸/۱- تهجد

حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خارج شدن مردم از مسجد، شب‌ها به‌ویژه در ماه رمضان، پشت خانه علی علیه السلام کنار ستونی به تهجد و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. «۱» بعدها در این مکان محرابی به نام «تهجد» ساختند. «۲» این ستون کنار مکان اصلی باب جبرئیل علیه السلام پیش از توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله بود که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجد اکنون داخل ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. ستون تهجد هشتمین و آخرین ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است و دیگر ستون‌ها از دوران‌های بعدی است.

۹/۱- حنانه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام قرائت خطبه، ابتدا به درختی در سمت غرب محراب تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر منبر نشستند. گویند در این هنگام از آن درخت صدایی شبیه به ناله بلند شد که گویی در فراغ آن حضرت سر داده بود. لذا از آن روز این درخت را «حنانه» نامیدند. به معنای بانگ بچه شتری که از مادر خود جدا می‌شود. آن حضرت دستی بر درخت کشیدند و آرام شد. «۳» به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حفره‌ای کنده و آن درخت را دفن کردند. بعدها در توسعه مسجد درخت یاد شده به دست ابی بن کعب افتاد و هرگز آن را از خود جدا نکرد. به گفته ابن جبیر، تا قرن ششم این درخت در مسجد بود و مردم آن را مسح و لمس می‌کردند. در مکان این درخت ستونی ساختند و آن را «اسطوانة الحنانه» نامیدند. در اوایل قرن چهاردهم، میرزا حسین فراهانی این نام را بر ستون یاد شده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۶ مشاهده کرده است. ستون حنانه بعدها به «الجزعه» تغییر نام یافت. مکان آن میان محراب النبی صلی الله علیه و آله و ورودی غربی

آن است که دری فلزی دارد. امروزه این ستون وجود ندارد. (تصویر شماره ۳۷-۳۸)

۲- ایوان صَفَه یا منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای مهاجران تهی دست که برای سکونت در مدینه مکانی ندارند، ایوان مُسَقَّفی، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آنجا اقامت گزینند. «۱» این عده شب‌ها را بر همین ایوان به صبح می‌رساندند. کسانی چون سلمان فارسی، عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و ... از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را از ۷۰ تا ۱۰۰ نفر نوشته‌اند. «۲» این افراد در تاریخ به «اهل صُفَه» معروف شدند. ایوان صَفَه را در دوران عثمانی «دَكَّةُ الْأَغْوَات» می‌گفتند که هنوز هم به این نام خوانده می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله از مقابل اهل صَفَه می‌گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود. «۳» خداوند تبارک و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد این فقرا بر آن حضرت نازل کرد. وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ «۴» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۷ زمانی که این آیات نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي أُمَّتِي مَنْ أَمَرْتُ أَنْ أَصْبِرَ نَفْسِي مَعَهُمْ». «سپاس خدای را که در امت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.» «۱» این ایوان، که اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل علیه السلام و باب النساء قرار دارد، ارتفاعی حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر داشته و به شکل مربع مستطیل است. یک سوم قسمت جنوبی آن؛ یعنی به سمت قبله، از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیه آن از افزوده‌های دوران عمر بن عبدالعزیز است. تلاوت قرآن و اقامه نماز بر این ایوان بسیار سفارش شده است. در مقابل این ایوان، ایوان التهجذ و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه علیها السلام قرار دارد. (تصویر شماره ۳۹)

۳- منبر

هنگام بنای مسجد النبی، برای پیامبر صلی الله علیه و آله منبری نساخته بودند؛ چنانکه پیشتر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تته درخت خرمایی که به آن تکیه می‌زدند می‌خواند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند. «۲» در مورد نخستین کسی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشته‌اند: نخستین منبر، از گل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بر پله سوم می‌نشست و پاهای مبارک خود را بر پله دوم می‌گذاشت. خلیفه اول یک پله پایین‌تر و خلیفه دوم یک پله از او پایین‌تر می‌نشستند، لیکن عثمان بن عفان، بر خلاف سلف خود، جای پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی بر پله سوم می‌نشست. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۸ معاویه بعدها شش پله از پایین بر منبر افزود. عثمان نخستین کسی است که بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله پوشش انداخت. بعدها سنگی از مرمر ساختند و منبر را درون آن قرار دادند. نخستین کسی که چنین کرد عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، والی مدینه، در سال ۱۵۰ ق. بود. «۱» در جریان آتش‌سوزی که به سال ۸۸۶ ق. در مسجد النبی صلی الله علیه و آله رخ داد، این منبر کاملاً در آتش سوخت. چندی بعد قطعه‌ای از چوب آن را یافتند و در محل خود قرار دادند؛ بر روی آن نیز منبری از چوب صندل و سپس از آجر و سنگ ساختند که ظاهراً این کار به دستور سلطان اشرف قایتبای، در ۸۸۸ ق. صورت گرفت. منبر یاد شده تا ۹۹۸ ق. موجود بود. در آن سال سلطان مراد عثمانی منبر نفیس و یک پارچه‌ای از سنگ مرمر ساخت و به جای منبر قبلی نهاد. این منبر اکنون نیز موجود

و در سمت راست محراب النبی صلی الله علیه و آله و مقابل محل اذان بلال قرار دارد. «۲» گفتنی است همه ساله خلفا و پادشاهان، برای پوشش منبر پارچه‌ای زیبا و نفیس به مدینه می‌فرستادند و آن را می‌پوشاندند؛ چنانکه خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر را روضه النبی گویند. از آن حضرت نقل شده است که «قوائم منبری رواتب فی الجنه»؛ «پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.» «۳» (تصویر شماره ۴۰)

۴- محرابها

۱/ ۴- محراب النبی صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواند که بعدها به «المخلقه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۹ سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است. در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزین به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آنگاه محراب پیامبر صلی الله علیه و آله را با پارچه‌ای نفیس و از جنس پوشش قبر پوشانیدند. این محراب با همان تزیینات دوران عثمانی همچنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است. «۱» محراب النبی صلی الله علیه و آله اکنون به ستون مُخَلَّقَه متصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. محراب به گونه‌ای قرار داده شده که سجده کننده بر آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله، نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد. «۲» (تصویر شماره ۴۱)

۲/ ۴- محراب التهجید

این محراب در پشت منزل فاطمه علیها السلام؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریفه پیامبر صلی الله علیه و آله و مقابل ایوان صنفه، محل و مکان تهجد و نماز شب رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، دختر معصوم ایشان بوده است. محراب در دوران عثمانی تعبیه شده و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه؛ یعنی مقابل ایوان صنفه، ایوانی به ارتفاع سی سانتی‌متر و عرض حدود شش متر ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازند. (تصویر شماره ۴۲)

۳/ ۴- محراب فاطمه علیها السلام

این محراب، داخل منزل فاطمه علیها السلام؛ یعنی جنوب محراب التهجید قرار داشته که محل اقامه نماز فاطمه علیها السلام بوده است. محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۴/ ۴- محراب عثمانی

محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النبی صلی الله علیه و آله از عصر عثمان بن عفان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۰ افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السّلام

تا باب البقیع امتداد می‌یابد. (۱) اکنون امام جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله در این محراب نماز اقامه می‌کند. بنای آن، از آثار سده نهم هجری است و سلطان اشرف قایتیای آن را ساخته است.

۵/ ۴- محراب سلیمانی: حنفی

این محراب که در خارج روضه النبی صلی الله علیه و آله و سمت غرب منبر قرار دارد، به وسیله طوغان شیخ ساخته شده و سلطان سلیمان بن سلیم عثمانی آن را تجدید بنا کرده است. تا آن دوران، حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شریک نبودند، فقط مالکیان امامت را بر عهده داشتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز به امامت نماز جماعت مسجد راه یافتند. در دوران عثمانی این محراب برای حنفی‌ها ساخته شد و شمع‌هایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمعدان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد. (۲)

۵- روضه النبی صلی الله علیه و آله

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۳) روضه النبی صلی الله علیه و آله یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر صلی الله علیه و آله همه روزه، پنج بار یا بیشتر برای اقامه نماز جماعت و جلوس بر منبر شریف، در این مسیر تردد می‌کردند. از آن حضرت احادیث بسیاری در فضیلت این محل روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. روایاتی که در این مورد از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، مورد استناد و تواتر فریقین است؛ از جمله: «إِنَّ مِثْبَرِي عَلَى تَرْعَةٍ مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ». (۴) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۱ ترعه را به معنای باب و در دانسته‌اند؛ یعنی منبر ایشان بر دری از درهای بهشت قرار دارد. (۱) «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۲) و نیز «مَا بَيْنَ حُجْرَتِي وَ مُصَلَّائِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۳) به نظر می‌رسد روایت «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِثْبَرِي» معقول‌تر باشد؛ زیرا با توجه به این که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مکان دفن خود وصیتی نکرد و ممکن بود آن حضرت را در مکان‌های دیگری دفن کنند؛ منطقی به نظر می‌رسد که منظور آن حضرت از «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مِثْبَرِي»، مکان دفن او در هر نقطه از زمین تا منبر ایشان در مسجد النبی صلی الله علیه و آله باشد که آن را باغی از باغ‌های بهشت بدانند. در معنا و تفسیر «رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» گفته‌اند، مقصود آن است که این قسمت در آخرت به بهشت منتقل شده و همانند دیگر قسمت‌های زمین از بین نمی‌رود و این مزیت و فضل عظیمی برای این مکان است. عبادت در این محل که نسبت به سایر قسمت‌های مسجد فضیلت و برتری دارد، ان شاء الله اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضی گفته‌اند: همان گونه که بر جد پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابراهیم علیه السلام، حجرالأسود از بهشت قرار داده شد تا آن را در کعبه نصب کند، برای رسول الله صلی الله علیه و آله نیز مکان عبادت ایشان باغی از بهشت گردید. در عرض روضه شریف اندکی اختلاف است؛ اما در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زباله طول روضه شریف پیامبر صلی الله علیه و آله را که از منبر آن حضرت تا آخر حجره شریف در شرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است. (۴) بر اساس نظر اهل سنت، عرض تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۲ روضه تنها دو ستون از سمت قبله را در بر می‌گیرد. اما بر اساس نظر شیعه، عرض روضه از آغاز حد قبلی مسجد در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشخص است تا منتهی‌الیه دیوار شمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضریح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شریف شامل هشت ستون از جنوب به شمال می‌گردد که همان حد اولیه مسجد است. با این وصف خانه فاطمه علیها السلام نیز جزو روضه النبی صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد. (تصویر شماره ۴۰)

۶- بیت شریف پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بنای مسجد، ابتدا اتاقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند. این اتاق‌ها در شرق مسجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است. البته پس از چندی، برای صفیه و ام سلمه؛ دو همسر دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله نیز اتاق‌هایی بنا گردید. منابع تاریخی، از بی‌نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند. «۱» هنگامی که ولید بن عبدالملک برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسیاری از مسلمانان به شدت می‌گریستند و می‌گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسی که کلیدهای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند خشت گلی قناعت کرده است! «۲» خانه‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت آن حضرت، همچنان در دست آنان باقی بود و گاهی برای کسی وصیت کرده و یا می‌فروختند تا این که در دوران عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، تخریب و به فضای مسجد افزوده شد. چون پیامبر در محل سکونت عایشه؛ یعنی منتهی‌الیه ضریح و دیوار کنونی حجره به سمت قبله دفن شد. عایشه همچنان در نیمی از منزل ساکن بود که این نیمه نیز در زمان ولید بن عبدالملک، همراه سایر خانه‌های همسران و دختران تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۳ پیامبر صلی الله علیه و آله تخریب و در اطراف مرقد منور دیواری پنج ضلعی بنا شد.

۷- خانه فاطمه علیها السلام

خانه فاطمه و امام علی علیهما السلام پشت خانه عایشه بود. دری به سمت شرق؛ یعنی کوچه و دری به سمت غرب؛ یعنی داخل مسجد و به موازات ستون‌های وفود و حرس داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله باز شده بود که آن حضرت همواره از آن احوال دخترشان را جويا می‌شدند و می‌فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ». و به روایتی دیگر: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۱). پیامبر گرامی اسلام هنگامی که از سفر باز می‌گشتند، ابتدا به خانه دختر بزرگوار خود آمده، آنگاه به منزل خود می‌رفتند. خانه فاطمه علیها السلام اکنون در داخل ضریح، در انتهای دیواره غربی و شمالی حجره قرار گرفته است. سمهودی گوید: میان خانه فاطمه علیها السلام و عایشه دیواری بوده و وسط خانه فاطمه علیها السلام مکانی است که مردم بسیار محترم می‌دارند و از روی آن عبور نمی‌کنند. برخی گفته‌اند که این مکان قبر فاطمه علیها السلام است. سمهودی و برخی دیگر از مورخان سنگ قبری نیز در آن، با عنوان «هذا قبر فاطمة بنت رسول الله» دیده‌اند. دری که اکنون در سمت باب جبرئیل، به عنوان در خانه فاطمه مشهور است، همان دری است که به سوی کوچه باز می‌شده است. خداوند به پیامبرش فرمان داد تا همه درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز در این تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۴ خانه را ببندند؛ «أَمَرَ بِسِدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ» این حدیث را بسیاری از مورخان اهل سنت چون احمد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند. «۱» در همین خانه بود که دو نور چشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ یعنی حسن و حسین علیهما السلام به دنیا آمدند؛ پس از رحلت جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و آله‌ای در همین خانه بر شایستگی‌های علی علیه السلام برای خلافت تأکید و از بیعت با خلیفه خودداری ورزیدند. ابوبکر هنگام مرگ خود آرزو می‌کرد کاش سه کار را نمی‌کردم که یکی از آن‌ها استفاده از زور برای باز کردن در خانه فاطمه علیها السلام بود. «۲» (تصویر شماره ۴۳)

۸- مرقد مطهر و منور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

هنگامی که «رحمة للعالمین» به «رب العالمین» پیوست، علی علیه السلام شیون کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛ «۳» روح بلند پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به حق پیوست و پذیرش آن برای بعضی سخت می‌نمود. کسانی چون علی علیه السلام، عباس و پسران او، فضل و قثم و نیز اسامه بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله حضور یافتند. «۴» پس از انجام غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی علیه السلام گفت: از پیامبر شنیده است که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آن که او را در همان جایی که از دنیا رفته دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت را با کمک چند تن از یاران خود، از بنی‌هاشم، در همان محلی که رحلت کرد؛ یعنی در خانه خود که عایشه در آن می‌زیست تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۵ به خاک سپردند. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شدند. وضعیت دفن آن دو، این گونه بود که ابوبکر را پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و عمر را پشت سر ابوبکر و سر وی را محاذی شانه‌های ابوبکر قرار دادند. در دوران عثمان مردم همواره برای بردن تربت پیامبر صلی الله علیه و آله به کنار قبور می‌آمدند؛ لذا عایشه دیواری میان قبور و محل سکونت خود کشید. در این دیوار شکافی بود که مردم از آن نیز تربت می‌گرفتند و عایشه این شکاف را نیز بست. «۱» (تصویر شماره ۴۴) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۶ عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه، این دیوار را تخریب کرد و از اساس، دیوار دیگری ساخت و تمامی اتاق‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به مسجد افزود. همچنین دیواری پنج ضلعی بر گرد سه قبر کشید و آن را مسقف و اصلاح و تعمیر کرد. بعضی نیز گفته‌اند: پوشانیدن قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از چشم مردم، در زمان معاویه بود و آن هنگامی بود که امام حسن علیه السلام از دنیا رفت؛ بر اساس وصیت نواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ لذا ناگزیر امام حسین علیه السلام، جنازه برادر را در بقیع به خاک سپرد؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت. «۱» از ابن جوزی نقل شده که روزی قحطی شدیدی در مدینه به وجود آمد و مردم نزد عایشه همسر پیامبر آمدند. وی گفت: به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بنگرید. آنان نیز دریچه‌ای از سقف قبر آن حضرت به آسمان باز کردند؛ به طوری که میان قبر و آسمان هیچ سقف و پوششی نبود. در این حال، رحمت الهی از آسمان نازل شد؛ گیاهان رویدند و شتران سیراب شدند. بعدها باز کردن این دریچه جزو سنت‌های مردم مدینه شد که تا حیات سمهودی (قرن نهم) نیز ادامه داشت. «۲» پس از مدتی دیوار نا منظمی بر مقبره آن حضرت و دو خلیفه کشیده شد؛ به گونه‌ای که میان چهار دیواری خانه و مقبره و دیوار جدید، از سمت مشرق سه ذراع و از مغرب دو ذراع (یک متر) و در جهت قبله نیز کمتر از یک ذراع (۴۹ سانتی متر) فاصله داشت. در دوران متوکل (۲۳۲ ق.) و المتقی (۵۴۸ ق.) دیوار حجره شریف با سنگ مرمر پوشانیده شد و در دوران سلطان اشرف قایتبای مجدداً تعمیر و مرمت گردید و بالای سر پیامبر صلی الله علیه و آله صندوقی قرار دادند که ردای ایشان و دو قرآن به خط کوفی در آن نگهداری می‌شد. یکی از آن‌ها قرآن خلیفه سوم بود که خون وی بر آن ریخته و دیگری نیز به خط حضرت علی علیه السلام بود که هر دو در آتش سوزی مسجد سوخت. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۷ عمر بن عبدالعزیز در تعمیرات مسجد و مقبره، هر دو جدار را به صورت مخمس (پنج ضلعی) درآورد. (تصویر شماره ۴۴/۳)

ابی‌الهیجا، وزیر مملوکی مصر، در ۵۶۶ ق. پوششی از دیبای سفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شریف قرار داد که در دوران‌های بعد نیز پرده‌های بسیار زیبا و نفیسی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال شد. «۱» اکنون نیز پرده داخلی کعبه، که به رنگ سبز است، پس از تعویض بر روی مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله پوشانیده می‌شود.

۲ / ۸ - فنادیل داخل

در داخل حجره شریف، برای زینت و روشنایی چهل قندیل از نقره و بلور بر سقف نصب شده بود. تا دوران عثمانی، سلاطین و ملوک، قنادیل بسیار با ارزش و زیبایی را هدیه و ارسال می‌کرده‌اند «۲» که تمامی این اشیا در ابتدای دوران سعودی به بهانه بدعت و شرک برداشته شده است. «۳»

۹ - قبر فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

در تاریخ وفات و جای دفن حضرت فاطمه علیها السلام نظریات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضرت را سه یا شش ماه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته‌اند، «۴» اما تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۸ نظریه مشهور نزد شیعه، ۷۵ یا ۹۵ روز است. «۱» صدیقه کبری علیها السلام، در آخرین لحظات حیات، به همسرش، علی علیه السلام وصیت کرد که او خود شستشو و غسلش دهد و کسی جز او و اسماء بنت عمیس، کفن و دفنش نکنند و آنان شب‌هنگام و به‌طور مخفیانه به خاکش سپردند و تا ابد قبرش را بر ارادتمندان و مشتاقانش پنهان ساختند. بر اساس منابع تاریخی و روایات مأثور، محل دفن آن معصوم، بنا به احتمال، در یکی از سه نقطه زیر است. ۱. طبق روایتی از ابن شَبّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه علیها السلام در قبرستان بقیع و در گوشه خانه «عقیل بن ابی طالب» است. «۲» این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان‌جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است. بر اساس این روایت، در مدخل خروجی، کوچه‌ای میان خانه عقیل و خانه نبیه بن وهب قرار داشته که میان قبر و قنات کنار آن، ۲۳ ذراع (یازده متر) فاصله بوده است. ابن شَبّه همچنین از عبیدالله بن علی روایت کرده که حسن بن علی علیه السلام وصیت کرد که مرا کنار قبر مادرم در بقیع دفن کنید، پس او را در مقبره‌ای کنار قبر مادرش؛ در مقابل پنجره خانه نبیه بن وهب به خاک سپردند. در این مقبره دو قبر با سنگ نبشته‌ای وجود داشت: قبر حسن بن علی علیه السلام و قبر عایشه همسر پیامبر. «۳» سمهودی نقل کرده که امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ ق. وفات یافت و در بقیع کنار پدر و جدش مدفون شد؛ بر قبور آنان سنگ نبشته مرمری با این عبارت دیده می‌شد: «هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ قَبْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». «۴» علی بن موسی از مورخان عصر عثمانی نیز گوید: فاطمه علیها السلام در کنار ائمه شیعه مدفون شده است. «۵» بر این اساس، که البته اجماع نظر اهل سنت بر آن است، قبری که در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۹ پایین قبور ائمه شیعه است، متعلق به فاطمه علیها السلام می‌باشد نه فاطمه بنت اسد، مادر امام علی علیه السلام، آنگونه که شیعیان می‌پندارند. ۲. برخی از مورخان گفته‌اند قبر فاطمه علیها السلام در خانه ایشان قرار دارد. ابن شَبّه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سمهودی گوید: فاطمه علیها السلام از علی علیه السلام در لحظات احتضار خواستند تا فرش خانه را برداشته و محلّی را برای دفن ایشان آماده سازد. «۱» شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فاطمه علیها السلام در داخل خانه خود، که در توسعه عمر بن عبدالعزیز جزو مسجد شد، دفن گردیده‌اند. «۲» ابن شَبّه همچنین از ابو غسیان روایت می‌کند که فاطمه علیها السلام در خانه خود دفن شده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پدر ایشان قرار گرفت، ساختند؛ چون او را در شب به خاک سپردند، بسیاری از مردم خبر نیافتند. «۳» سمهودی گوید: هنگامی که پایه‌های گنبد مقبره

پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته می‌شد، در سمت شرق آن؛ یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافتند. خبر آن میان مردم سر و صدایی ایجاد کرد. «۴» علاوه بر آن، روایات ابن شهر آشوب در «المناقب» و کلینی در «کافی» حاکی است که فاطمه علیها السلام در منزل خود، که امروزه داخل مقصوره و ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته، مدفون گردیده است. «۵» ۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهر آشوب از محدثان و مفسران شیعه نیز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۰ نقل کرده‌اند که قبر فاطمه علیها السلام در محل روضه‌النبی صلی الله علیه و آله؛ یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد «۱» که این نظریه نیز مؤید نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه؛ چنانکه گفتیم، منزل حضرت فاطمه علیها السلام جزو روضه‌النبی صلی الله علیه و آله محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوق، طوسی، مجلسی، ابن شهر آشوب و ... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است؛ زیرا بعید است با توجه به فاصله میان خانه فاطمه علیها السلام و بقیع و این که ایشان وصیت کرده بودند تا هیچ کس از محل دفن و مراسم تشییع او با خبر نشود، علی علیه السلام ایشان را از این مسافت عبور داده و در بقیع به خاک سپرده باشد. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر و پشت ایوان التهجذ قرار دارد. واللّه اعلم بالصواب.

۱۰- مکان الجنائز (محل نماز بر مردگان)

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برای اقامه نماز میت، مکانی در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله اختصاص یافته بود که آن حضرت ابتدا در آنجا بر مردگان نماز می‌گزارند و سپس بازماندگان اموات او را به سوی بقیع می‌بردند. در آن زمان دو نخل خرما در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وجود داشت که میت را میان آن‌ها گذاشته و نماز می‌خواندند. عمر بن عبدالعزیز، آن دو نخل را قطع کرد. از عبدالله بن عمر نقل شده است که در این مکان بر خلیفه دوم نماز گزارده شد و وی قبل از خود در این محل بر ابوبکر نماز گزارده بود. بعضی گویند این مکان نزدیک منبر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این سنت همچنان تا به امروز ادامه دارد و در سمت چپ (شرق) مقبره آن حضرت؛ یعنی در نزدیکی مدخل باب البقیع، بر مردگان نماز اقامه می‌گردد و سپس متوفی را به سوی بقیع تشییع می‌کنند.

۱۱- مقام و مهبط جبرئیل امین علیه السلام

در باره محلّ مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند مقام جبرئیل علیه السلام؛ آنجایی که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان» (باب جبرئیل علیه السلام) است؛ «۱» در گذشته، در مدخل خروجی این باب، به اندازه ۱/۵۰ متر در سمت راست، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر قرار داده بودند که نشانه مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام بوده است. در حقیقت امروز مکان مهبط جبرئیل امین علیه السلام در داخل ضریح و چند متر بالاتر از دیواره شمال شرقی حجره مطهره قرار گرفته است؛ زیرا در قبل از توسعه، باب جبرئیل ۳ متر بالاتر و کمی جلوتر از باب جبرئیل کنونی بوده است. «۲»

۱۲- محل اذان بلال

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال حبشی فرمود برای اعلام وقت نماز، اذان سر دهد، وی بر دیوار جنوب غربی مسجد و به روایتی قبل از تغییر قبله، بر ستونی در خانه عبدالله بن عمر در جنوب مسجد (دار العشره) اذان گفت. پس از تغییر قبله و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به توسعه مسجد پرداختند؛ یعنی بعد از غزوه خیبر، این محل داخل مسجد قرار گرفت و در حقیقت محل اذان جدید مقداری پایین تر و نزدیک صحن مسجد، در انتهای دیواره شمال غربی گردید. بعدها به یاد بلال حبشی، یار فداکار رسول الله صلی الله علیه و آله مئذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنج‌گانه بر آن اذان سر می‌دهند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۲؟؟؟ موقعیت ستونهای مهم مسجد النبی صلی الله علیه و آله و روضه النبی صلی الله علیه و آله

۱۳- درهای مسجد

از هنگام بنای مسجد النبی صلی الله علیه و آله تا کنون، تعداد درهای آن در تغییر و تحول بوده و گاهی افزایش و یا کاهش داشته است. این مسجد در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله تنها سه در داشته و در دوران‌های بعد؛ به‌ویژه دوران اموی، تعداد آن‌ها به ۲۰ عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شد و تنها پنج در به‌جا ماند. در ابتدای دوران حکومت سعودی، شش در دیگر به مجموع آن افزوده شد و در توسعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۳/۱-۱۳- عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱. «باب جبرئیل علیه السلام» در میانه دیوار شرقی. ۲. «باب الرحمه» در شمال دیوار غربی. ۳. «باب عاتکه» در میان دیوار جنوبی. «۱» باب جبرئیل علیه السلام: این در، از مهمترین درهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله است که به نام‌های «باب الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجه نامگذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و به آن حضرت گفت: آیا سلاح خود را افکنده‌اید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: بلی. وی گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکندن سلاح امر نکرده‌ایم، باید به سوی بنی‌قریظه حرکت کنی؛ آنگاه افزود: من به سوی آنان رفته و در خانه‌هایشان زلزله می‌افکنم. پس رسول الله صلی الله علیه و آله به بلال فرمان داد که اذان سر دهد و آنگاه خطاب به مسلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می‌کند، نباید نماز عصر را جز در سرزمین بنی‌قریظه بخواند». صحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کردند. این باب را به این سبب «باب الجنائز» گفته‌اند که مکان نماز بر مردگان (مکان جنائز) در مجاورت آن قرار دارد و همچنین پس از اقامه نماز بر میت، تشییع کنندگان مجبور بودند وی را از این باب به سوی «قبرستان بقیع» ببرند و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌اند. این در به «باب عثمان» نیز معروف بود؛ زیرا رو به روی خانه عثمان بن عفان قرار داشت. باب جبرئیل علیه السلام اکنون در جای پیشین و اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیبر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی‌الیه دیوار شرقی خانه فاطمه علیها السلام و حجره و ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۲» در توسعه عثمان بن عفان از این مکان نیز حدود سه متر همراه با دیوار شرقی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۴ عقب‌تر رفت و لذا محل اولی آن، داخل مسجد قرار گرفت. «۱» در توسعه عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ ق.) برای سهولت ورود و خروج زائران یا برای امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، بسته شد و در دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین‌تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این در پابرجا و به «باب جبرئیل» مشهور است. در مکان پیشین این در، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. «۲» این کار به

این دلیل انجام شد که مکان اصلی باب جبرئیل علیه السلام در دوره عثمان مشخص باشد. از آنجا که اکنون دیواری میان دو در کنونی بقیع و جبرئیل روبه‌روی آن پنجره کشیده و اتاقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دید قرار ندارد. البته نشانه دیگری نیز برای مکان پیشین آن در دوره عثمان وجود دارد و آن این است که بالای آیه یاد شده، دایره‌ای مکتوب به نام «عزرائیل علیه السلام» به خط زیبا و در زمینه سبز دیده می‌شود و این دقیقاً نشانه مکان باب جبرئیل علیه السلام در دوره عثمان است. پنجره‌های دیگری که گفته شد، از شمال این پنجره، نام «اسرافیل علیه السلام» و در جنوب نام «میکائیل علیه السلام» بالای آن دیده می‌شود. نام «عزرائیل علیه السلام» که نشانه مکان اصلی باب جبرئیل در دوره عثمان می‌باشد، میان این دو پنجره قرار گرفته است، که البته از بیرون دیوار یاد شده دیده نمی‌شود. ۱۳/۲- دوران عمر بن خطاب در سمت شرق و غرب، دو در به درهای مسجدالنبی صلی الله علیه و آله افزود. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۵ «باب النساء» را بعد از باب جبرئیل علیه السلام و «باب السلام» را بعد از باب الرّحمة قرار داد و مکان باب عاتکه و باب جبرئیل علیه السلام را تغییر نداد. باب النساء به «باب ریّطه» دختر سفاح عباسی مشهور بود؛ زیرا رو به روی خانه وی قرار داشت. نام دیگر آن باب ابی بکر بوده؛ زیرا خانه ریّطه همان خانه ابوبکر بوده است. «۱» باب النساء کنونی مقداری عقب‌تر از مکان اصلی آن است و جای نخست آن به پشت ایوان صفّه متصل بوده است. زنان اغلب از این در داخل مسجد شده و اکنون نیز ساعاتی از روز برای ورود آنان اختصاص یافته است. شایان یادآوری است در دوران عثمان به درهای مسجد افزوده نشد. ۱۳/۳- دوران عمر بن عبدالعزیز عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه، در دوران ولید بن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقدام به توسعه و ترمیم مسجدالنبی صلی الله علیه و آله کرد. در این زمان تعداد درهای مسجد به ۲۰ رسید، که در سمت شرق ۹ در و در غرب ۷ در و در سمت شمال ۴ در بود. «۲» ۱۳/۴- دوران عثمانی در دوران عثمانی، غیر از پنج در اصلی، دیگر درها بسته شد. آن‌ها عبارت بودند از: در غرب؛ باب السلام و باب الرّحمة. در شرق؛ باب النساء و باب جبرئیل علیه السلام. در شمال؛ باب التوسّل یا باب المجیدی. «۳» ۱۳/۵- دوران سعودی در سال‌های آغازین حکومت سعودی، تعداد درهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ در پیشین ۶ در افزوده شد؛ در شرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و کنار مناره گنبد سبز است. در شرق ابواب صدیق (سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سعود. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۶ در توسعه دوم؛ یعنی دوران فهد بن عبدالعزیز، ۴۲ در به درهای مسجد و ورودی افزوده شد. اکنون درهای مسجدالنبی صلی الله علیه و آله به این شرح است: الف- درهای شرقی (محدوده اصلی مسجد): ۱. باب جبرئیل ۲. باب النساء ۳. باب البقیع ب- درهای شرقی (محدوده جدید): ۴-۸. باب ملک عبدالعزیز (با ۵ ورودی) ۹. باب ابوذر ۱۰-۱۴. باب علی علیه السلام (با ۵ ورودی ویژه زنان) ج- درهای غربی (محدوده اصلی مسجد): ۱۵. باب السلام ۱۶. باب الرّحمة ۱۷-۱۹. ابواب صدیق (سه ورودی) د- درهای غربی (محدوده جدید): ۲۰. باب سعود ۲۱. باب عقیق ۲۲. باب سلطان عبدالحمید ه- درهای شمالی (محدوده جدید): ۲۳-۲۷. باب عمر بن خطاب (با ۵ ورودی ویژه زنان) ۲۸. باب بدر ۲۹-۳۲. باب ملک فهد (با ۵ ورودی) ۳۴. باب احد ۲۹-۳۵. باب عثمان (با ۵ ورودی ویژه زنان) ۴۰. باب عثمان ۴۱. باب مجیدی ۴۲. باب عمر.

۱۴- مندره‌ها (مناره‌ها)

در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، بلال حبشی بر ستونی که داخل خانه عبدالله بن عمر بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالمطلب، که وی را «کلاب» می‌گفتند، نخستین مناره را برای مسجد ساخت. عمر بن عبدالعزیز نیز چهار مناره در چهار گوشه مسجد بنا کرد که سلیمان بن عبدالملک پس از وی یکی از آن‌ها را تخریب نمود. ابن زباله طول

مناره‌ها را اینگونه شرح داده و نوشته است: مناره شرقی و غربی ۵۵ ذراع (۲۵ متر). مناره غربی ۵۳ ذراع (۲۴ متر). همچنین تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۷ عرض و پهنای مناره‌ها ۸*۸ ذراع؛ یعنی سه متر بوده است. «۱» این مناره‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آنها به پنج رسید که اکنون دو مناره از آن زمان موجود است: ۱- مناره باب البقیع (اصلی)، در ضلع شرقی دیوار مسجد، که از آثار سلطان اشرف قایتبای (۸۸۶ ق.) است. این مناره با شصت متر ارتفاع در کنار قبه الخضر (گنبد سبز) قرار دارد. ۲- مناره باب السلام، در ضلع غربی دیوار مسجد در مجاورت باب السلام واقع است. این مناره توسط عمر بن عبدالعزیز بنا و در سال (۷۰۶ ق.) بازسازی شد. ۳- مناره شکیبیه، در ضلع شمال شرقی، و هفتاد متر ارتفاع داشت. ۴- مناره سلیمانیه، در ضلع شمال غربی بنا گردید و آن نیز هفتاد متر ارتفاع داشت. در دوران سعودی، ۷ مناره جدید به این صورت ساخته شد: این تمهید ند کن الله اکبر رل شود؟؟؟ ۲ مناره در میانه دیوار شمالی، ۲ مناره در ضلع شمال شرقی و غربی، ۲ مناره در جنوب غربی و ۲ مناره در شمال صحن دوم. به این ترتیب، اکنون ۹ مناره بر فراز مسجد النبی صلی الله علیه و آله است که دو مناره آن به دوره عثمانی در گوشه جنوب غربی و شرقی (حد اولیه مسجد) تعلق دارد.

۱۵- قبه الخضر

پایه گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبد الحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ترمیم و به نحو اساسی تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزین گردید، این گنبد به «قبه الخضر» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به طور بسیار زیبایی تزیین و کاشی کاری و خطاطی شده است. قبه الخضر از دوران عثمانی همچنان باقی مانده است. از آنجا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۸ و هابیت حرام است، لذا در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهری، اعتنای چندانی به آن نمی‌شود. البته روشن است که این باور در نزد مسلمانان؛ شیعی و سنی، پذیرفته نیست.

۱۶- گنبد زرقاء «۱»

قبه یا گنبد زرقاء را احمد بن برهان، در سال ۶۷۸ ق. روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخت. در دوران ملک ناصر قلاوون (۷۶۵ ق.) تجدید و بازسازی شد و تمام آن، در دوّمین آتش سوزی مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در آتش سوخت که بار دیگر گنبدی به همان رنگ به جای آن نصب و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد. «۲» اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضرا قرار دارد. (تصویر شماره ۴۵)

آتش سوزی‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله

الف- نخستین آتش سوزی

مسجد النبی صلی الله علیه و آله در شب دوم رمضان سال ۶۵۴ ق. در دوران المستعصم بالله عباسی دچار آتش سوزی شد. علت آن بی‌احتیاطی یکی از خادمان مسجد بود که برای روشن کردن قنادیل با آتش وارد گردید و آتش به لوازمی که در مسجد بود

سرایت کرد و سوخت و به سرعت به سقف رسید؛ مردم مدینه برای خاموش کردن آن با شتاب خود را به مسجد رساندند، لیکن موفق نشدند. در این آتش سوزی، منبر پیامبر صلی الله علیه و آله، درها، خزاین، ضریح، صندوقها و قفسه‌های کتابها، پوشش مرقد، سقف، قنادیل و ... سوخت؛ پس از این واقعه، بلافاصله از سوی حکمرانان مصر و یمن برای ترمیم و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۹ بازسازی آن گام‌هایی برداشته شد. «۱» سلطان اشرف قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملاً بازسازی و ترمیم کردند.

ب- دومین آتش سوزی

در روز سیزدهم رمضان ۸۸۶ ق. مسجد النبی صلی الله علیه و آله باز دچار آتش سوزی شد که این بار علت آن رعد و برق بود. در این حادثه تمامی مسجد دچار حریق شد؛ مناره اصلی نیز فرو ریخت و حتی گروهی کشته و یا زخمی شدند. سلطان اشرف قایتبای باز به امر بازسازی مسجد همت گماشت. مناره اصلی از نو برپا شد؛ دیوارها، ستون‌ها و سقف‌ها دوباره ساخته شدند. گنبدی نیز بر فراز محراب عثمانی استوار و به وسیله سه گنبد دیگر در اطراف آن، که «مجارید» نامیده می‌شد مستحکم‌تر گردید. همچنین در ورودی باب السلام دو گنبد به پا شد و حتی محدوده اطراف مسجد را با تأسیس مدارس، کاروانسراها و ... رونق بخشیدند. این تعمیرات دو سال زمان برد. سلطان قایتبای در سال ۸۸۹ ق. خود برای بازدید و زیارت، به مدینه آمد. گفتنی است که ده سال بعد، باز بر اثر رعد و برق، در مناره اصلی آتش سوزی رخ داد و آن مناره فرو ریخت که قایتبای آن را ترمیم کرد. «۲»

سیر تاریخی توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله از آغاز تا کنون

۱- دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (۷ ق.)

همان‌گونه که در مبحث ساخت مسجد النبی صلی الله علیه و آله گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذراع؛ یعنی برابر با ۳۵*۳۰ متر «۳» بود که مساحت آن به ۴۲۰۰ ذراع برابر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۰ ۱۰۲۰ مترمربع می‌رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجرت؛ یعنی پس از بازگشت از غزوه خیبر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند و آن را به صورت مربع درآوردند؛ یعنی طول و عرض آن را به ۱۰۰ ذراع «۱» برابر با ۴۹ متر رسانیدند که مساحت آن ۱۰/۰۰۰ ذراع برابر با ۲۴۵۰ مترمربع گردید. افزوده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوران، ۱۴۱۰ مترمربع بوده است.

۲- خلیفه دوم (۱۷ ق.)

عمر بن خطاب دو ستون از سمت غرب و چند ستون از سمت شمال بر مسجد افزود. وی طول مسجد را به ۱۴۰ ذراع و عرض آن را به ۱۲۰ ذراع؛ یعنی برابر با ۵۹*۶۹ متر مربع رسانید که مجموع مساحت آن ۱۶۸۰۰ ذراع برابر با ۴۰۸۸ مترمربع گردید. افزوده‌های او به ۱۶۵۴ مترمربع می‌رسید. وی صحنی بدون سقف برای مسجد قرار داد. برای این توسعه، خانه‌های اطراف و به‌ویژه برخی از خانه‌های همسران حضرت رسول صلی الله علیه و آله را خرید و همه را خراب کرد. «۲» عمر بن خطاب در این توسعه سه در بر

درهای مسجدالنبی صلی الله علیه و آله افزود.

۳- خلیفه سوم (۲۹ ق.)

عثمان بن عفان یک ستون از سمت غرب و چندین ستون در سمت قبله، به مسجد افزود و در آنجا محرابی نیز ساخت که به نام او مشهور گردید. افزوده‌های او تنها از آخر روضه، از سمت مقبره تا دیوار جنوبی کنونی؛ یعنی از رو به روی حجره و مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله در شرق تا مکان اولیه باب السلام در غرب است. وی در سمت شمال نیز مقدار کمی بر صحن مسجد اضافه کرد. بنای توسعه او ۵۰۰ مترمربع بود که مساحت مسجد را به ۴۶۰۰ مترمربع می‌رساند. در این زمان، دیوارهای مسجد با سنگ تزئین و ستون‌ها نیز با تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۱ سنگ‌های منقوش پوشانیده شد. او نخستین کسی است که مسجد را تزئین کرد. «۱» مردم و صحابه می‌گفتند: خلیفه مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله را توسعه می‌دهد ولی سنت‌های او را به فراموشی می‌سپارد! «۲»

۴- عمر بن عبدالعزیز (۸۸ ق.)

عمر بن عبدالعزیز، تعمیرات و توسعه‌های عمده‌ای در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله انجام داد. وی بقایای خانه‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و خانه فاطمه علیها السلام و سایر خانه‌های چسبیده به مسجد را خرید و بر مسجد افزود. آنگاه حجره و مقبره آن حضرت را محصور ساخت و دیواری مُحَمَّس (پنج ضلعی) گرد آن کشید. بیشتر افزوده‌های او در غرب بود ولی در شرق نیز شش ستون و در شمال چهارده ستون افزود و دیوارهای مسجد را نیز کاشی کاری کرد. مجموع افزوده‌های او ۲۳۷۰ متر مربع بود که مساحت مسجد را به ۶۹۵۰ مترمربع رسانید.

۵- مهدی عباسی (۱۶۰ ق.)

پس از دوران عبدالملک بن مروان، کسی جز مهدی عباسی به مساحت مسجد نیفزود. وی در سال ۱۶۰ ق. به والی خود در مدینه فرمان داد تا به توسعه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله پردازد. او نیز ۱۰۰ ذراع به شمال مسجد افزود و در جهت‌های دیگر چیزی اضافه نکرد. در مجموع، ده ستون در صحن مسجد و پنج سقف برای زنان در شمال آن قرار داد. افزوده‌های او ۲۴۵۰ مترمربع بود و مساحت مسجد را به ۹۴۰۰ مترمربع رسانید.

۶- ملک اشرف قایتبای (۸۴۵-۹۰۰ ق.)

ملک اشرف قایتبای از کسانی بود که برای ترمیم و توسعه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تلاش زیادی کرد. وی افزون بر دو نوبت بازسازی پس از آتش‌سوزی، محدوده وسیعی به حجره شریف پیامبر صلی الله علیه و آله افزود و پیرامون آن را با نرده و یا شبکه محصور کرد. او همچنین تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۲ با قرار دادن پایه‌های ستون‌ها در داخل حجره، گنبدی را بر مقبره مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله بنا کرد که بعدها سلطان محمود عثمانی گنبد خضراء را بر آن نهاد. توسعه مسجد در این دوران، از سمت

شرق حدود ۱۲۰ مترمربع بوده است؛ «۱» لذا مساحت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را به ۹۵۲۰ مترمربع رسانید.

۷- عثمانی (۸۸۸-۱۲۸۰ ق.)

در دوران سلطان سلیم اول، سلیمان و سلیم دوم، از پادشاهان معروف عثمانی تعمیرات و توسعه‌های مختصری؛ از جمله ترمیم گنبدها، مناره‌ها، درهای ورودی، ستون‌های مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، محراب‌ها و ... انجام گرفت ولی تعمیرات عمده و توسعه مسجد، در زمان سلطان عبدالمجید عثمانی بود. او از شمال محدوده‌ای مسقف بر مسجد افزود که از مناره مجیدیه تا مناره سلیمانیه امتداد می‌یافت. در این محدوده، مدارس قرآن کریم ایجاد کرد و برای روشن ساختن قندیل‌ها مخازن روغن قرار داد که در توسعه سعودی، تمام این آثار خراب شد. باب جبرئیل علیه السلام را قدری پایین‌تر باز کرد. وی این توسعه‌ها را از ۱۲۶۵ ق. آغاز و سرانجام با نوشتن خطوط دیوارها و کاشی‌کاری‌ها و نماسازی‌های دیگر، آن را در سال ۱۲۸۰ ق. به پایان رسانید. «۲» مقدار افزوده شده به مسجد در این دوران، ۱۲۹۳ مترمربع بود که مساحت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را به حدود ۱۰۹۴۰ مترمربع می‌رسانید. «۳» (تصویر شماره ۴۶)

۸- سعودی (۱۲۷۲-۱۴۱۶ ق.)

عمده‌ترین توسعه‌های مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن را به ده‌ها برابر افزایش داد. در جریان این توسعه‌ها، که عمدتاً از زمان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۳ ملک عبدالعزیز (۱۳۴۸ ق.) آغاز و در ۱۳۷۹ ش. با دو مرحله توسعه پایان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه اطهار علیهم السلام تخریب و در طرح توسعه قرار گرفت. توسعه‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از شوال سال ۱۳۷۰ ق. آغاز شد. در این توسعه، که حدود دو سال به طول انجامید، مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۶۲۵۰ متر آن از دوران عثمانی‌ها بود. در مجموع ۱۶۳۵۰ مترمربع توسعه یافت که مساحت مسجد به ۲۳۵۷۰ متر رسید. مبلغ ۳۰ میلیون ریال سعودی برای خرید خانه‌ها و مغازه‌ها و هموار ساختن زمین هزینه شد. در این توسعه، دو صحن و دو مناره اضافه شد و ۷ خیابان نیز به همراه سه میدان در اطراف مسجد ساختند. در سال ۱۳۷۵ ش. از توسعه جدید بهره‌برداری گردید و ۶۰۲۵ مترمربع به مساحت مسجد افزوده شد. دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۳۵۰۰۰ مترمربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۵۵۰ مترمربع دیگر مسقف گردید. در توسعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزیز انجام شد، حدود ۴۳۰۰۰ مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگترین توسعه در دوران فهد بن عبدالعزیز در دو مرحله انجام شد. در این توسعه که از ۱۴۰۶ ق. آغاز شد. کلیه بازارها، مغازه‌ها و خانه‌های تاریخی اطراف مسجد تا شعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع و به مبلغ ۷۰۰ میلیون ریال خریداری شد و همه آن‌ها تخریب و بر مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و اطراف آن افزوده شد. مجموع آثار تخریب شده در اطراف مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تا این زمان، که نگارنده آن‌ها را شناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی است. اگرچه جمعیت روز افزون زائران این مسجد، حکام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است اما آنان می‌توانستند برای حفظ آن آثار مهم، که هویت تاریخی مسلمانان جهان است، لاقلاً نام آن‌ها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگ‌گرفش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستانشناسی عربستان، همه روزه در مناطق شمالی و جنوبی این کشور در صدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام‌اند، که البته باید حفظ آثار اسلامی برای یک سرزمین اسلامی در اولویت باشد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۴

در توسعه دوم فهد بن عبد العزیز، پشت بام نیز برای اقامه نماز بازسازی شد، که ۶۸۰۰۰ مترمربع مساحت داشت، ۸۷۵۰ متر آن برای گنبدها و بقیه؛ یعنی ۵۸۲۵۰ مترمربع نیز برای نمازگزاران مهیا شد. اکنون ۹۰ هزار نمازگزار می‌توانند بر روی پشت بام نماز بگذارند و با پله‌های برقی نصب شده در اطراف مسجد، به آن راه یابند. در این توسعه چندین گنبد متحرک نیز بر فراز شبستان‌ها قرار گرفت که به وسیله ریل‌های برقی، در هنگام نیاز باز و بسته می‌شوند. در داخل دو صحن نیز چترهای متحرک برای ایجاد سایه قرار داده شد. خدمات رفاهی در اطراف مسجد نیز قابل توجه است. در دو طبقه زیرزمین، وضوخانه و دستشویی ساختند و مساحت زیادی در زیر صحن‌های پیرامونی مسجد، به منظور ایستگاه‌های ماشین‌ها و وسایل نقلیه ایجاد شد. علاوه بر آن، در زیر مسجد، زیر گذر بزرگی برای ارتباط دو طرف مسجد، احداث شد که سی ورودی برای آن باز شده است. علاوه بر شبستان‌هایی که در این توسعه به مسجد افزوده شد، بخش‌های عمده‌ای به میدان‌ها و مساحت‌های پیرامونی، برای اقامه نماز اختصاص یافت، که مساحت آن‌ها به ۲۳۵۰۰۰ متر مربع می‌رسد و چهارصد هزار نمازگزار در آنجا می‌توانند نماز اقامه کنند. در تمامی سطح مسجد و صحن‌ها و میدان‌های اطراف، که محل اقامه نماز است، سیستم بسیار وسیع و پیشرفته خنک‌کننده تعبیه شده است. ایستگاه این مجموعه عظیم، که ۷۰۰ هزار مترمربع را به خود اختصاص می‌دهد، در هفت کیلومتری مسجد قرار دارد که با شبکه‌های زیرزمینی، هوای خنک و مطبوع را به ستون‌ها وارد و به فضا منتقل می‌کند. در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان اینگونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰۰۰۰ مترمربع. پشت بام ۶۷۰۰۰ متر مربع. - پیرامون مسجد ۲۳۵۰۰۰ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰۰۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد. تعداد مناره‌ها؛ ۱۰ مناره به ارتفاع ۱۰۴ متر. گنبد‌های متحرک؛ ۲۷ گنبد و درهای ورودی؛ به ۴۲ می‌رسد. هزینه‌های مصرف شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است. «۱» (تصاویر شماره ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۵؟؟؟ جدول در پایان این فایل است. جدول توسعه و مساحت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله از ابتدا تاکنون (۱۴۱۶ ه ق) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۶. ۱. مکان الجنائز ۲. مهبط جبرئیل ۳. مکان اصلی باب جبرئیل (در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله) ۴. مکان باب جبرئیل در توسعه پس از غزوه خیبر ۵. مکان باب جبرئیل در عصر عثمانی و سعودی ۶. مکان اصلی باب الرحمه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۷. مکان کنونی باب الرحمه ۸. باب الشمالي در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۹. باب عاتکه در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۰. مکان اصلی باب النساء در دوران خلیفه دوم ۱۱. مکان کنونی باب النساء ۱۲. مکان اصلی باب السلام در عصر خلیفه دوم ۱۳. مکان کنونی باب السلام ۱۴. باب البقیع ۱۵. ابواب صدیق در دوران سعودی ۱۶. مئذنه بلال حبشی پس از تغییر قبله ۱۷. منبر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۸. محراب النبی صلی الله علیه و آله ۱۹. محراب عثمان بن عفان ۲۰. محراب سلیمانی یا حنفی ۲۱. مناره اصلی (دوران عثمانی) ۲۲. مناره باب السلام (دوران عثمانی) ۲۳. مناره باب الرحمه ۲۴. ستون سریر ۲۵. ستون حرس (امام علی علیه السلام) ۲۶. ستون وفود ۲۷. ستون توبه ۲۸. ستون عایشه ۲۹. ستون مخلقه ۳۰. ستون مقام جبرئیل علیه السلام ۳۱. ستون تهجد ۳۲. قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۳. قبر خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه ۳۴. قبر خلیفه دوم، عمر بن خطاب. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۷؟؟؟؟ نقشه توسعه، درها، ستون‌ها و سایر آثار مسجدالنبی صلی الله علیه و آله از آغاز تا دوره عثمانی

فهرست آثار و اماکن اسلامی اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله که به دنبال توسعه در دوران سعودی تخریب شده‌اند:

اشاره

همان‌گونه که اشاره شد، در دوران سعودی، آثار تاریخی و اماکن مهم و مقدسی تخریب گردید که برخی از آن‌ها در همسایگی

مسجد النبی صلی الله علیه و آله یا داخل آن بود. این امر به‌ویژه در تعریض و احداث خیابان‌های اطراف مسجد در توسعه اول و دوم سعودی انجام شد. بسیاری از این آثار متعلق به صدر اسلام بوده و از شاخصه‌های فرهنگ و تمدن اسلام محسوب شده و شناسنامه و پیشینه تاریخی این سرزمین بوده‌اند. در این جا تنها به نام آن‌ها اکتفا کرده و سپس در فصلی مستقل «۱» به تاریخچه و چگونگی تخریب آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه جنوبی و جنوب شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۱. خانه ابو ایوب انصاری (اقامتگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله). ۲. خانه امام جعفر صادق علیه السلام. ۳. خانه حسن بن زید علوی و کتابخانه عارف حکمت پاشا. ۴. خانه عبدالله بن عمر.

ب- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شمالی و شمال شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۵. مسجد عثمان بن عفان. ۶. مقبره عبدالله، پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله. ۷. قصر بنی جدیله (در کنار چاه حاء). ۸. قصر بنی یوسف (شمال بقیع). ۹. مدرسه حمیدیه (از آثار سلطان عبدالحمید عثمانی). ۱۰. المکاتیب القرآن (مدارس آموزش قرآن برای اطفال، از دوران عثمانی). تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۹. ۱۱. مسجد بلال بن رباح. ۱۲. چاه حاء. ۱۳. مَزْوَلَه، (ساعت آفتابی برای شناخت اوقات پنج‌گانه نماز، از قرن هفتم). ۱۴. مئذنه‌های دوران عثمانی (دو مناره).

ج- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۱۵. خانه مروان بن حکم. ۱۶. کتابخانه بشیر آغا (دوران عثمانی). ۱۷. کتابخانه محمودیه (دوران عثمانی). ۱۸. مدرسه محمودیه (دوران عثمانی). ۱۹. مدرسه بشیر آغا (از آثار عثمانی). ۲۰. مسجد مالک بن سنان. ۲۱. مسجد و خانه سیده فاطمه صغری. ۲۲. چاه زمزم در صحن اول مسجد.

د- آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۲۳. محله بنی‌هاشم؛ (در مقابل «باب جبرئیل علیه السلام» و «باب النساء» خانه‌ها و کوچه‌های تنگ و بسیار قدیمی وجود داشت که به محل بنی‌هاشم معروف بود. این کوچه تا قبرستان بقیع امتداد داشت و در دوران‌های مختلف همچنان محفوظ و بعضی از خانه‌های آن نیز بازسازی شده بود. مالکان مغازه‌ها و دکانهای آن نیز از سادات علوی بودند. در سال‌های میان ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ ش. این محله به کلی تخریب و فضای آن تا قبرستان بقیع باز و در طرح توسعه صحن‌های اطراف قرار گرفت. و بخشی از آن نیز در توسعه شرقی مسجد وارد شد. هم اکنون از باب‌البقیع، قبرستان بقیع به‌طور مستقیم دیده می‌شود. (تصویر شماره ۱ / ۵۱) ۲۴. خانه خالد بن ولید. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۰. ۲۵. خانه عثمان بن عفان. ۲۶. خانه ابوبکر بن ابی قحافه. ۲۷. خانه رَیْطَه دختر سفاح عباسی. ۲۸. خانه عثمان بن عفان صغری. ۲۹. مقبره پدر و عموی صلاح‌الدین ایوبی. ۳۰. کتابخانه‌ای در میهمانسرای عثمان بن عفان. ۳۱. چاه انس بن مالک.

فصل سوم: خانه‌ها و مساجد تخریب شده در دوران سعودی

الف - خانه‌های تخریب شده در پیرامون مسجد النبی صلی الله علیه و آله

اشاره

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد النبی را بنا کردند، هر یک از صحابه در کنار مسجد، خانه‌ای برای خود ساختند و در آن را به مسجد گشودند. صحابه و تابعان و تابع تابعان، در این خانه‌ها می‌زیستند و پس از زمانی، آن‌ها را خرید و فروش می‌کردند و برخی خانه‌ها در توسعه مسجد تخریب می‌شد. تعدادی از خانه‌های تاریخی مجاور مسجد النبی صلی الله علیه و آله تا دوران سعودی نیز باقی بود و در طرح توسعه اول و دوم همه تخریب شدند.

۱. ابو ایوب انصاری

این خانه حدود هفت ماه، در ابتدای هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، افتخار میزبانی آن حضرت را داشته است. بنای آن را به «تُبَّع» پادشاه «حَمِیر» به نام اسعد بن مَلِکِکَزَب نسبت می‌دهند. این خانه در چند متری دیوار جنوبی (قبله مسجد النبی صلی الله علیه و آله) در مجاورت باب البقیع بود. پس از مرگ ابو ایوب، خانه وی به افلح از غلامان پیامبر صلی الله علیه و آله منتقل شد و مغیره بن عبدالرحمان آن را به هزار دینار خرید. «۱» بعدها ملک شهاب‌الدین غازی برادر نورالدین محمود زنگی شهید، در آن مدرسه‌ای به نام «شهبیه» ساخت. «۲» طبقه زیرین این خانه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۴ دوطبقه در دوران سعودی به مغازه‌ای تبدیل شده بود. کنار آن نیز کتابخانه عارف حکمت پاشا قرار داشت.

۲. امام صادق علیه السلام

این خانه در جنوب شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله قرار داشت و به خانه ابو ایوب انصاری متصل بود. آن را حارث بن نعمان به امام صادق علیه السلام داد. در قرن نهم هجرت، شیخ حرم نبوی در حیاط آن ساکن شد. تا آن زمان اثر محراب و نمازگاه امام صادق علیه السلام در آن باقی بود. «۱» از اینجا کوچه‌های بنی هاشم آغاز می‌شد و تا بقیع امتداد می‌یافت.

۳. حسن بن زید

حسن بن زید بن علی علیه السلام این مکان را که قبلاً اطم یا قلعه‌ای بود در پشت دیوار قبله مسجد النبی صلی الله علیه و آله خرید و آن را به خانه‌ای تبدیل کرد. در دوران عثمانی، عارف حکمت پاشا آن را از بازماندگان وی خرید و کتابخانه‌ای در آن احداث کرد که از لحاظ منابع، به‌ویژه نسخ خطی منحصر به فرد و دارای ارزش و امتیاز ویژه‌ای بود، «۲» کتب این کتابخانه پس از تخریب به مکتبه ملک عبدالعزیز، در خیابان مناخه (پانصد متری باب السلام) منتقل شد.

۴. ابوبکر بن ابی قحافه

پیامبر صلی الله علیه و آله خانه‌ای در غرب مسجد النبی صلی الله علیه و آله به ابوبکر دادند و او در همین خانه از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۵ دنیا رفت. به گفته سمهودی، این خانه بعدها به خاندان عمر و فرزندان او واگذار گردید. «۱» البته امروزه محل

آن با تابلویی در کنار ابواب صدیق در بین باب‌السلام و باب‌الرحمه با نام «خوخة ابوبکر» حفظ شده است. «۲»

۵. عمر بن خطاب

این خانه میان باب‌الرحمه و باب‌السّلام در غرب مسجد النّبی صلی الله علیه و آله قرار داشته و موقعیت آن کنار «ابواب صدیق» کنونی بوده است. سلطان محمود عثمانی مدرسه‌ای بالای این خانه ساخت که به نام او مشهور شد. «۳»

۶. عبدالله بن عمر بن خطاب

این خانه در جنوب مسجد و سمت قبله قرار داشته که آن را «دار العشره» می‌نامیدند. مکان آن، مَرَبَد (محل خشکانیدن خرما) بوده که عثمان بن عفان هنگام توسعه مسجد، به حفصه داد و این در ازای خانه او بود که به مسجد افزوده شد. «۴»

۷. خالد بن ولید

این خانه کنار خانه ابوبکر و در غرب مسجد بود، که به «زاویة السّیمان» شهرت داشت. خالد بن ولید از تنگی و کوچکی آن به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد و آن حضرت فرمود: بنای آن را بالا ببر و او چنین کرد. «۵»

۸. مروان بن حکم

خانه مروان کنار باب‌السّلام بود و به همین دلیل باب‌السلام به «باب مروان» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۶ نیز مشهور شد. وی در دوره معاویه حاکم مدینه بود که چشمه «زرقاء» را در مدینه جاری ساخت و اطراف مسجد نبوی را با سنگ تزیین کرد. «۱»

۹. عثمان بن عفان

خلیفه سوم در این خانه، که در شرق مسجد النّبی صلی الله علیه و آله بود، محاصره و کشته شد. گویند محکم‌تر از خانه وی در مدینه نبوده است؛ زیرا دیوارهای آن از سنگ و با شکوه بوده است. خانه عثمان تا دوران سعودی به «رباط «۲» عجم» معروف بود و قبر پدر و عموی صلاح‌الدین؛ یعنی اسدالدین شیرکوه، در آن قرار داشت. «۳»

۱۰. طلحه بن عبیدالله

طلحه میان خانه عبدالله بن جعفر و عمرو بن زبیر بن عوام خانه‌ای داشت که میان فرزندانش تقسیم شد. «۴»

۱۱. عمار بن یاسر

خانه عمار بن یاسر، در گوشه غربی مسجد النّبی بود که امّ سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به وی بخشیده بود. «۵» بعدها فرزندان عمار آن را به ارث برده و فروختند. این خانه در کنار گوشه غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله بود.

۱۲. زینبہ دختر سّاق عباسی

رَیْطَه دختر سفاح عباسی، رو به روی «باب النساء» خانه‌ای داشت که به این سبب باب النساء به «باب الریْطَه» نیز معروف بود. «۶»

۱۳. رباح پدر بلال حبشی

خانه رباح، غلام پیامبر صلی الله علیه و آله «۱» و پدر بلال حبشی، نزدیک باب السلام بود که در سال ۸۴۰ ق. به مدرسه «باسطیه» تبدیل شد. «۲»

۱۴. مقداد بن اسود

این خانه کنار خانه رباح در کوچه عاصم بود که همراه آن خانه به مدرسه باسطیه تبدیل شد.

سقیفه بنی ساعده

سقیفه بنی ساعده به قبیله بنی ساعده، که از انصار بودند، اختصاص داشت. سعد بن عباده رئیس این طایفه، در این محل برای مشورت در امور مهم قبیله خود با بزرگان حضور می‌یافت. مکان سقیفه در «باب شامی» و کنار چاه «بضاعه» قرار داشت و مسجدی نیز به همان نام در کنار آن بوده است. در سال ۱۰۳۰ ق. علی پاشا در محل سقیفه بنایی ساخت و این بنا تا اوایل سده سیزده هجری بر پا بود. «۳» سقیفه، که در شمال غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله و در فاصله ۳۰۰ متری آن بود، در توسعه اول وهابیان، در تخریب خیابان سجیمی از میان رفت. اکنون ساختمان بلدیه (شهرداری) به جای آن بنا شده و تقریباً در فاصله ۱۵۰ متری، رو به روی کتابخانه ملک عبدالعزیز کنونی است. (تصاویر شماره ۵۲-۵۳) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۸ نقشه مکان سقیفه و مسجد بنی ساعده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۹ موقعیت تقریبی خانه‌های تاریخی صدر اسلام در اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله

ب- مساجد تخریب شده در دوران سعودی

اشاره

افزون بر آثار تاریخی و اسلامی پیرامون مسجد النبی صلی الله علیه و آله، که در دوران وهابیان تخریب شده و پیشتر به آن‌ها اشاره کردیم، در درون و بیرون مدینه نیز مساجد، خانه‌ها، آثار و بناهای تاریخی و اسلامی فراوانی وجود داشته که حامل کوله‌باری از قرن‌ها حوادث بوده‌اند. بسیاری از این آثار که به فرمان امرا و سلاطین در دوران‌های مختلف تعمیر و بازسازی شده، به وسیله وهابیان تخریب گردیده‌اند.

۱. بنوعدی بن نجار: دارالنابغه

این مسجد در «دارالنابغه» یعنی کنار مقبره «عبدالله بن عبدالمطلب»، پدر گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله قرار داشت. گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده‌اند. «۱» مسجد دارالنابغه در خیابان مناخه و مقابل باب السلام بود که همراه مقبره پدر پیامبر صلی الله علیه و آله در تعریض و توسعه خیابان یاد شده، در سال ۱۳۶۴ ش. تخریب شد.

۲. بنو ظفر: بَغْلَه

پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدی که به بنی ظفر، از قبیله اوس تعلق داشت و در شرق بقیع، کنار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۱ باغ برادران العائده و آل رفاعی واقع شده بود، نماز گزار شدند. «۱» برخی گفته‌اند: سوره «مائده» در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، از این رو، به مسجد مائده نیز مشهور گشت. دلیل نامگذاری آن به بغله (قاطر ماده)، این است که گویند جای پای قاطر پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن سنگ باقی مانده بود. «۲» محل آن، در پانصد متری خیابان ملک عبدالعزیز؛ خیابانی که در مجاورت شمال بقیع بوده و از شارع ستین به آن راه دارد، قرار داشته است، اکنون ساختمان مربوط به هیأت امر به معروف و نهی از منکر، در آغاز شارع ملک عبدالعزیز (سمت راست)، در جای آن ساخته شده است.

۳. مسجد دار سعد بن خیمه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام اقامت در قبا، میهمانان خود را در منزل سعد بن خیمه پذیرایی کردند و در آن جا بسیار نماز گزارند. «۳» این مکان را به سبب نماز پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد دار سعد بن خیمه می‌خواندند، که در توسعه جنوبی مسجد قبا، همراه خانه سعد بن خیمه تخریب و به شبستان مسجد ملحق شد.

۴. بنو حارثه

این مسجد در کنار شارع الشهدا، کمی پایین تر از مسجد شیخان و المستراح بوده است.

۵. عرفه: عمره

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سال‌هایی که عازم حج نبودند، در روز عرفه، گوشه‌ای نشسته و نظاره گر حاجیان می‌شدند؛ بعدها در جای نشستن آن حضرت مسجدی بنا شد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۲ که به عرفه یا عرفات شهرت یافت. «۱» این مسجد را که عمره نیز می‌گفتند، در پشت مسجد قبا، از سمت قبله (جنوب)، قرار داشته و در توسعه میدان قبا تخریب شده است.

۶. مَضْرَع: وادی

این مسجد در شرق (پایین) جبل الرماء، در احد قرار داشته است. هنگامی که حضرت حمزه علیه السلام در کناره شرقی این تپه با نیزه مجروح گردید و خود را تا این مکان رسانید و سپس به شهادت رسید؛ در مکان شهادت عمومی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله مسجدی ساخته و آن را «مسجد المَضْرَع» خواندند. سمهودی سنگ نبشته‌ای را که بر قبر حمزه قرار داشته، در این مسجد دیده است. «۲» این مسجد در تعریض و تسطیح منطقه کناری شهدای احد خراب شد.

۷. حمزه سید الشهداء علیه السلام

این مسجد که مدفن اولیة حضرت حمزه علیه السلام و عبدالله بن جحش بوده، بر اثر سیلی در دوران مروان، خلیفه اموی، تخریب شد و به گفته رفعت پاشا، جنازه حمزه را به مکان کنونی، که به مزار شهدای احد معروف است، منتقل ساختند. در سال ۵۷۰ ق. مادر خلیفه الناصر عباسی، بر محل کنونی آن قبر مسجدی ساخت که دارای گنبد و دری آهنین بود و قبر عمومی پیامبر خدا صلی الله

علیه و آله در درون ضریحی قرار داشت. طبق نوشته یکی از قلم به‌دستان وابسته به حکومت، چون زائران دیوارهای این مسجد را مسح و لمس کرده، نذر و هدایا می‌دادند، بنابراین، مسؤولان، آن را خراب کرده، مسجد دیگری در کنار آن بنا کردند که اکنون به مسجد احد، مسجد علی و مسجد حمزه معروف است. چون قبرهای شهدا آشکار و مکشوف شد و نیاز به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۳ حفظ آن‌ها بود، در سال ۱۳۸۳ ق. دیواری بر گرد قبرها کشیدند و آن را محصور ساختند. «۱»

۸. جبل رماء

در دوران گذشته، به یاد تیر اندازان مستقر در تپه عینین یا رماء، که در منطقه احد واقع است، مسجدی در گوشه شرقی آن ساخته شد و به مسجد جبل رماء شهرت یافت. نیم دیوارهای خشتی آن، که ارتفاعی حدود ۱/۵ متر داشت، تا سال ۱۳۷۱ ش. بر روی تپه موجود بود لیکن در سال‌های پس از آن، همه را تخریب و محو کردند. امروزه با اندکی دقت، پایه‌های آن را، که یک چهار دیواری ۴ متری است، می‌توان دید.

۹. بنو زریق

می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده و قرآن تلاوت کرده‌اند. به گفته برخی روایات، نخستین مسجدی است که در آن قرآن تلاوت شده است. «۲» مسجد بنو زریق که رو به روی باب‌السّیلام و در خیابان مناخه قرار داشته، در توسعه اطراف مسجد النّبی صلی الله علیه و آله تخریب و مکان آن به هتل تبدیل شده است.

۱۰. ابی بن کعب: مسجد البقیع

این مسجد، داخل قبرستان بقیع و غرب مدفن عقیل و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به ابی بن کعب؛ صحابی بزرگ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یار با وفای علی علیه السلام تعلّق داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ایشان گفته‌اند: «أَبِي أَقْرَبُنَا»؛ «بهترین قاری ما ابی بن کعب است.» «۳» گویند پیامبر در این جا بسیار نماز می‌گزارد. «۴» مکان آن در امتداد دیوار غربی بقیع تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۴ و به عبارتی، تقریباً رو به روی قبور ائمه شیعه در سمت غرب بوده که همراه تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، این مسجد نیز خراب شد.

۱۱. بنی ساعده

ابن شَبّه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بنی ساعده نماز گزاردند. عبدالله بن عیاش روایت کرده که آن حضرت در سقیفه بنی ساعده می‌نشست و سهل بن سعد با کاسه‌ای از آب، ایشان را سیراب می‌کرد. «۱» مسجد بنی ساعده را علی پاشا در سال ۱۰۳۰ ق. تکمیل و تجدید بنا کرد. «۲» مکان دقیق آن در خیابان سحیمی؛ شمال غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله واقع بود که در توسعه اطراف مسجد تخریب شد.

۱۲. فِیفاء الخَبّار

پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه «ذات العشیره» هنگام تعقیب بنی دینار، وقتی بر فِیفاء الخَبّار (در وادی عقیق) وارد شدند؛ زیر

درختی در «ذات السَّاق» فرود آمده، در آن‌جا نماز گزاردند. «۳» در جای نماز آن حضرت مسجدی ساخته شد.

۱۳. فاطمه صغری

محل سکونت فاطمه صغری، دختر حضرت امام حسین علیه السلام، که به مسجد تبدیل شده بود، در توسعه غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله تخریب گردید.

۱۴. قشله: عسکریه

مسجد قشله نیز یکی از نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، که در دوران وهابیان، همراه پادگان عثمانی، تخریب شد. «۱»

۱۵. بلال بن رباح

این مسجد هم یکی از نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد مقدسه بوده که در این دوران تخریب و ساختمان پست عنبریه جایگزین آن شده است. «۲»

۱۶. ثَنِيَّةُ الْوَدَاعِ

مسجد ثَنِيَّةُ الْوَدَاعِ، بر کوه ذباب واقع شده و میان مسجد الزَّايه و مقبره «محمد نفس زکیه»، مکان بدرقه سپاهیان بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این ثنیه، برای بدرقه سپاهیان که عازم نبرد مؤته و تبوک بودند، حاضر شده‌اند.

۱۷. عثمان بن عفان

جای مسجد عثمان بن عفان، از نمازگاه‌های اعیاد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که بعدها به صورت مسجد در آمد و در توسعه اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله تخریب گردید.

۱۸. علی عَرِيضِي

مسجد علی عَرِيضِي محلّ سکونت و عبادت علی بن جعفر، برادر امام موسی کاظم علیهما السلام بوده و در شش کیلومتری مدینه، در سمت فرودگاه قدیم و در قریه معروف به عَرِيض قرار داشته است. مسجد یاد شده در سال ۱۳۸۳ ش. تخریب شد. «۳»

فصل چهارم مساجد تاریخی مدینه منوره

الف- منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

اشاره

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتری جنوب مدینه. کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه

می‌روند، که البته امروزه به سبب بزرگراه مدینه-مکه، از کنار آن می‌گذرند. قبا، نام چاهی در آنجا بوده که بنی عمرو بن عوف از انصار در آنجا ساکن بوده‌اند. «۱» مزارع، نخلستان‌ها، چاه‌ها و آب‌های شیرین، این منطقه را از دیرباز آبادان ساخته است. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه است که قدوم پیامبر صلی الله علیه و آله را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتند. نخستین کلامی که مردم از آن حضرت شنیدند این بود: «آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صلح رحم کنید و شب هنگام، وقتی مردم در خواب‌اند نماز بگذارید. پس به سلامت وارد بهشت شوید.» «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله بر «کلثوم بن هدم» «۳» وارد شدند «۴» و خانه «سعد بن خیثمه» را محل پذیرایی تاریخی و آثار اسلامی، ص: ۲۵۰ و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهتر منطقه یشرب و موقعیت یهود، چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرین ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نپایید که علی علیه السلام نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته ابن اسحاق کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید و ابوبکر بن ابی قحافه که از قبل، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود نیز در منزل حُبیب بن اساف، در سُح (یک مایلی مدینه) استقرار یافت. «۱»

۱. مسجد قبا

پیامبر صلی الله علیه و آله کنار خانه کلثوم بن هدم، «مِزبَدی» «۲» را، که به وی متعلق بود، خرید و پی‌ریزی و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش مشخص کردند. «۳» و خود خط قبله را تعیین نمودند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند. مسجد در شمال خانه کلثوم بن هدم و در غرب خانه سعد بن خیثمه «۴» قرار داشت. دیوارهای آن با سنگ و خشت بر افراشته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز، قبل از تغییر قبله، در دیوار شمالی مسجد قرار دادند. «۵» به گفته ابن شبه، طول و عرض آن مساوی و ۶۶ ذراع؛ یعنی حدود ۳۴ متر بود. ارتفاع دیوار ۱۷ ذراع (هشت متر)، طول حیاط از داخل پنجاه ذراع (۲۴ متر) و عرض آن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۱ به ۲۶ ذراع (سیزده متر) می‌رسید. «۱» رسول الله صلی الله علیه و آله در ساخت مسجد به حدی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان خواستند تا کناری بنشینند و فقط ناظر امور باشند؛ اما آن حضرت نمی‌پذیرفتند «۲» و همراه صحابه چنین زمزمه می‌کردند: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ يَعْمُرُ الْمَسَاجِدَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَقَاعِدًا ... «رستگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبادا خاک بر دامانش بنشیند مساوی نیستند.» عبدالله بن رواحه هنگام بنای مسجد قبا می‌خواند: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ يُعَالِجُ الْمَسَاجِدَ پیامبر خدا تکرار می‌کردند «الْمَسَاجِدَ» عبدالله می‌خواند: يَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَقَاعِدًا پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تکرار می‌کردند: «وَقَاعِدًا» عبدالله می‌خواند: وَلَا يَبِيتُ اللَّيْلَ عَنْهُ رَاقِدًا پیامبر خدا تکرار می‌کردند: «وَرَاقِدًا» «۳» در میان اصحاب، شش تن از یاران فداکار رسول گرامی صلی الله علیه و آله؛ از جمله سلمان فارسی، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۲ مقداد بن اسود و عمار بن یاسر در ساختن این مسجد بیش از دیگران تلاش می‌کردند. همچنین به نقل بعضی از مورخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود: ... لَمْسَجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ ... فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهُرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ. «۱» به نقل بسیاری از مفسران، این آیه در سال نهم هجرت و در شأن این مسجد نازل شده است «۲» و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در آن سال از غیبت پیامبر صلی الله علیه و آله، که برای جنگ تبوک خارج شده بودند، استفاده کرده و در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان پردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا در آن مسجد نماز بگذارد، اما در این هنگام خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که: لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمْسَجِدٍ أُسَسَ عَلَى

التَّقْوَى ... «۳» ای پیامبر، هرگز در آن‌جا نماز برپا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز (هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده باشد ... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.» پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۳ پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزاندند. «۱» گفتنی است، منظور از «أَوَّلِ يَوْمٍ»، در قرآن کریم اولین روزهای هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجران و انصار ساخته شد. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. «۲» همچنین روایت شده که پیامبر خدا هر شبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد. «۳» پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دوبار به بیت المقدس بروم. اگر می‌دانستند در قبا چیست جگرهای شتران را می‌زدند و به سوی آن می‌تاختند تا از فضیلتش بهره‌مند شوند.» «۴» مسجد قبا در دوران عثمان بن عفان تعمیر و گسترش یافت. «۵» در زمان عمر ابن عبدالعزیز (۸۷ ق.) و نیز پس از آن، در دوران‌های دیگر تا زمان سعودی، بارها تعمیر و گسترش و بازسازی شد «۶» ولی در دوران سعودی تعمیری اساسی یافت. این توسعه از سال ۱۴۰۵ ق. شروع شد و مساحت آن از ۱۳۵۲ متر به ۷۴۶۵ متر مربع رسید و ۵۶ گنبد بر آن ساخته شد که قطر هر یک ۳۰/۵ متر و ارتفاع آن نیز بین ۲۴-۱۸ متر بود. چهار مناره نیز به ارتفاع ۴۲ متر بر گوشه‌های آن ساختند. خانه کلثوم بن هدم، که پیامبر صلی الله علیه و آله در اولین روزها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۴ در آن ساکن شدند و مسجد دار سعد بن خثیمه تخریب و به مسجد اضافه شد. هشت ستون از شبستان متعلق به دوران خلیفه سوم و عمر بن عبدالعزیز است. محل محراب و نماز پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی بیت المقدس که در شبستان کنونی و کنار ستون سوم قرار داشته، به صورت محرابی ساخته شد و پلکانی بر بالای آن قرار یافت. این محراب در دوران سعودی محو و تنها یک ایوان نیم متری به جای آن ساختند. محل نماز پیامبر صلی الله علیه و آله در شبستان جنوبی، نزدیک ستون سوم کنونی بوده است. در رکن غربی قبله، مسجد علی علیه السلام یا مسجد دار سعد بن خثیمه بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در آن نماز گزارده‌اند. همچنین فاطمه علیها السلام دختر گرامی آن حضرت، در این مسجد گندم آسیاب کرده و نان می‌پخته‌اند. این مسجد تا مسجد النبی صلی الله علیه و آله حدود ۳/۵ کیلومتر فاصله دارد و حدود ۲۰ هزار نماز گزار را در خود جای می‌دهد. (تصویر شماره ۵۴)

۲. جمعه: عاتکه

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه کردند. «۱» این مسجد در میان وادی رانوان ساخته شد، که به همین سبب آن را مسجد بنی سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه نامیدند. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۷۰۰ متری آن است. در شمال آن، خانه یا دژ «عتبان بن مالک»، یکی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که وی از آن حضرت درخواست کرد تا در آن‌جا نماز بگزارند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین کردند. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است. «۲» در سال ۱۴۱۲ ق. در دوران فهد بن عبدالعزیز بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۵۰۰ متر مربع رسید که ۶۰۰ نماز گزار را در خود جای می‌دهد. برای تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۵ این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساخته شد. اکنون (۱۳۸۳ ش.) مجدداً به علت فرسودگی بنا، کار بازسازی‌های آن به پایان رسید و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شد. (تصویر شماره ۵۵)

۳. بنات النجار

بنات النجار دختر عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. وقتی رسول گرامی صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه هجرت کردند، دختران طایفه نجار به استقبال آن حضرت رفته و با ابیات زیبایی به ایشان خوش آمد گفتند: **طَلَعَ الْبُدْرُ عَلَيْنَا مِنْ ثَنِيَّاتِ الْوُدَاعِ وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَا لِلَّهِ دَاعِ أَيُّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا جِئْتُ بِالْأَمْرِ الْمُطَاعِ جِئْتُ شَرَفْتُ الْمَدِينَةَ مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعِ** «ما چهارده از ثنیة‌الوداع بر ما طلوع کرد و شکر آن بر ما واجب است، از آن رو کسی ما را به سوی خدا دعوت می‌کند. ای کسی که در میان ما مبعوث شده‌ای، امر تو مطاع است. تو با آمدنت، به مدینه شرافت بخشیدی، خوش آمدی، ای بهترین دعوت شده.» (۱) به یاد این واقعه مسجدی بدون سقف ساختند که متعلق به این خاندان و قبیله شد. چهار دیواری مخروطی آن، داخل محوطه پشت مسجد جمعه و در جنوب آن، تا سال ۱۳۷۸ ش. موجود بود که در طرح توسعه اطراف مسجد جمعه در دوران سعودی تخریب شد. (۲)

۴. مَصْبِح

مسجد مَصْبِح را بالای تپه مرتفعی در جنوب غربی قبا و پشت مخازن آب عین زرقاء (چشمه زرقاء) ساخته بودند. شاید دلیل نامگذاری آن، به سبب زمان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، که هنگام صبح به این مکان وارد شده‌اند. در غرب این مسجد، قلعه مَصْبِح و ثنیة‌الوداع بوده در این مکان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام ورود به قبا استقبال کردند. دیوارهای ویران شده آن باقی و سقف آن از میان رفته بود که در سال‌های اخیر تخریب شد و اکنون اثری از آن دیده نمی‌شود.

ب- مساجد پیرامونی مسجد النبی صلی الله علیه و آله (جنوب غربی مدینه)

۱. مساجد مصلًا و نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجدالنبی)

اشاره

آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آن‌ها به ۸ رسید. امروز تنها ۴ مسجد از آن‌ها باقی است. ابن زباله از ابراهیم بن امیه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد فطر و قربان به این ترتیب نماز می‌گزاردند: ۱. سال اول: در «حَارَّةُ الدُّوسِ»، نزد خانه ابن ابی الجنوب. (مسجد القشله، که به دست وهابیان تخریب شد). ۲. سال دوم: نزدیک خانه حکیم. (مسجد غمامه کنونی). ۳. سال سوم: نزدیک خانه عبدالله بن درّه المزنی. (مسجد عمر بن خطاب کنونی). ۴. سال چهارم: نزدیک خانه‌هایی بود که در کنار محلّه الحنطین قرار داشتند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۷ (مسجد مالک بن سنان که در توسعه دوران سعودی تخریب گردید). ۵. سال پنجم: در کنار خانه ابی یسار، (مسجد عثمان بن عفان، که در توسعه سعودی خراب شد). ۶. سال ششم: نزدیک دارالشفاء. (مسجد علی بن ابی طالب علیه السلام کنونی). ۷. سال هفتم: در مکان قلعه بنی زریق، در گوشه چپ. (مسجد بلال بن رباح، که در توسعه سعودی خراب شد). ۸. سال هشتم: در محلّ سکونت محمد بن عبدالله بن کثیر بن صلت. (مسجد ابوبکر بن ابی قحافه کنونی). ۹. سال نهم: در مسجد مصلًا، (مسجد غمامه کنونی). (۱) اکنون به تفصیل تاریخچه مساجدی که در محل اقامه نماز اعیاد آن حضرت ساخته شده، بر اساس

ترتیب سال‌های هجری ارائه می‌گردد.

۱/۱- قشله عسکریه

در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنونی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجد النبی، پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین نماز عید را (در سال اول هجرت) در محله معروف به «حارّة الدّوس» اقامه کردند. بعدها در آن‌جا مسجدی ساخته شد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل پادگانی قرار گرفت. تا این که در دوران سعودی مسجد و پادگان تخریب شد.

۱/۲- غمامه

از انس بن مالک خادم پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضرت هنگام خشکسالی، برای استسقا و خواندن نماز باران، کنار خانه فردی به نام حکیم نماز گزاردند. هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشده بودند که ابرها سایه افکند و باران بارید. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۸ به همین سبب بعدها در آن مکان مسجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی ابر باران‌زا نامیدند. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین در سال دوم هجرت، نماز عید را در این مکان اقامه کردند. «عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّا و نمازگاهی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. در قرن دوم هجری و نیز در سال‌های ۷۴۸ تا ۷۵۳ ق. و نیز در دوران حکومت عثمانی «۲» و دولت سعودی (۱۴۱۱ ق.) بازسازی شد. مساحت مسجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شش گنبد کوچک و بزرگ است که آن را از دیگر مسجدها ممتاز می‌سازد. مسجد علی علیه السلام و مسجد عمر بن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را میراث فرهنگی با دیوارهایی از آجر و نخل، به صورت نمادین تحت حفاظتی قرار داده است. مکان این مسجد در مقابل باب السلام در جنوب غربی مسجد النبی (حدود ۳۰۰ متری) آن است. (تصویر شماره ۵۶)

۱/۳- عمر بن خطاب

این مسجد در جنوب مسجد غمامه واقع شده و محل خانه عبدالله بن درّه المزنی بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال سوم هجرت نماز عید را در آن‌جا اقامه کردند. مسجد یاد شده اکنون نزدیک پل المدرّج در جنوب مسجد غمامه یا برجاست. بنای آن از دوران عثمانی است که در سال ۱۲۶۷ ق. سلطان عبدالمجید و در این دوران (۱۴۰۱ ق.)، حکومت سعودی تعمیر کردند. مساحت آن به ۳۳۵ متر مربع می‌رسد. «۳» اکنون میراث فرهنگی مدینه گرداگرد آن دیواری با آجر و نخل ساخته و دری نیز بر آن دیوار قرار داده است که هنگام نماز گشوده می‌شود. به نظر می‌رسد به سبب تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۹ ساخت و ساز هتل‌های پیرامونی، این مکان هم تخریب شود و به جای آن، هتلی چند طبقه سر به آسمان بکشد. (تصویر شماره ۵۷)

۱/۴- مالک بن سنان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در سال چهارم هجرت، در محله «الحناطین»، کنار خانه مالک بن سنان نماز عید خواندند،

که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجد النبی صلی الله علیه و آله در دوران سعودی تخریب شد.

۵ / ۱ - عثمان بن عفان

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال پنجم، در آن مکان، که در باب الشامی بوده، نماز عید خوانده‌اند. مسجدی که بر آن ساختند، در دوران وهابیان و در تعریض خیابان مجاور آن، تخریب شد. مکان دقیق آن، در نزدیکی کتابخانه کنونی ملک عبدالعزیز؛ یعنی رو به روی باب السلام و در شارع المناخه بوده است. «۱»

۶ / ۱ - علی بن ابی طالب علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله ششمین نماز عید را در دارالشفاء (محل کنونی مسجد علی علیه السلام) اقامه کردند و بر اساس روایتی، امام علی علیه السلام در آنجا نماز عید خواندند. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمر بن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت و آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آنجا دفن می‌کردند. در سال ۸۸۱ ق. امیر مدینه منوره آن را تعمیر و حکمرانان دوره عثمانی نیز اهمیاتی خاص به تعمیر و حفظ آن داشتند. «۲» در دوران سعودی (۱۴۱۱ ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی ۶۹۰ متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیدنا علی»، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۰ در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار خیابان، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجد النبی صلی الله علیه و آله خارج می‌شود. (تصویر شماره ۵۸)

۷ / ۱ - بلال بن رباح

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه یا اطم بنی زریق، در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند. «۱» مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل شد.

۸ / ۱ - مسجد ابوبکر بن ابی قحافه

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت، نماز عید را در جای این مسجد اقامه کردند. از ابن عطاء نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزارده‌اند. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد، از این رو، مسجدی را که در آن مکان ساختند به نام وی معروف شد. بنای نخستین مسجد را عمر بن عبدالعزیز ساخت و سلطان محمود و عبدالمجید عثمانی در سال‌های ۱۲۵۴ و ۱۲۶۷ ق. آن را بازسازی کردند. «۲» اکنون نیز در این مسجد که در ۴۰ متری مسجد غمامه و نزدیک‌ترین مسجد به آن است و ۳۰۰ متر مساحت دارد نماز اقامه می‌گردد. (نقشه و تصویر شماره ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ / ۶۰)

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

۲/۱ - سقیا

«سقیا» نام مسجد؛ چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوره. ترمذی از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حرّه سقیا؛ وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۱ «خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهل مکه، برکت دهی. خدایا! با یک برکت برای آنان دو برکت قرار ده.» «۱» همچنین در روایات احمد بن حنبل و طبرانی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله کنار چاه سقیا نماز گزارد و بعدها در مکان نماز آن حضرت مسجدی ساختند. ابن زباله نقل کرده است: پیامبر صلی الله علیه و آله برای نبرد بدر از سربازان خود در کنار چاه‌های سقیا سان دید و در این مکان نماز گزارد. در سال‌های گذشته، این مسجد مدت‌ها به زباله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوطه راه‌آهن (سکه‌القدیم) مسجد سقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد. موقعیت کنونی آن، داخل محوطه راه‌آهن؛ یعنی مقابل میدان عنبریه، در جنوب غربی مدینه و حدود یک کیلومتر بالاتر از مسجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه‌آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در روبه‌روی آن دیده می‌شود. نمای آن سفید و دارای دو گنبد و دری بسیار کوچک و مساحتی حدود ۶ متر دارد که می‌توان در آن نماز گزارد، این مسجد توجه کسی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیده نمی‌شود. (تصویرهای شماره ۶۱، ۶۲ و ۶۲/۱)

۲/۲ - مَغِیْسَلَه: بنی دینار

این مسجد از آن طایفه بنی دینار بن نجار، از قبیله خزرج بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بسیار نماز گزارده‌اند. «۲» چون این مکان در باغی به نام «مغیسله» بود؛ مسجد آن را به این نام خواندند. سمهودی کتیبه‌ای به خط کوفی در آن جا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم». مساحت مسجد ۲/۵ متر بود «۳» که در سال‌های تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۲ بعد، مئذنه‌ای نیز بر آن ساخته شد. مسجد، داخل باغ مذکور، پشت مقرّ دارالرعایه، کمی بالاتر از میدان عنبریه در شارع عنبریه (عمر بن خطاب) قرار دارد. در سال‌های اخیر بازسازی شد و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۶۳)

۳ - مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

۳/۱ - الاجابَه: مباحله ۳

پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در مکان این مسجد وارد و پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعا کرده و گفتند: از خداوند سه چیز خواستم که دو خواسته‌ام را عطا و دیگری را منع کردند. این مسجد به سبب اجابت دعای پیامبر صلی الله علیه و آله به «الاجابه» معروف شد. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در همین مکان برای مباحله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسیحیان

نجران با دیدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصمم و صادقانه اهل بیت پیامبر علیهم السلام حاضر به مباحله نشده و به پرداخت جزیه تن دادند. «۲» موقعیت کنونی این مسجد در سمت راست شارع ستین (ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر از (۵۰۰ متری) ضلع شمال شرقی بقیع است. فندق الدخیل در سمت راست و مستشفی الولاده والأطفال نیز در سمت چپ آن خیابان واقع است. این مسجد در دوران عثمانی ترمیم شد و مساحت آن ۲۰۰ متر بود که در سال ۱۳۷۶ ش. تخریب و مساحت آن به ۱۰۰۰ متر مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهد بن عبدالعزیز تغییر یافت که البته در سال ۱۳۸۲ ش. بار دیگر نام آن به الاجابه برگشت. (تصویر شماره ۶۴)

۲/۳- ابوذر غفاری

بر اساس روایت بیهقی و احمد بن حنبل، پیامبر صلی الله علیه و آله در مکانی به نام صدقه وضو ساخت و پس از نماز، به سجده‌ای طولانی پرداخت. آنگاه فرمود: «جبرئیل به من بشارت داد که هر کس بر من درود و صلوات فرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسأله سجده شکر کردم.» مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به سجده معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آنجا، به مسجد ابوذر نیز شهرت یافت. داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمربندی ملک فیصل در سمت شمال شرقی مسجد النبی و حدود ۸۰۰ متری آن است. این مسجد در ۱۴۲۲ ق. در دوران فهد بن عبدالعزیز ترمیم و بازسازی کامل شد و مساحت آن به ۳۵۰ متر افزایش یافت. این مسجد یک مناره دارد. (تصویر شماره ۶۵)

ج- منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

اشاره

در شوال سال پنجم هجری، مشرکان با همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوایف و قبایل موجود در شبه جزیره را بر ضد اسلام و مسلمانان بسیج کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف مدینه، سپاه شرک را زمین گیر کرد و محاصره شهر جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان سپاه مشرکان نتیجه‌ای در پی نداشت و کفار ناگزیر به مکه بازگشتند. «۱» منطقه این نبرد، مقابل کوه «سلع» در شمال غرب مدینه قرار داشت. مسیر خندق نیز از نزدیکی مسجد المستراح (در شارع سید الشهداء) به سوی احد آغاز و به صورت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۴ نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشی از کوه سلع، در برابر مساجد سبع (شارع السیح) پایان می‌یافت. در این مسیر اکنون حی الخندق (محلّه خندق) واقع و دارای خانه‌هایی بسیار قدیمی است و تابلوی حی الخندق نیز بر آن دیده می‌شود. این محله در کنار کوه سلع است. (تصویرهای شماره ۶۶-۶۷) طول خندق ۲/۵ کیلومتر و عمق آن ۳ متر و عرض آن ۴ متر بوده است. به این صورت نیمی از مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان پناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید. «۱» فرماندهان و بزرگان سپاه در چند نقطه و دامنه این کوه مستقر و یا به روایت دیگر در آن مکان‌ها نماز می‌گزاردند. بعدها به یاد جانفشانی‌های این عده، مساجدی در آنجا ساختند که به نام هریک از آن صحابه معروف شد. مساجد مورد نظر، صرف نظر از تغییرات مختصری در فضاهای مجاور، جز مسجد ابوبکر، همچنان محفوظ مانده است. گفتنی است، کمی پایین‌تر از این شش مسجد، مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته شد که امسال (۱۳۸۴ ش.) به بهره‌برداری می‌رسد. محتمل است پنج مسجد

باقی مانده نیز تخریب شوند. (تصویرهای شماره ۶۸-۶۹)

۱- مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعة)

۱/۱- فتح

این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و به وادی بطحان مشرف است. خداوند- تبارک و تعالی- دعای رسول گرامی را برای پیروزی در جنگ بر فراز این تپه مستجاب ساخت و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۵ محل به آن حضرت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد. «۱» دعای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ هَدَيْتَنِي مِنَ الضَّلَالَةِ فَلَا...». «خدا یا! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردی. کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و کسی که گرامی‌ات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار نمی‌گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شود و...» از دعاهای دیگر آن حضرت است: «اللَّهُمَّ مُنزِلَ الْكِتَابِ وَمُنْشِئَ السَّحَابِ...». «۲» این دعاها هنگامی درخواست شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت در خندق طولانی گردید. سرانجام مشرکان رو به هزیمت گذاشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله در وسط جای مسجد فتح؛ یعنی در صحن کنونی آن، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می‌فرمودند. «۳» بعضی نیز گفته‌اند: سوره فتح در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و در روایت دیگری است که آیه «إِنْ تَشِئْتُمْ حُوًّا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ...» در این جا نازل شده است و آن را به این سبب «مسجدالفتح» نامیده‌اند. این مسجد را عمر بن عبدالعزیز (ه. ۸۸) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، سپس سیف‌الدین ابی‌الهی‌جاء، در سال ۵۶۵ ق. آن را تجدید بنا کرد. حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همت گمارد. «۴» در داخل محراب مسجد فتح، بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احد که پیامبر صلی الله علیه و آله را پنهان ساختند و دیگری در غار حرا استشمام می‌شود. (تصویر شماره ۷۰)

۱/۲- سلمان فارسی

مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است. «۱» مساحت آن حدود ۴۰ متر می‌باشد.

۱/۳- علی بن ابی‌طالب علیه السلام

به روایت سمهودی این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به تخریب رفت. زین‌الدین ضیغم امیر مدینه، در سال ۹۷۶ ق. آن را تجدید بنا کرد و سقفی بر آن نهاد. مساحت این مسجد ۳۵ متر بوده است. «۲» موقعیت مشهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسجد علی علیه السلام را امروزه آن مسجدی می‌دانند که کمی بالاتر از مسجد فاطمه علیها السلام بر روی بلندی و ارتفاعی قرار دارد و با پله‌هایی به آن راه می‌یابند. امروزه به سبب ساخت مسجد جدید امکان حضور در آن مسجد نیست و جلو آن را نرده ساخته‌اند. سمهودی این مسجد را مسجد ابوبکر و مسجد معروف ابوبکر را مسجد علی علیه

السلام می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی علیه السلام در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشتهار امروزی صحیح باشد. مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند. «۳»

۱/۴ - ابوبکر بن ابی قحافه

این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن قرار داشته که سؤمین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی علیه السلام دانسته است ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۳۸۰ این مسجد تخریب و اکنون اتوبوس‌های زائران در آنجا توقف می‌کنند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد ابوبکر آن مسجدی است که در انتهای مساجد سبعة بر روی بلندی قرار گرفته است.

۱/۵ - عمر بن خطاب

مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است.

۱/۶ - فاطمه علیها السلام

در مغرب مسجد علی علیه السلام، به یاد دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه علیها السلام هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی علیه السلام غذا و نان تهیه می‌کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبل در مسجد باز و مؤمنان به اهل بیت و دوستان فاطمه علیها السلام در آن نماز می‌گزاردند. اما چند سالی است که در آن را با بتون و آجر بسته‌اند.

۱/۷ - ذو قبتین

پیامبر صلی الله علیه و آله در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به‌ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهانند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رجب، میان نماز ظهر، آیات تغییر قبله بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: **قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ** «۱» پیامبر خدا، هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بودند، به‌صورت نیم دایره برگشتند و رو به سمت جنوب کردند. لذا مردان در مکان زنان؛ یعنی صفوف عقب و زنان در مکان مردان، یعنی صفوف جلو واقع شدند و همراه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۸ پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز باقیمانده ظهر را به سوی مسجدالحرام به صورت فردی اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذو قبتین مشهور شد؛ «۱» زیرا یک نماز را به دو قبله خواندند. خبر نزول آیات تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، شتابان به مسجد قبا و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند. مسجد ذو قبتین در حرّه الوبره، شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعة (کوه سلع) قرار دارد. این مسجد را شاهین جمالی، شیخ خدام حرم پیامبر صلی الله علیه و آله در

سال‌های ۸۹۳ ق. مسقف کرد و در دوران سلیمان عثمانی ۹۵۰ ه. ق. مجدداً تعمیر و تجدید بنا شد. «۲» در سال ۱۳۷۰ ق. نیز مناره‌ای در زاویه شمال شرقی صحن آن بر پا و نمای مسجد به کلی بازسازی گردید. قبله بیت‌المقدس در سمت راست ورودی مسجد بوده که قبلاً سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجا که زائران آن را مسح و لمس کرده و به آن تبرک می‌جستند، در سال ۱۳۹۸ ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زیبا و زرین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سال‌های اخیر آن را نیز برداشته‌اند. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ به قطر ۷/۸ و ارتفاع ۱۸/۸ متر نیز بر آن استوار گشته است. (تصویر شماره ۱/ ۷۰)

۲- مساجد دیگر منطقه احزاب

۱/ ۲- الزابیه: ذباب «۳»

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام جنگ خندق، بالای کوه ذباب نماز گزارده، «۴» بر اعمال خندق نیز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۹ نظارت می‌کردند. این مسجد بر مکان استقرار پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته شد. کوه یاد شده کوچک و در شرق کوه سلع و پشت مساجد سبعة است. سبب نامگذاری آن به مسجد الزابیه (پرچم)، این است که یزید بن هرمز در قرن اول هجری، پشت این کوه با موالیان می‌جنگید. وی پرچمی در دست داشت که بر فراز آن مستقر ساخته بود. «۱» این مسجد در شارع سلطانه (ابوبکر) در سمت راست کسی است که به سمت شمال می‌رود. پمپ بنزین زغیبی (محطه بنزین) بعد از آن قرار دارد. مسجد در سمت چپ بر بالای دامنه کوه الزابیه یا ذباب است که در دوران اخیر بازسازی شده است و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۷۱)

۲/ ۲- مسجد بنی حرام کبیر

حدود ۵۰۰ متری جنوب مساجد سبعة، در حی الخندق و در سمت چپ کسی است که در شارع السیح به سوی پایین (مسجد النبی صلی الله علیه و آله) می‌رود. پهلوی مدرسه «المتوسطه للبنات» مسجدی متعلق به طایفه بنی حرام است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد آنان نماز گزارده‌اند. «۲» این مسجد در دوران عثمانی تعمیر «۳» و سپس رو به ویرانی رفت. در دوران آل سعود، ۱۴۱۱ ق. بازسازی شد، مساحت آن ۲۰۰ متر است و امروزه در آن نماز جماعت می‌خوانند. (تصویر شماره ۷۲) کمی پایین‌تر از آن، در دامنه کوه، غاری متعلق به این طایفه بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله لحظاتی در آنجا استراحت کرده‌اند. این غار اکنون موجود نیست.

د- منطقه احد و مساجد پیرامون آن

۱. المستراح (محل استراحت)

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت از نبرد احد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت نشستند. «۱» در آن مکان مسجدی ساختند «۲» که می‌توان از شارع سید الشهداء (راه قدیمی احد)، که اکنون از زیرگذر تقاطع شارع فیصل می‌گذرد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع یاد شده این مسجد در کنار خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر (۱۴۱۱ ق.) بازسازی شده و مسجد بزرگ‌تری به مساحت ۵۰۰ متر به جای آن قرار گرفته است. در شبستان مسجد، شش ستون که به وسیله نیم هلالی‌هایی به هم وصل است، به مسجد، زیبایی ویژه

بخشیده است. سقف آن با آجر و دیواره‌ها با گچ‌بری‌هایی تزیین گشته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا می‌شود و رونق دارد. گفتنی است اینجا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از اینجا آغاز شده که منازل بنو حارثه بوده است. (تصویر شماره ۷۳)

۲. الدُّرْع: الشَّيْخَان

ابن شَبَه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت به سوی احد در شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبح قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب شیخان نامیده‌اند که در کنار منزل دو پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدُّرْع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۱ را از تن در آورده و در آن جا نهاده بودند. «۱» این مسجد حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح؛ یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای احد، در شارع الشهداء می‌رود. امروزه اطراف آن مطابق یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. بنای کنونی آن از دوران عثمانی است و رواق کوچکی دارد که البته در ۱۴۱۸ ق. در دوران سعودی اندکی بازسازی شد. امروزه در این مسجد، اقامه می‌شود. (تصویر شماره ۶۲)

۳. عَيْنَيْن

بر سمت شرقی «جبل الرُّمَاء» یا «جبل عَيْنَيْن» در محل و سنگر تیراندازان سپاه اسلام، در جنگ احد، مسجدی ساخته شد که اکنون جز دیواری کوتاه از آن باقی نمانده است. «۲» این مسجد در دوران عثمانی ترمیم شد لیکن به مرور زمان و بر اثر بی‌توجهی دست‌اندرکاران، تقریباً از میان رفت و در این زمان، بالای تپه (گوشه شرقی) جبل الرُّمَاء، که رو به روی مزار شهدای احد قرار دارد، دیواری کوتاه از خشت و گل، مساحتی حدود دوازده متر را محصور ساخته‌اند. نگارنده بعضی از مردم بومی را دیده‌ام که به این مکان توجه داشته و در آن نماز می‌گزاردند. مکان یاد شده کمتر در دید کسی قرار می‌گیرد. احتمال می‌رود آن را در ماه‌های اخیر خراب کرده باشند.

۴. ثَنَابَا: قُبَّةُ الثَّنَابَا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد مجروح شد و دندان پیشینش، در مکانی شکسته شد که بعدها در آن جا مسجدی ساختند. این مسجد دارای گنبدی بود که به مرور زمان منهدم شد. «۳» مکان آن در شمال مزار شهدای احد، به فاصله حدود ۱۰۰۰ متری بوده است.

۵. جبل احد: الفَسْح

پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر روز نبرد احد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند. «۱» چون صحابه از فرط خستگی به صورت راحت و با فاصله به نماز می‌ایستادند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی‌کردند، آیه فَسْح، در سوره مجادله «۲» نازل شد که خداوند از مسلمانان می‌خواست جا را برای دیگران، جهت اقامه نماز باز کنند، لذا از آن هنگام مسلمانان در صفوف خود، به صورتی بسیار به هم چسبیده و متراکم نماز گزاردند و این امر برای گروه‌های اهل سنت مرسوم و معمول شده است. بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجد الفسح یا مسجد جبل احد معروف شد. مکان آن، که اکنون جز

نیم‌دیواره‌ای مخروطی از آن باقی نمانده، در دامنه کوه احد، کنار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند. «۳» (تصویر شماره ۷۵)

۶. بنو حارثه

این مسجد به طایفه بنو حارثه بن الخزرج متعلق است که در امتداد «عُریض» تا «وادی قنأه» در شمال و شرق مدینه ساکن بوده‌اند. نیروهای اسلام در مسیر غزوه احد از میان منطقه مسکونی این قبیله عبور کرده‌اند و گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز گزارده‌اند. «۴» این مسجد کنار شارع الشهدا، کمی پایین‌تر از مسجد شیخان و مستراح بوده و بقایای قلعه‌ای متعلق به عثمانی‌ها نیز در مجاورت آن قرار داشته است. «۵» اکنون از آن‌جا به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۳ عنوان پادگان و آموزش نظامی استفاده می‌شود.

ه- منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن

اشاره

یهودیان بنی نضیر، دو طایفه‌ای هستند که در کنار اعراب در مدینه زندگی می‌کردند: * قبیله بنی نضیر در جنوب شرقی مدینه، کنار وادی مذینب ساکن بودند که امروزه در شارع قربان (امیر عبدالمحسن) واقع شده و ۳/۵ کیلومتر با مسجد النبی صلی الله علیه و آله فاصله دارد. * قبیله بنی قریظه، در عوالی، جنوب شرقی مدینه، کنار وادی مهزور (حدود ۴ کیلومتری مسجد النبی) می‌زیستند، که اکنون خیابان آن منطقه به نام علی علیه السلام و نیز عوالی معروف است. در گذشته، معیشت اصلی بنی نضیر کشاورزی و نخل‌کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی قریظه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه است. قلعه‌های بنی نضیر اکنون نیز در منطقه موجود است. اگرچه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی از آثار آنان، که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان دیده می‌شوند و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون قلعه‌های مستحکم بنی نضیر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی نضیر هستند، اگرچه نخل‌های آن چون انسانها در حال تغییر و تحول در اعصار مختلف بوده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی قریظه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که نباید بنی قریظه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند و نهایتاً این منطقه با حدود ۲ کیلومتر مساحت می‌تواند بی‌اعتباری موضوع زدن گردن ۷۰۰ تا ۹۰۰ تن از مردان جنگی بنی قریظه را، که می‌باید از جمعیتی حدود ۳ تا ۴ هزار نفر برخاسته باشند، گوشزد نماید. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند. (تصویرهای شماره ۷۶-۷۷)

۱- مسجد بنی قریظه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام محاصره بنی قریظه، که در جنوب شرقی مدینه، در منطقه عوالی ساکن بودند، در مکانی نماز خواندند. «۱» در مکان نماز ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به بنوقریظه معروف شد. این مسجد بر اساس پژوهش

پژوهشگران جدید مدینه؛ مانند الیاس عبدالغنی و دیگران، همان مسجدی است که به اشتباه آن را مسجد فضیخ می‌دانند (۲) مسجد یاد شده در شارع العوالی، کمی بالاتر از مشربه امّ ابراهیم در سمت راست کسی است که به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. پس از طی مسافت اندکی در داخل کوچه و کنار نخلستان، به مکان مخروبه مسجد می‌رسیم که در سال ۱۳۸۰ کاملاً تخریب شده و هیچ اثری از آن باقی نیست. این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. (تصویرهای شماره ۷۸-۷۹)

۲- مشربه امّ ابراهیم

ابن زباله و یحیی و ابن شبّه از ابن غسان و ... روایت کرده‌اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مشربه امّ ابراهیم نماز گزار شدند. در این مکان، ماریه قبطیه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. مشربه باغی بوده که بعضی از مورّخان گفته‌اند به ماریه تعلق داشته است. در حقیقت، این محل، خانه او بوده است. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخیلات بنی قاسم» (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است. (۳) لذا بنا بر قولی نه معتبر، نجمه خاتون مادر امام رضا علیه السلام در این مکان دفن شده است. از مشربه امّ ابراهیم با عنوان مسجد امّ ابراهیم نیز یاد شده که تا اواخر دوران عثمانی مورد عنایت کامل بوده ولی در دوران سعودی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مخروبه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۵ این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک در قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. (تصویر شماره ۸۰)

۳- فضیخ: ردّ الشمس: بنی نضیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب» (شراب انگور) است و بعضی نیز به شیر خرم گفته‌اند. آیات تحریم قطعی شراب در همین مکان نازل شد. هنگامی که سپاهیان اسلام، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برای غزوه بنی نضیر خارج شدند، در این مکان توقف کرده و بعضی به سبب حرام نبودن شراب مشغول می‌گساری شدند؛ در این حال آیات تحریم شراب نازل شد و ابو ایوب انصاری خبر آن را به این عده رسانید. به این سبب مسجدی که در این جا ساخته شد، به «فضیخ» شهرت یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت شش شبانه روزی که بنی نضیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند. (۱) به سبب همین غزوه، این مسجد به بنی نضیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن ردّ الشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورّخان شیعه و سنی نقل کرده‌اند. آن ماجرا در همین غزوه رخ داد. بر اساس روایت آنان، در این مکان، پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام عصر، سر بر زانوی علی علیه السلام به خواب رفتند و نزدیک غروب خورشید، که بیدار شدند، فهمیدند علی علیه السلام برای آن که پیامبر صلی الله علیه و آله بیدار نشود، نماز عصر را نخوانده است؛ لذا از خداوند خواستند، اگر علی علیه السلام در طاعت اوست، خورشید را بازگرداند تا او نماز عصر را بخواند. اسماء گوید: «من دیدم که خورشید پس از غروب کردن بر کوه‌ها و زمین نورافشانی کرد و علی علیه السلام نماز عصر را به جا آورد.» (۲) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۶ اما برخی از پژوهشگران آثار مدینه، این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «ردّ الشمس» و گفته‌اند چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد می‌تابیده، آن را شمس نامیده‌اند. (۱) این مسجد در جنوب شرقی مسجد قبا، حدود یک کیلومتری آن و در محله معروف قربان، که خیابانی هم به این نام در آنجا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهاردیواری از آن نمانده است. (۲) گفتنی است، معمولاً زائران ایرانی، به گمان آن که مسجدی که بالاتر از مشربه امّ ابراهیم، در عوالی است، همان مسجد فضیخ یا ردّ الشمس است، به زیارت آن می‌روند، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی قریظه نیست و البته در سال گذشته نیز تخریب شده است. (تصویر شماره ۸۱)

فصل پنجم: مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

الف - قبرستان بقیع

اشاره

برای بقیع، معانی گوناگون نوشته‌اند؛ از جمله: به مکانی وسیع گفته می‌شود که در آن درخت و ریشه آن باشد. «۱» قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از آن درختان بوده «بقیع الغرقد» نامیده‌اند. غرقد نام نوعی درخت بوده که در آنجا می‌رویده است. برخی نیز بقیع را از بقعه گرفته‌اند؛ «۲» زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است. شمال غربی این قبرستان را، که عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مدفون‌اند «بقیع العَمات» نام نهاده‌اند. این قسمت، پیشتر به وسیله دیواری، از بقیع جدا بوده و در سال ۱۳۷۳ ق. دیوار آن را برداشتند. جنوب شرقی بقیع را، که محل دفن مردگان یهود و غیر مسلمان بوده «حش کوب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند. بقیع الغرقد تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبه جزیره دارد؛ زیرا تاریخ‌نگاران پیشینه آن را به دوران جاهلیت بازگردانده‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یثرب بوده و قبل از اسلام اموات خود را در آن به خاک می‌سپردند. پس از اسلام، تنها به دفن اموات تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۰ مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوب به خاک می‌سپردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته «۱» و مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است. (تصویر شماره ۸۲)

فضایل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار علیهم السلام و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از ۱۰۰۰ و به روایتی ۱۰۰۰۰ نفر از صحابه گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم و ... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته است. از ام‌قیس نقل شده که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به بقیع آمدم، فرمود: «ام قیس، از این قبرستان در آخرت ۷۰۰۰۰ نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب بدر می‌درخشد.» «۲» همچنین از رسول گرامی اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. روایت دیگری است که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ». «۳» مویهبه، غلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوید: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: مأمورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا. همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْمَقَابِرِ، لَيْهَن لَكُمْ مَا أَصَيْبَتْكُمْ فِيهِ مِمَّا أَصَيْبَتْ النَّاسُ فِيهِ أَقْبَلَتْ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرَهَا أَوْلَهَا الْآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الْأُولَى . پس مدتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت. یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل کرده است که آن حضرت هر شب به زیارت قبور بقیع می‌رفتند. «۱» عایشه گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله برخی شب‌ها از منزل بیرون می‌رفتند، من گمان می‌بردم که به منزل همسران دیگر می‌رود؛ لذا حساس شده و ایشان را سایه‌وار تعقیب کردم تا دیدم به زیارت اهل بقیع رفته‌اند. هنگامی که از تعقیب من آگاه شدند، گفتند: «تو گمان می‌کنی به تو ظلم خواهم کرد، خیر، من از سوی خدا مأمور شده‌ام که برای اهل بقیع استغفار کنم.» «۲» در کتب زیارات و ادعیه آمده است که هنگام زیارت بقیع به سبب قداست آن مکان، که روزی قدم‌های مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برهنه وارد شوید. پیامبر خدا صلی

الله علیه و آله فرمودند: کسی که در مقبره ما (بقیع) مدفون شود، از شفاعت من برخوردار گردد؛ «۳» لذا شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار خواهند گرفت، کمال احترام و خضوع را رعایت کرد.

گنبد و بارگاه‌های بقیع

اشاره

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و ... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنین، مسی یا نقره‌ای بوده و کتیبه‌ها و سنگ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۲ نبشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود. متأسفانه با تسلط تفکر وهابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات ایشان جایگاهی نداشت، تخریب شد. آنان پس از تسلط بر حجاز، بقعه‌های بقیع، شهدای احد، محمد نفس زکیه، عبدالله، پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و ... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کرده‌اند. مروان بن حکم نخستین کسی بود که به برداشتن سنگ قبر اولین مدفون بقیع یعنی «عثمان بن مظعون» اقدام کرد که سنگ قبر او با دست مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهاده شده بود. در این جا قبوری که در بقیع دارای بقعه و بارگاه بوده و در این دوران دستخوش تخریب واقع شده‌اند، معرفی می‌گردند. (تصویر شماره ۸۳)

الف - بقعه و بارگاه ائمه علیهم السلام

پیش از آن که بر فراز قبور امامان شیعه؛ یعنی امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام گنبد و بارگاهی ساخته شود، سنگ نبشته‌ای بر آن بوده که بعضی از جهانگردان و مورخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورخی که از این سنگ نبشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده است، می‌گوید: بر قبور ایشان سنگ نبشته‌ای دیدم که بر آن نوشته بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مُبِيدِ الْأَعْمَى وَ مُحْيِي الرُّمَمِ، هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَبْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ». «۱» ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ق.) از بنای گنبد و بقعه‌ای در ابتدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطری گوید: گنبد آن را خلیفه الناصر عباسی ساخته است. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۳ ابن جبیر و ابن بطوطه، دو جهانگرد مسلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر «عباس» و «امام حسن علیه السلام» بوده، گزارش کرده‌اند. «۱» میرزا حسین فراهانی، از سیاحان عصر قاجار نیز در سفرنامه خود می‌نویسد: «چهار ائمه اثنی عشر، در بقعه بزرگی که به‌طور هشت ضلعی ساخته شده واقع‌اند و گنبد اندرون آن سفیدکاری است. بنای این بقعه معلوم نیست که از چه وقت بوده است.» «۲» علی بن موسی، از دیگر سفرنامه‌نویسان عصر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت را بزرگ‌ترین قبه‌های بقیع ذکر کرده است که بعضی از سادات علوی و بزرگان و امرای مدینه کنار آن به خاک سپرده شده‌اند. «۳» (تصویر شماره ۸۴)

ب - بقعه و بارگاه سایر قبور

قبور دیگری که منابع از گنبد و بارگاه آن‌ها گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از: ۱- دختران و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ۲- عقیل و مالک بن انس ۳- ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ۴- فاطمه بنت اسد ۵- عثمان بن عفان ۶- عثمان بن مظعون ...

به خاک آرمیدگان بقیع

۱- عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. او را در خانه محمد بن زید- در گوشه خانه عقیل، که وسط بقیع بوده- به خاک سپردند. پیامبر صلی الله علیه و آله سنگی بالا و پایین قبر وی قرارداد، فرمودند: «اهل بیت مرا در این جا دفن کنید.» (۴) هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۴ را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود. (۱) برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده- و اهل سنت آن را از آن خلیفه سوم، عثمان بن عفان می‌دانند- به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان بن مظعون است.

۲- ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی‌حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما بسیار زود؛ یعنی در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را در بقیع، کنار عثمان بن مظعون دفن کنند. در بهشت برای او مرضعه‌ای (شیر دهی) است که شیر خوردن او را تمام خواهد کرد. در روایت آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله چهار تکبیر بر او گفت و بر قبر وی آب پاشید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند. (۲)

۳- رقیه

رقیه، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا همسر عتبۀ بن ابی‌لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفان درآمد. (۳) روایت شده که فاطمه علیها السلام کنار قبر رقیه می‌گریست و پیامبر صلی الله علیه و آله با جامه خود اشک چشمان او را پاک می‌کردند. (۴) گفتنی است رقیه هنگام جنگ بدر از دنیا رفت و عثمان بن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۵ عفان، همسر وی، که به سبب مرضی رقیه از جنگ بازمانده بود، او را به خاک سپرد. (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را کنار عثمان بن مظعون به خاک بسپارید.

۴- امّ کلثوم

هنگامی که امّ کلثوم دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت، در کنار خواهرش رقیه مدفون شد. اسماء بنت عمیس او را غسل داد و علی علیه السلام و فضل بن عباس در قبرش نهادند. (۲) امّ کلثوم نیز همسر عتبۀ بن ابی‌لهب بود که بعد از اسلام از همسرش

جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفان درآمد. «۳»

۵- زینب

زینب، بزرگترین فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله بود که پیش از اسلام به ازدواج ابوالعاص بن ربیع درآمد. پیامبر به مدینه هجرت کرد و ابوالعاص، به رغم علاقه‌ای که به زینب داشت مسلمان نشد و در مکه ماند. او در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از چندی مسلمان شد و به زینب پیوست. دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت از دنیا رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر او نمازگزارد و کنار دو خواهر دیگرش؛ یعنی در جوار عثمان بن مظعون به خاکش سپرد. «۴»

۶- فاطمه بنت اسد

مادر بزرگوار علی بن ابی طالب علیه السلام و همسر فداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۶ بود. آن حضرت فرمود: اگر مادرم فاطمه از دنیا رفت مرا خبر دهید؛ وقتی او وفات یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌اش حاضر شدند. هنگامی که برای ایشان قبری حفر شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به پشت، داخل آن خوابیدند و قرآن خواندند؛ آنگاه پیراهن خود را کف قبر پهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر آن خوابانیدند، سپس بر او نماز گزارده، فرمودند: هیچ کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی‌ماند. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در وفات مادر گرامی حضرت علی علیه السلام بی‌تابی فراوان می‌کردند. وقتی دلیل آن را پرسیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکانش خود را گرسنه می‌داشت و مرا سیر می‌کرد، آنان را خاک آلود می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت، به راستی که او مادرم بود.» «۲» سمهودی روایت می‌کند، آن حضرت بر قبر فاطمه نشست و فرمود: «رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أُمَّي بَعْدَ أُمَّي، اللَّهُ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ اغْفِرْ لِأُمَّي فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ وَوَسَّعْ عَلَيْهَا مَدْخَلَهَا بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَالْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ فَإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ». «۳» شایان یادآوری است که فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. قبر مادر گرامی علی بن ابی طالب علیه السلام، در کنار قبر عباس بن عبدالمطلب و ائمه بزرگوار شیعه است. بعضی از تاریخ نگاران و پژوهشگران قبه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی؛ آخرین حد کنونی بقیع دانسته‌اند و بیشتر اهل سنت نیز بر همین نظریه‌اند. «۴» کسانی که بر این باورند، این قبر را از آن فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند. «۵» والله اعلم بالصواب.

۷- امام حسن مجتبی علیه السلام

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام دوّمین امام شیعه و نواده حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. آن امام همام، در نیمه ماه رمضان سال سوم تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۷ هجرت متولد شد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را حسن نامید. آن مظلوم را، همسرش جعده، دختر اشعث مسموم کرد و پس از چهل روز، در هشتم ماه صفر، سال پنجاه هجری به شهادت رسید. «۱» از نوفل بن فرات نقل شده که حسن بن علی علیه السلام به برادر خود حسین علیه السلام وصیت کرد که در کنار قبر جدش پیامبر دفن شود؛ اگر بنی‌امیه منعش کردند، در بقیع به خاک بسپارد. هنگامی که امام حسن علیه السلام وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنند که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین علیه السلام نیز

ایشان را در بقیع و در مقابر بنی‌هاشم دفن کردند. «۲» قبر شریف آن حضرت در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطلب است که سه امام دیگر نیز بعدها کنار ایشان به خاک سپرده شدند.

۸- امام زین العابدین علیه السلام

علی بن الحسین علیهما السلام، چهارمین امام بزرگوار شیعه است. او در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد شد و در سن ۵۷ سالگی، در سال ۹۵ ق. به توطئه هشام، خلیفه اموی، مسموم گردید و به شهادت رسید و کنار عمویش حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

۹- امام باقر علیه السلام

پیشوای پنجم شیعیان، در روز دوشنبه، سوم صفر سال ۵۷ ق. به دنیا آمد و در دوشنبه، هفتم ذی‌حجه سال ۱۱۴ ق. وفات یافت. آن حضرت را کنار پدر گرامی‌اش به خاک سپردند.

۱۰- امام صادق علیه السلام

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، امام صادق علیه السلام در هفتم ربیع‌الاول سال ۸۳ ق. در مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ق. وفات یافت. او را در کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۸ به این ترتیب است که: اول قبر امام حسن، دوم قبر امام سجاد، سوم قبر امام باقر و بالأخره چهارم قبر امام صادق علیهم السلام است. «۱»

۱۱- عباس بن عبدالمطلب

عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله سه سال پیش از عام الفیل به دنیا آمد «۲» و در دوازدهم رجب سال ۳۲ ق. در سن ۸۷ سالگی درگذشت. قبر او در مزار بنی‌هاشم، «۳» کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه واقع شده و سنگ قبرش بزرگتر از دیگر قبور می‌باشد. قبر فاطمه بنت اسد در سمت راست او واقع شده و این مکان پیشتر «مسجد بنی‌قباله» بوده است.

۲۰-۱۲- قبور همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و سنگ آن‌ها بعدها در این مکان یافت شده است. غیر از میمونه و خدیجه علیهما السلام، دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در این محل مدفون‌اند که عبارت‌اند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جویریّه، حفصه، صفیّه، زینب و ماریّه قبطیه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارند.

۲۱- صفیّه بنت عبدالمطلب

عمه گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سال بیستم هجرت از دنیا رفت. قبر او در بقیع، نزدیک در ورودی خانه «مغیره بن شعبه» و متصل به دیوار شرقی بقیع بوده است. این قسمت در گذشته از بقیع جدا بوده و به سبب وجود قبر عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۹ به «بقیع العمات» مشهور شده است. قبر صفیه سمت چپ کسی است که از در کنونی وارد قبرستان می‌شود.

۲۲ و ۲۳- عاتکه و جمانه بنت عبدالمطلب

عاتکه یکی دیگر از عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است که همراه خواهرش صفیه، کنار دیوار شرقی مدفون‌اند. گویند جمانه نیز در آن جا به خاک سپرده شده است. «۱»

۲۴- امّ البنین

قبر مادر گرامی ابوالفضل، عباس بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام کنار قبور عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است. لازم به یادآوری است که امّ البنین از همسران فداکار علی علیه السلام و مادری مهربان برای فرزندان فاطمه علیها السلام بوده است. همه فرزندان او، در کربلا و در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند.

۲۵- عقیل بن ابی‌طالب

عقیل برادر امام علی علیه السلام خانه‌ای در وسط بقیع داشت. هنگامی که از دنیا رفت او را در «دار عقیل» مدفون ساختند. بعدها بیشتر بنی‌هاشم نیز کنار او به خاک سپرده شدند. موقعیت آن در سمت چپ قبور همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. در قبرستان باب الصغیر دمشق نیز قبری منسوب به عقیل وجود دارد.

۲۶- عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب

قبر فرزند جعفر طیار، برادرزاده و داماد علی علیه السلام کنار قبر عمویش عقیل واقع است. گویند وی بخشنده‌ترین عرب بوده و در سن نود سالگی؛ یعنی در سال هشتاد هجری در مدینه از دنیا رفت. «۲» در «باب الصغیر» دمشق نیز قبری به او منسوب است که با توجه به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۰ اسناد و قرائن، ایشان در مدینه به خاک سپرده شده‌اند. «۱»

۲۷- محمد بن زید بن علی علیه السلام

محمد بن زید، نواده بزرگوار امام سجّاد علیه السلام، خانه‌ای کنار خانه عقیل داشته است. هنگامی که وی در خانه خود مشغول حفاری بود، به سنگ قبری برخورد کرد که بر آن نوشته بود: «هَذَا قَبْرُ امِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» پس او وصیت کرد همان جا دفنش کنند و چنین کردند.

۲۸- مالک بن انس

مالک بن انس پیشوای مذهب مالکی (متوفای ۱۷۴ ق.) در نزدیکی «خانه عقیل» دفن شده است. قبر وی کمی بالاتر از قبر عقیل و سمت چپ آن قرار دارد.

۲۹- نافع الفقیه

ابو عبدالله نافع الفقیه تابعی، در سال ۱۲۰ ق. در گذشت و او را در مجاورت قبر «مالک بن انس» به خاک سپردند.

۳۰- سفیان بن حارث

وی که یکی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود، در سال بیست هجری وفات یافت و در دار عقیل به خاک سپرده شد. «۲» عقیل نیز وقتی وفات یافت، کنار او دفن شد. در آن هنگام به این مکان «مشهد عقیل» می گفتند.

۳۱- مجروحان احد

برخی از مجروحان نبرد احد، که پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند، در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۱ قبرستان بقیع دفن شدند. این شهدا، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست، در شمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سمت چپ آن، به خاک سپرده شده‌اند.

۳۲- شهدای واقعه حَرّه

در سال ۶۳ هجری به دستور یزید بن معاویه، «مسلم بن عقبه مُزی» برای سرکوبی مردم مدینه، که بر ضد حکومت یزید قیام کرده بودند، عازم این شهر شد و در «حَرّه واقم» «۱» به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود هفت هزار نفر از ساکنان شهر مدینه، که بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، کشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت. «۲» قبور شهدای حَرّه کمی بالاتر از قبور مجروحان احد است.

۳۳- عثمان بن عفان

هنگامی که عثمان به قتل رسید، حامیانش خواستند او را کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دفن کنند لیکن ناراضیان مانع شدند؛ لذا او را به سوی بقیع بردند و در آخر بقیع دفن کردند. «۳» بنی‌امیه دیوار این قسمت را، که دیوار انتهایی بقیع بود، خراب و قبرستان را وسیع کردند. قبر خلیفه سوم تقریباً در نیمه دوم قبرستان واقع شده است. بعضی از پژوهشگران شیعی آن را قبر «عثمان بن مظعون»

دانسته‌اند که به یقین صحت ندارد و نظر اهل سنت، که آن‌جا را مقبره خلیفه سوم می‌دانند، صحیح است و ما در گذشته در مورد مکان قبر عثمان بن مظعون سخن گفتیم.

۳۴- عبدالله بن مسعود

عبدالله بن مسعود در حال احتضار وصیت کرد که او را کنار قبر «عثمان بن مظعون» دفن کنند. «۱» عبدالله بن مسعود از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، فقیه، قاضی، قاری قرآن و از یاران و شیعیان علی علیه السلام بود که در ۳۲ ق. وفات یافت.

۳۵- ابو سعید خدری

او یکی از صحابه گرانقدر پیامبر صلی الله علیه و آله و از شیعیان علی علیه السلام بود. پیش از وفات، همراه فرزندش به بقیع رفت و در آخرین نقطه قبرستان؛ جایی که هیچ کس دفن نشده بود، ایستاد و به فرزندش گفت: هرگاه از دنیا رفتم، این‌جا دفن کنید. «۲» قبر وی در آخرین نقطه شمال شرقی بقیع است.

۳۶- حلیمه سعدیه

مادر رضاعی حضرت محمد، از طایفه «سعد بن بکر» بود. او در آخرین نقطه بقیع؛ شمال شرقی آن و کمی بالاتر از شهدای حرّه و احد- تقریباً رو به روی قبر عثمان بن عفّان- دفن شد. این قبر گنبد بزرگی داشته که پس از سلطه وهابیان تخریب گردید. «۳»

۳۷- اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام

اشاره

قبر فرزند امام صادق علیه السلام در مقابل درِ کنونی بقیع؛ یعنی بیرون آن، قرار داشته است. در سال ۱۳۹۵ ق. در توسعه سعودی، این قبر تخریب و به درون بقیع، در مجاورت قبور شهدای حرّه و احد منتقل شد.

دیگر قبور بقیع

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و ... در بقیع مدفون‌اند. «۱» معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۳۸- سعد بن معاذ. احتمالاً کنار قبر حلیمه سعدیه یا ابو سعید خدری، در آخر بقیع دفن شده است. ۳۹- ابی بن کعب. احتمالاً ایشان در منزل خود، که بعدها به مسجد تبدیل شد، دفن شده‌اند. موقعیت مسجد ابی بن کعب رو به روی قبور ائمه و سمت راست در ورودی بقیع بوده است. ۴۰- مقداد بن اسود ۴۱- خالد بن سعید ۴۲- مالک بن حارث ۴۳- ابوالهیثم التیهان ۴۴- جابر بن عبدالله انصاری ۴۵- خزیمه ذوالشهادتین ۴۶- زید بن حارثه ۴۷- ابودجانة انصاری ۴۸- سعد بن عبادة خزرجی ۴۹- زید بن ارقم ۵۰- حسان بن ثابت ۵۳- ۵۱- حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمان بن عقیل ۵۴- حسن مثنی ۵۵-

زید بن علی بن الحسین علیه السلام ۵۶- جعفر بن حسن علیه السلام ۵۷- خنیس بن حذافه ۵۸- صهیب بن سنان ۵۹- ابو طلحه انصاری ۶۰- اسید بن حُضیر ۶۱- معاذ بن جبل ۶۲- قتاده بن نعمان ۶۳- ارقم بن ابی ارقم ۶۴- مسطح بن اثاثه ۶۵- زید بن ثابت ۶۶- محمد بن مسلمه ۶۷- فرزندان امام باقر علیه السلام ۶۸- فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام ۶۹- نوادگان امام سجاد علیه السلام ۷۰- نوادگان امام صادق علیه السلام ۷۱- فرزندان عباس بن علی علیه السلام ۷۲- سالم، غلام ابو حذیفه «رَجِمَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ دُفِنَ فِي الْبُقِيعِ. اللَّهُمَّ احْشُرْنَا مَعَهُمْ». تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۴ نقشه؟؟؟؟ نقشه قبرستان بقیع

بیت‌الاحزان

فاطمه علیها السلام، دختر گرامی و معصوم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در فراغ پدر بزرگوار خود و ششکوه از اوضاع زمانه، به گفته برخی روایات، در گوشه‌ای از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه روز در منزل خود، در حال گریه و زاری بود. بعضی نزد علی علیه السلام آمده، از آن حضرت خواستند که از فاطمه بخواهد یا شب گریه کند و روز آرام باشد و یا روزها بگرید و شبها آرام گیرد. لذا علی علیه السلام ایشان را با رضایت خود در محلی نزدیک خانه عقیل در بقیع ساکن کرد و این مکان بعدها نام «بیت‌الاحزان» به خود گرفت. در دوران عثمانی، ضریحی کوچک از آهن در این محل قرار داده شد که زائران آن را زیارت کرده و از آن تبرک می‌جستند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضریح را برداشتند.

ب- زیارتگاه شهدای احد

در سال سوم هجری، مشرکان و در رأس آنان، ابوسفیان، برای جبران شکست فاحشی که در جنگ بدر از مسلمانان متحمل شده بودند، به فکر انتقام‌جویی و بسیج نیروها پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگ‌جو، به فرماندهی ابوسفیان، برای نبرد به سوی مدینه روان گشتند. سپاه دشمن در شمال شهر، کنار کوه احد استقرار یافت. این کوه با هفت کیلومتر طول، یکی از طولانی‌ترین و بزرگترین کوه‌های مدینه است که مستقل بوده و به کوه‌های مجاور متصل نیست. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله به رغم این که رویا رویی با سپاه مکه را در خارج از شهر، به مصلحت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۶ نمی‌دانستند، اما به سبب اهمیت قائل شدن برای امر شور و مشورت، نظر فرماندهان سپاه را پذیرفتند. نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتصد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه احد استقرار یافتند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند. در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یا کوه کوچکی است به نام «جبل‌العینین». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مغبر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه پردازند؛ لذا این تپه به «جبل‌الرماء» معروف شد. این عده به رغم تأکید آن حضرت، مبنی بر رها نساختن تنگه؛ چه در حال پیروزی و چه هنگام شکست، به گمان این که کار دشمن تمام شده، به طمع جمع‌آوری غنایم، تنگه را رها کردند. سواران دشمن نیز به فرماندهی خالد بن ولید، که در پی چنین فرصتی بودند، با یک حمله غافل‌گیرانه، از تنگه عبور کرده و از پشت به سپاه اسلام هجوم آوردند. این هجوم حساب‌شده دشمن و غفلت نیروهای محافظ تنگه، سرنوشت سپاه اسلام را تغییر داد و پیروزی آنان را به شکستی دردناک بدل کرد. تپه یاد شده، که همچنان موجود است، رو به رو و سمت جنوب مقبره شهدای احد و کوه احد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند. در این جنگ، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ یعنی

حضرت حمزه سیدالشهدا به همراه پرچمدار اسلام، مُصْعَب بن عُمَیْر، عبدالله بن جحش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبدالله بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صحابه پیامبر خدا. صلی الله علیه و آله پیامبر صلی الله علیه و آله میان انبوه دشمن تنها ماند و جز علی علیه السلام و معدود یاران پایدار و مقاوم وی، که همواره کنار آن حضرت حضور داشتند و شجاعانه از جان ایشان حفاظت می کردند، بقیه صحابه گریختند و به دامنه احد عقب نشینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی علیه السلام ناگزیر ایشان را به سمت احد برد و در شکافی به استراحت پرداختند و جراحات ایشان را مداوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهدا و در دامنه احد است. (تصویر شماره ۸۵) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۷ به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حمزه علیه السلام و دیگر شهدا را، که همه مُثله شده بودند، پس از اقامه نماز، در همان معرکه جنگ و با لباس های خود به خاک سپردند. «۱» عموی گرانقدر رسول الله صلی الله علیه و آله ابتدا به وسیله نیزه وحشی، غلام جبیر بن مطعم، کنار جبل الرماة مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه او، که گوش و بینی اش بریده و سینه اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایستادند «۲» و فرمودند: هرگز چنین مصیبتی به من نرسیده است و تاکنون جایی نایستاده‌ام که از جایگاه کنونی خشمگین تر باشم. «۳» سپس فرمود: جبیرئیل علیه السلام مرا خبر داد که نام حمزه را در آسمان های هفتگانه چنین نوشته‌اند: «حمزة بن عبدالمطلب، اسدالله و اسد رسول». آنگاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آنگاه هفتاد تکبیر بر وی گفتند. سید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند عبدالله بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه علیه السلام بود، همراه آنان به خاک سپرده شد. کسانی نیز گفته‌اند: هیچ کس همراه ایشان در قبر دفن نشد. «۴» بعدها در مکانی که عموی پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، مسجدی ساختند که دیوارهای مخروبه آن، تا دوران سعودی همچنان پا برجا بود. این مسجد که به «المصیرع» شهرت داشت، در تعریض خیابان کنار جبل الرماة تخریب شد. «۵» برخی گویند: دندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این جا شکسته شده است. «۶» قبور این سه بزرگوار رو به رو و شمال تپه جبل الرماة، کمی جلوتر (حدود تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۸ پنجاه متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، گنبد و بارگاه زیبایی وجود داشت که سلطان اشرف قایتبای آن را در سال ۸۹۳ ق. تعمیر کرد و توسعه داد و داخل آن تابوت و ضریحی آهنین نهاد. در دوران سعودی، به اعتراف نویسنده‌ای سعودی؛ یعنی «یاسین الخیاری»، مردم، کنار این مقبره که به «مسجد حمزه علیه السلام» معروف بود، نذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال که آن را خلاف شرع قلمداد می‌کنند گنبد و بارگاه وی را تخریب کرده و قبر دیگر شهدا را با زمین یکسان ساختند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ ق. برای عدم دسترسی زائران، اطراف قبور شهدای احد دیواری کشیدند و آن را محصور کردند. «۱» اکنون این دیوار با دری آهنین مانع تماس و نزدیکی زائران با قبور محترم شهدای احد است. ۱. قبر حضرت حمزه علیه السلام. مصعب بن عمیر. عبدالله بن جحش: مکان اصلی مسجد حمزه که در دوران سعودی تخریب شد. ۲. قبور سایر شهدا. ۳. مسجد احد: حضرت علی علیه السلام: حضرت حمزه علیه السلام [جدید الاحداث]. ۴. پناهگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله هنگام جراحت و عقب نشینی (شکاف باریک در کوه). ۵. مکان مسجد المصیرع: الوادی - مکان شهادت حضرت حمزه علیه السلام که در دوران سعودی تخریب شده است. ۶. مکان مسجد الرماة: مکان استقرار تیراندازان سپاه اسلام، که امروزه بقایای مخروبه و تنها دیواره یک متری آن وجود دارد. ۷. مکان مسجد الفسح: مسجد جبل احد؛ این مسجد در قرون گذشته رو به ویرانی رفته است و اکنون چهار دیواری مخروبه آن دیده می‌شود. ۸. مکان مسجد ثنایا: قبه الثنایا؛ مکانی است که دندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله شکسته شد. ۹. مسجد المستراح: مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از نبرد احد در این مکان به استراحت پرداختند. این مسجد اکنون در کنار مدرسه عمرو بن جموح قرار دارد. ۱۰. مسجد الدرع: البدائع: شیخان؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت به سوی احد، در این مکان نماز عصر، عشا و صبح را اقامه کردند و زره و لباس جنگی خود را

برای این امر در این مکان گذاردند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۹ نقشه تقریبی صحنه نبرد و آثار تاریخی منطقه احد

ج- آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی)

۱. مقبره عبدالله بن عبدالمطلب

پدر گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله در جایی به نام «دار التباغه» در خیابان مناخه رحلت کرد و در همان جا دفن شد. کنار مقبره او مسجدی به همین نام وجود داشت که به روایت ابن شُبّه، پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نماز گزاردند. «۱» جای دقیق آن، رو به روی باب السلام؛ ۳۰۰ متری جنوب غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در خیابان مناخه بوده که پس از تخریب، در ۱۳۵۵ ش، تبدیل به محل توقّف (پارکینگ) ماشین‌های سنگین شد و سرانجام در بازسازی مسجد النبی صلی الله علیه و آله و پیرامون آن، به آن جا ملحق گردید.

۲. مقبره محمد بن عبدالله محض (نفس زکّیه)

محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام مشهور به «محمد نفس زکّیه»، از نوادگان امام دوم شیعیان و از بزرگان و زهاد بنی‌هاشم بود. منصور دوانیقی، پیش از به خلافت رسیدن، در دو نوبت با وی بیعت کرد، اما آنگاه که به خلافت رسید، به تعقیب محمد بن عبدالله محض و برادرش ابراهیم پرداخت و بسیاری از سادات و نوادگان امام علی علیه السلام را به زندان انداخت. در جمادی الآخر ۱۴۵ ق. محمد نفس زکّیه بر ضدّ خلیفه و حکومت عباسی قیام کرد. جمع زیادی از مردم مدینه به او پیوستند و به عنوان «مهدی» با محمد بیعت کردند. محمد نفس زکّیه در این قیام پیروز شد و مدینه و حتی مکه را به تصرف در آورد. منصور، عیسی بن موسی را با چهار هزار نفر برای سرکوبی او فرستاد. وی پس از چندی مدینه را محاصره و در نبردی نابرابر آن نواده بزرگوار امام حسن علیه السلام و یارانش را در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۱ رمضان ۱۴۵ هجری به شهادت رساند. «۱» جنازه وی را در شرق کوه‌های سلع (پشت مساجد سبعة) دفن کردند. این بقعه و آرامگاه، که به محله «استسقاء» معروف بود، در دوران سعودی تخریب گردید.

۳. آرامگاه علی عَرِیضی بن جعفر بن محمد علیه السلام

«عَرِیض» قریه‌ای در شرق مدینه است. چون علی بن جعفر علیه السلام، برادر امام موسی کاظم علیه السلام در آن مکان ساکن بوده، لذا به «علی عَرِیضی» مشهور گشته است. او از زهاد عصر خود بود و ولایت برادر و برادر زادگانش را تا امام دهم بر خود پذیرا شد. نقل کرده‌اند با وجود کثرت سن، ارادت خاصی نسبت به امام جواد علیه السلام داشته است. علی بن جعفر از پدر، برادر و از پسر برادرش امام رضا علیه السلام روایت می‌کرده است. مقبره وی سمت فرودگاه مدینه در شش کیلومتری مسجد النبی صلی الله علیه و آله قرار داشت. گنبد و بارگاه وی تا سال‌ها پیش موجود بود و در دهه گذشته گنبد و مقبره تخریب و مسجدی نیز که به نام وی در آن منطقه ساخته بودند، متأسفانه در ۱۳۸۲ ش. به‌طور کلی تخریب گردید. اکنون بقایای سنگ‌های قدیمی مسجد در اطراف انباشته شده است. (تصویرهای شماره ۸۶-۸۷)

۴. مقبره عبدالله بن عباس در طائف

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، پسر عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله مفسر، فقیه، محدث و مشهور به «حَبْرُ امَّت» در طائف وفات یافت و در آنجا دفن شد. گنبد و بارگاه عالی به رنگ سفید با ضریحی بر قبر او قرار داشت که در دوران سعودی تخریب و قبر وی با زمین یکسان شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۲ نقشه جدید آثار تاریخی مدینه النبی صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۳-۱- مسجد شریف نبوی این تمهید خ رضی الله عنهم د فهرس یک صدق الله العظیم الله اکبر ون و د فهرس یک صفحه تمهید ی الحمد لله ید؟؟؟-۲- مسجد قبا در شارع قبا ۳- مسجد ذو قبلتین در شارع سلطانیه ۴- مسجد فتح: احزاب ۵- مسجد سلمان فارسی ۶- مسجد ابی بکر ۷- مسجد عمر بن خطاب ۸- مسجد فاطمه علیها السلام ۹- مسجد علی بن ابی طالب علیه السلام ۱۰- مسجد جمعه: بنی سالم در شارع قبا ۱۱- مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده ۱۲- مسجد سقیا میدان عنبریه ۱۳- مسجد غمامه: مصلی اعیاد ۱۴- مسجد ابی بکر: مصلی اعیاد ۱۵- مسجد علی علیه السلام: مصلی اعیاد ۱۶- مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد ۱۷- مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی ۱۸- مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر ۱۹- مسجد بنی ساعده و سقیفه بنی ساعده ۲۰- بقیع الغرقد ۲۱- مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام ۲۲- قبر ابی سعید خدری در پایان بقیع ۲۳- مقبره محمد نفس زکیه نوه امام حسن ۲۴- مقبره حمزه و شهدای احد ۲۵- چاه قضاعه- تخریب شده است. ۲۶- چاه حاء- تخریب شده است. ۲۷- چاه بصه- تخریب شده است. ۲۸- چاه اریس- تخریب شده است. ۲۹- چاه سقیا- تخریب شده است. ۳۰- هیأت امر به معروف ۳۱- محکمه شرعی ۳۲- کتابخانه عمومی مدینه ۳۳- جبل الرایه- مسجد ذباب ۳۴- میدان عنبریه

فصل ششم: کوهها، وادیها و ثنایای مدینه النبی صلی الله علیه و آله

الف- کوهها

۱. احد

از کوه‌های مشهور و مهم مدینه، کوه احد است که در شمال شرقی شهر و چهار کیلومتری مسجد النبی صلی الله علیه و آله قرار دارد. چون این کوه از میان کوه‌های پیرامون مدینه، تنها کوه جدا و مستقل است، آن را «الْحُد» نامیده‌اند. «۱» این کوه با هفت کیلومتر طول (از شرق به غرب) طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره است که قلّه‌های بزرگی داشته و رنگ آن به قرمز متمایل و عرض آن نیز میان ۱ تا ۳ کیلومتر است. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر فاصله دارد و در مجموع ۱۹ کیلومتر مربع مساحت آن است. گویند بالای این کوه نقره‌های طبیعی یافت می‌شود که برای حفظ آب‌های جاری در آن پدید آمده است. از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضل و اهمیت این کوه احادیث فراوانی نقل شده است. از جمله: «کوه احد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۸ در روایتی دیگر، از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.» همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کوه احد دری است از درهای بهشت و کوه غیر ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم، چون دری است از درهای جهنم.» «۱» قبر و قبه هارون، برادر موسی علیه السلام، بر فراز کوه واقع شده که گویند وی هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و دفن شده است. «۲» از غزوات مهم پیامبر صلی الله علیه و آله به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احد پناهگاه مهمی برای لشکریان اسلام و به‌ویژه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. در دامنه آن، یعنی شمال مقابر شهدای احد، شکاف کوچکی است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله به هنگام جراحت در جنگ احد توسط حضرت علی علیه السلام به این شکاف برده شدند و در آنجا زخم‌های ایشان مداوا شد. این مکان قابل دیدن است. امروزه از طریق بزرگراه فهد بن عبدالعزیز می‌توان به کوه احد و مزار شهدا رفت، که البته از شارع سید الشهداء نیز می‌توان به آنجا راه یافت.

۲. جبل عَیْنین: الرُّمَاءُ

کوه کوچکی است در جنوب قبور شهدای احد، در کنار وادی قنات، به صورت مستقل و در فاصله تقریباً یک کیلومتری کوه احد. به طول ۱۷۵ و به عرض ۵۵ متر، با ارتفاع ۲۰ متر و مساحت ۳۸۰ مترمربع. در نبرد مهم احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ چنانکه پیشتر گفتیم «۳» پیامبر صلی الله علیه و آله برای این که نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه نفر از تیراندازان را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این کوه گمارد تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل الرُّمَاءُ» معروف شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۹ در شرق این تپه، به یاد محلّ قتل حضرت حمزه علیه السلام مسجدی ساختند و آن را «مسجد المَصْرَع» نامیدند. در بالای این تپه؛ یعنی در آخرین نقطه آن، در سال‌های گذشته آثار و پایه‌های مسجدی به طول و عرض دوازده متر دیده می‌شد. این جا محل تیراندازان و «مسجد جبل الرَّمَاءُ یا جبل عینین» بوده است. در طول قرون متمادی، بر روی این تپه خانه‌هایی ساخته شده و به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگتر و بیشتر بوده است. (تصویر شماره ۸۸)

۳. سَلْع

این کوه نیز یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سلع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید. در دامنه آن، قبیله بنی حرام می‌زیستند. در صخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه بر دامنه این کوه ساخته شده است.

۴. سَلِیع

کوه کوچکی در جنوب کوه سلع است که به آن «عثث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود. «۱» بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مدینه بوده که اکنون نیز آثار این قلعه و برج بر جای مانده است. موقعیت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز» (سمت باب السِّلام) است و به سبب احداث بناها و برج‌های بزرگ، تنها بخشی از آن دیده می‌شود.

۵. عَیْر

کوه بزرگی به نام «عَیْر» در جنوب مدینه - شرق «وادی عقیق» - و نزدیک «مسجد شجره» است. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که «کوه عَیْر» یکی از درهای جهنم است؛ این کوه بر ما خشمگین است و ما نیز بر آن. «۱» «عَیْر» در لغت به معنای «خَرِ چموش و وحشی» است. «۲» این خر از آن «مویلع» کافر بوده که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است. «۳»

۶. ثَوْر

کوه کوچک و سرخی است در پشت کوه احد، در شمال مدینه. پیامبر صلی الله علیه و آله میان «عیر» تا «ثور» را حرم (مدینه) قرار داد. «۴»

۷. ذباب «۵»

این کوه در مشرق کوه سلع (مساجد سبعة) است و مسجد الزّایه یا مسجد ذباب بر فراز آن است. «ذباب» نام پرنده و یا سمت برنده شمشیر است و در بعضی از جاها به معنای زنبور عسل نیز آمده است. برخی گویند نام کسی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده شد. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی را بر آن استوار ساخت.

۸. کوه‌های جِماوات الثّلاثه

این کوه‌ها عبارت‌اند از: جماء تضارع، جماء امّ خالد و جماء العاقر. در «جماء امّ خالد» قبر یکی از رسولان عیسی، به نام اسود بن سواد است. ابن شَبّه نیز کتیبه‌ای به این تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۱ عبارت بر آن دیده است: «من رسول پیامبر خدا عیسی بن مریم بر مردم این قریه بوده‌ام». «۱» لشکریان قریش از «جماء عاقر» نیز برای جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله در احد ساماندهی و آماده شده‌اند.

ب- وادی‌ها «۲»

۱. عقیق

این وادی به سه بخش «صغیر»، «کبیر» و «اکبر» تقسیم شده است. «۳» قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی علیه السلام بوده که ۲۳ چاه در آن کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ایبار» یا «آبار علی» معروف است. این سه وادی در ابتدا به اقطاع بلال بن حارث المزنی در آمد و پس از وی، به دست ابو بکر و عمر افتاد. از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را مبارک خوانده‌اند. «۴» از ایشان نقل شده است که جبرئیل علیه السلام در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نماز بگذار. «۵» گفتنی است آب این وادی از طائف سرازیر شده و سپس از سمت غربی مدینه می‌گذرد. بنابراین، طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است. «۶» به سبب آب این وادی، مناطق پیرامونی آن حاصل‌خیز و دارای آب و هوایی خوب هستند. قصر عروه بن زبیر، سعید بن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۲. بَطْحان «۱»

این وادی به «ابی حیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک «مسجد فتح» یا مساجد سبعة بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است». «۲»

۳. رَأُوناء

مسجد جمعه که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است.

وادی‌های دیگر مدینه عبارت‌اند از: ۴- وادی مُذَنَّب، در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی‌نضیر. ۵- وادی مَهْزُور، در شرق مدینه و محل سکونت بنی‌قریظه. ۶- وادی قنّاء، در منطقه احد و کنار تپه جبل الرماء و قبور شهدای احد. برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

ج- ثنیه‌ها «۳»

۱. ثنیه الوداع

این ثنیه در خارج باب شامی؛ میان «مسجد الرّایه» «۴» و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۳ است که از تونل زیرگذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تا آنجا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثنیه‌الرکاب» شهرت داشته «۱» و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آنجا اردو زده و به ساماندهی سپاه پرداختند. «ثنیه الوداع» مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیبر، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در این ثنیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز به نام ثنیه‌الوداع در این مکان ساختند که در سال ۱۴۰۶ ق. در توسعه خیابان تخریب شد.

۲. العثث

این ثنیه بر کوهی به نام «عثث» میان کوه «سُلَیج» و کوه «سَلع» در مدینه قرار داشته و به سُلَیج نزدیکتر بوده است. «۲»

۳. ثنیه الشرید

ثنیه الشرید در شرق کوه عیر و آخرین نقطه و خط هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. گفتنی است، از این ثنیه‌ها هیچ آثار و نشانی وجود ندارد.

د- حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی پیرامون شهرها می‌ساختند و بیشتر در پشت این دیوارها خندقی می‌کنند تا دشمن نتواند به راحتی وارد شهر شود. پیرامون مدینه یا یثرب نیز دیواری مرتفع ساخته و در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرای شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمود عثمانی، در سال ۱۱۶۲ ق. این دیوار را تعمیر و ارتفاع آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۳۰۵ ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۴ ناحیه «باب العنبریه» بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمیدی» نامید. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند؛ از جمله: ۱- باب الشامی (در شرق قلعه شامی) ۲- باب المجیدی (کنار حرم مطهر) ۳- باب الجمعه یا باب البقیع (پشت بقیع) ۴- باب المصری ۵- باب الحمام ۶- باب صبری پاشا. دیوار و حصار خارجی شهر از «باب العوالی» تا «باب قبا» امتداد یافته و از «باب العنبریه» نیز به سوی «السّیح» تا «باب الکومه» و از شرق به «باب الصدقات» متصل می‌شد. دروازه‌های این حصار عبارت بودند از: ۱- باب العوالی (متصل به دیوار جنوبی بقیع) ۲- باب قبا (نزدیک مسجد عمر بن خطاب) ۳-

باب العنبریه (وردی غرب شهر) ۴- باب الکومه یا باب الجبل (غرب قلعه شامی) ۵- باب الصّدقات (در شرق شهر). «۱» پس از توسعه مدینه، این حصار و نیز دروازه‌ها برداشته شده است. (تصویر شماره ۸۹)

فصل هفتم: مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه النبی صلی الله علیه و آله

۱- مسجد شجره: ذو الحلیفه (آبار علی علیه السلام)

این مسجد، که امروزه به نامهای «شجره»؛ «ذوالحلیفه» و «ایبار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است: الف- شجره؛ از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا، کنار درختی به نام «سَیْمَرَه» فرود آمد و احرام بست. «۱» ب- احرام؛ به سبب آن که حاجیان برای تشریف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند. ج- ذوالحلیفه؛ «حلیفه» نام آبی است میان دو قبیله قریش، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند. «۲» د- ایبار علی علیه السلام: از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی علیه السلام برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کردند و ایبار نیز اسم جمع «بئر» یعنی چاه است. فیروز آبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده، گوید: این مسجد جز به نام تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۸ «ایبار علی علیه السلام» شناخته نیست. «۱» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه بار در این مکان مُحرم شده‌اند: ۱. هنگام صلح حدیبیه (سال ششم هجری) ۲. عمره ناشده (سال هفتم هجری) - ۳. حَجَّهٗ الْوَدَاع (سال دهم هجری). «۲» زین الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و در پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی همچنان پا بر جا بود. طول این مسجد، از جنوب تا شمال، ۵۲ ذراع (۲۵/۶۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است. «۳» در دوران فهد بن عبدالعزیز بگونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۸۸۰۰۰ مترمربع رسیده که ۵۰۰۰ نمازگزار در آن جای می‌گیرند. (تصویرهای شماره ۹۰-۹۱)

۲- مسجد مَعْرَس

مَعْرَس به معنای محل خواب صبحگاهی است. پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر در راه انجام عمره، واجب و یا پس از بازگشت از غزوات، در این مکان استراحت می‌کردند. «۴» به مرور زمان بقایای این مسجد رو به ویرانی گذاشت و جز چند تکه سنگ چیده شده بر روی هم، اثری از آن نماند. اکنون مکان آن، در پشت مسجد شجره، به فاصله یکصد متری، صاف و تنها درختی علامت آن است.

۳- مسجد سَرِف

این مسجد که میان راه مکه و وادی مهزور واقع است، محلّ وفات و دفن «میمونه»، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۹ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در سال ۳۹ ق. است. سمهودی آن مسجد و قبر را زیارت کرده است. «۱» سَرِف اردوگاهی نیز برای لشکریان اسلام بوده است که عمدتاً پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه‌های خارج مدینه، همراه لشکریان در این جا اردو می‌زده‌اند.

۴- مسجد علی عَرِیضی

در «عَرِیض» «۲» کنار مقبره علی عریضی، فرزند بزرگوار امام صادق علیه السلام، مسجدی قرار داشته که به «علی عریضی» مشهور

بوده است. این مسجد که در شش کیلومتری جاده فرودگاه مدینه در دنباله شرقی کوه احد، در محله مشهور «عریض» موجود بود، در سال ۱۳۸۲ ش. تخریب شد.

۵- منطقه فدک

فدک از مناطق بسیار حاصلخیز بوده که به یهودیان تعلق داشته است. هنگامی که غزوه خیبر رخ داد، یهودیان فدک، که از شکست هم‌کیشان خود در این جنگ آگاهی یافتند، نماینده‌ای نزد رسول الله صلی الله علیه و آله فرستادند و از او امان خواستند. آن حضرت نیز محیصه بن حرام را فرستاد و فدک را از آنان گرفت. طی قراردادی که بسته شد، نیمی از فدک جزو اموال خاص پیامبر صلی الله علیه و آله شد و نیمی دیگر به مسلمانان واگذار گردید. (۳) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فدک را به فاطمه علیها السلام واگذار کرد. (۴) امام علی علیه السلام گوید: در زیر این آسمان، تنها فدک به ما تعلق داشت که آن را از ما تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۰ دریغ کردند. (۱) فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیبر حدود ده کیلومتر فاصله دارد. امروزه این سرزمین، بسیار حاصلخیز و آباد است و آب‌های گوارای آن بسته‌بندی شده و در سرتاسر عربستان عرضه می‌شود. براین بطری‌ها این عبارت دیده می‌شود: «ماء لوادی فاطمه علیها السلام». (تصویر شماره ۹۲)

۶- منطقه خیبر

در زبان یهود، «خیبر» به معنای حصن و قلعه بوده و جمع آن «خیابر» است. برخی گویند: این اسم برای منطقه خیبر، از نام «خیبر بن قانیة بن مهلائیل بن ارم» گرفته شده است. (۲) غزوه معروف خیبر، در سال هفتم هجرت، در این منطقه رخ داد و پیامبر صلی الله علیه و آله قلعه‌های آن منطقه را، که هفت قلعه بود، یکی پس از دیگری فتح کردند. در این غزوه، یهودیان تمامی اموال و مزارع خود را رها کرده و از مدینه تبعید شدند. (۳) هنگامی که عمر به خلافت رسید، باقی‌مانده یهود را از خیبر به شام تبعید و منطقه را میان مسلمانان و نیز همسران پیامبر صلی الله علیه و آله تقسیم کرد. خیبر در ۱۲۰ کیلومتری جنوب مدینه واقع شده و تا فدک ده کیلومتر فاصله دارد. (تصویر شماره ۹۳)

۷- زیارتگاه ینبوع

ینبوع یا ینبوع در غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۳ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آن‌جا که این قریه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۱ چشمه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است. (۱) هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله غنایم جنگی را میان مجاهدان تقسیم می‌کردند. این مکان سهم علی علیه السلام شد و آن حضرت با کندن چاه‌هایی به ایجاد نخلستان پرداخته و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر صلی الله علیه و آله در مکان آن نماز گزارده بودند. (۲) امروزه در ینبوع، که یکی از زیارتگاه‌های مهم و فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل‌القدر به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارت‌اند از: ۱. عمر الاطرف، آخرین فرزند امام علی علیه السلام و فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است. ۲- علی اصغر، کوچک‌ترین فرزند امام سجاد علیه السلام. ۳- احمد بن علی بن علی بن محمد بن عون بن محمد حنفیه. ۴- داوود بن محمد بن عبدالله بن عبیدالله بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی علیه السلام که در زمان اخضر، علیه جور و ستم او قیام کرد و به دست ادریس بن موسی در این مکان به قتل رسید و مدفون شد. (۳) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۲ نقشه جدید مدینه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۳

منابع و مآخذ

الف) عربی

۱. آلبانی، محمد ناصرالدین صحیح سنن نسائی، ریاض، زهیرالشادیش، المكتبة التریة العربی لدول الخلیج: چاپ اول ۱۴۰۹ ۲. ابن ابی شیبہ، حافظ عبداللہ بن محمد (م ۲۳۵)، المصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید محمدللحم، بیروت: دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۹ ق ۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (۶۵۵-۵۸۶ هـ). شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴. ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدین ابی الحسن (م ۶۳۰ هـ)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۹۵۶ ق ۵. ابن اثیر جزری، مجد الدین ابی السعادات (۶۰۶-۵۵۴ هـ)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد الرادی. محمود محمد الطناحی، بیروت: مکتبه العلمیه [بی تا] ۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: موسوی الخراسانی، نجف: چاپ چهارم ۱۳۷۷ ق. ۷. ابن بطوطه، ابو عبداللہ محمد بن ابراهیم (۷۵۶-۶۸۳ ق.)، رحله ابن بطوطه، بیروت: دار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۴ بیروت- دار صادر ۱۳۷۹ ق. ۸. ابن جبیر، ابی الحسن محمد، رساله اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک، معروف به «الرحله ابن جبیر»، بیروت: دار مکتبه الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م. ۹. ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قز اوغلی سبط (۶۵۴-۵۸۲ هـ)، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، فی هامشه مطالب السئول، محمد بن طلحه نصیبی شافعی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش. ۱۰. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمیز الصحابه، مصر: مصطفى محمد، ۱۳۵۸ ق. ۱۱. همو، تهذیب التهذیب، هند: مجلس دائره المعارف النظامیه، حیدرآباد دکن ۱۳۲۵ ق. ۱۲. همو، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، التزام، عبدالرحمان محمد، بیروت: دار احیاء، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. ۱۳. همو، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمائیة، مکة المکرمه، دار ابن باز [بی تا]. ۱۴. ابن حجر هیتمی، شهاب الدین (۹۷۴-۹۰۹ هـ)، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، مصر: مطبعة الیمینیه، احمد البابی الحلبي، چاپ سنگی ۱۳۱۲ ق. ۱۵. همو، تحفه الزوار الی قبر النبّی المختار، تحقیق: سید ابو عمه، مصر: دارالصحاب للتراث بطنطا، چاپ اول ۱۴۱۲ ق. ۱۶. ابن حجر هیتمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۸۷۵ هـ)، موارد الظمان الی زوائد ابن حبان، حقه و نشره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا]. ۱۷. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن یعید، المَحَلّی بالآثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی بیروت: دار الکتب ۱۴۰۸ ق. ۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ هـ)، المسند، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعة و النشر، چاپ دوم ۱۳۶۸ ق. ۱۹. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر (م ۳۶۹ هـ)، اخلاق النبّی (ص)، دراسة و تحقیق سید الحمیلی، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۹ ق. ۲۰. ابن خردادبه، ابی القاسم عییداللہ بن عبداللہ، المسالک و الممالک، وضع مقدمته و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۵ هوامشه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق. ۲۱. ابن خلدون، ابو زید عبدالرحمن بن محمد (۷۳۴-۸۰۸ هـ)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت: دار الکتب ۱۹۵۶ م. ۲۲. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، تصحیح و ستنفد، لیدن: ای جی بریل ۱۸۹۱ م. ۲۳. ابن رشید فهری البستی، ابی عبداللہ محمد بن عمر، ملء العیبه بما جُمع بطول العیبه فی الوجهة الوجیهة الی الحرمین مکة و طیبه، تحقیق: محمد الحیب بن الخوجه، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۲۴. ابن سلیمان، محمد بن محمد، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، قبرس: بنک فیصل الاسلامی ۱۴۰۵ ق. ۲۵. ابن شبه النمیری البصری، ابوزید عمر (۱۷۳-۲۶۲ هـ)، تاریخ المدینة المنورة، حقه فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، چاپ اول ۱۴۱۰ ق. ۲۶. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین (م ۵۸۸ هـ)، المناقب الائمه: المناقب آل ابی طالب، قم: مطبعة العلمیه [بی تا]. ۲۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد المغربي المالکی (م ۸۵۵ هـ)، الفصول المهمة فی

معرفه احوال الاثمه، نجف: مکتبه الحیدریه، چاپ سوم ۱۳۸۱ ق. ۲۸. ابن ظهیرة المخزومی القرشی، جمال الدین محمد جارالله بن محمد، الجامع اللطیف فی فضل مکة و اهلها و بناء البيت الشریف، بیروت: المکتبه الشعیبه، چاپ پنجم ۱۳۹۹ ق. ۲۹. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله نمری قرطبی اشعری (۳۶۸ هـ. ۴۶۰)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، مصر: مطبعة مصطفى ۱۳۵۸ ق. ۳۰. ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد (م ۳۲۸ هـ.)، العقد الفرید، تحقیق عبدالمجید استرحتی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق. ۳۱. ابن علان شافعی الاشعری الملکی، محمد بن علان (م ۱۰۵۷ هـ.)، دلیل الفالحین لطرق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۶ ریاض الصالحین، تصحیح و تعلیق محمود حسن ربیع، مصر: مصطفى البابی الحلبي [بی تا]. ۳۲. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم (۲۷۶-۳۱۳ هـ.)، المعارف، حقه و قدم له ثروت عکاشه، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۹۶۹ م. ۳۳. همو، الامامة والسیاسة، (منسوب به ابن قتیبه)، قم: منشورات الشریف الرضی و مصر: مصطفى البابی الحلبي، چاپ دوم ۱۳۷۷ ق. ۳۴. همو، تأویل مختلف الحدیث، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه ۱۴۰۸ ق. ۳۵. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، فهرسه محمد ادیب الجاور، بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۱۲ ق. و تحقیق محمد حامد الفقی، قاهره: مطبعة السنة المحمدیه ۱۳۷۳ ق. ۳۶. ابن کثیر القرشی دمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۷۰۰-۷۷۴ هـ.)، البدايه و النهاية فی التاريخ، مصر: مطبعة السعادة ۱۳۵۱ ق. و بیروت ۱۴۰۹ ق. ۳۷. ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید، السنن، به اهتمام محمد فؤاد عبدالباقي و محمد الاعظمی، ریاض ۱۳۰۴ ق. ۳۸. ابن منظور، امام علامه، لسان العرب، تحقیق علی سیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۳۹. ابن موسی، علی، رساله فی وصف المدینه المنوره، فی ذیل رسائل فی تاریخ المدینه، جمعها و قدم لها حمد الجاسر، ریاض: منشورات دارالیمامه ۱۳۹۳ ق. ۴۰. ابن نجار، امام حافظ بن محمود، اخبار مدینه الرسول، المعروف بالدرة الثمینه- تحقیق صالح محمد جمال، مکه المکرمه: مکتبه الثقافه، چاپ سوم ۱۴۰۱ ق. ۴۱. ابن وردی، زین الدین عمر بن مظفر (م ۷۴۹)، تاریخ ابن وردی، نجف: المطبعة الحیدریه، چاپ دوم ۱۳۸۹ ق. ۴۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری (۲۱۸ هـ.)، السیره النبویه، تحقیق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۷ محی الدین عبدالمجید، قاهره ۱۳۵۶ ق. و تحقیق مصطفى السقاء و دیگران، بیروت: دار الوفاق ۱۳۵۵ ق. ۴۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. ۴۴. همو، الاغانی، تحقیق سید جابر، مکه مکرمه: دار ابن باز [بی تا]. ۴۵. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (م ۴۳۰ هـ.)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر: مکتبه الخانجی و مطبعة السعادة ۱۳۵۱ ق. دار الکتب العربیه، بیروت: چاپ دوم ۱۳۸۷ ق. ۴۶. امینی، عبدالحسین (۱۲۸۱-۱۳۴۹)، الغدير فی کتاب والسنة و الادب، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم ۱۳۴۶ ق. ۴۷. باسلامه، حسین بن عبدالله، تاریخ عمارة المسجد الحرام بما احتوی من مقام ابراهیم و بئر زمزم و المنبر و غیر ذلك، جده: تهامه، چاپ دوم ۱۴۰۰ ق. ۴۸. بحرانی، هاشم بن سعید بن سلیمان (۶۹۵ هـ.)، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تهران: معارف اسلامی [بی تا]. ۴۹. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزبه الجعفی، صحیح البخاری، مصر: نشر احیاء کتب السنه، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق. ۵۰. بکدش، سائد، فضل ماء زمزم و ذکر تاریخه و اسمائه، مکه: المکتبه المکیه ۱۴۱۳ ق. ۵۱. البکری الشافعی الاشعری المصری، محمد بن عبدالرحمن، الدرّة المکّلة فی فتح مکه المشرفة المُبجّله، مقدمه و تصحیح محمد حجازی، مصر: مکتبه الثقافیه الدینیّه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق. ۵۲. بکری، احمد موسی و دیگران، جغرافیه المملکه العربیه السعودیه، ریاض: وزارت المعارف ۱۳۹۴ ق. ۵۳. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (ف ۲۷۹)، انساب الاشراف، حقه محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۹۷۴ م. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۸ ۵۴. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (م ۴۴۰)، الآثار الباقیه عن القرون الخالیة، بغداد: مکتبه المثنی [بی تا]. ۵۵. بیضون، ابراهیم، زکار، سهیل، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، بیروت: دارالفکر چاپ اول ۱۳۹۴ ق. ۵۶. بن سلام، احمد سعید، المدینه المنوره فی القرن الرابع عشر الهجری، مدینه: ۱۴۱۴ ق. ۵۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۳۸۴-۴۵۸)، دلائل النبوة، بیروت: [بی تا] بی ت و

ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: علمی فرهنگی ۱۳۶۱ ش. ۵۸. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۶۰-۲۵۵)، العثمائیة، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالجلیل، چاپ اول ۱۴۰۱ ق. ۵۹. جندی المکی، ابی سعید المفضل بن محمد (م ۳۰۷)، فضائل المدینه، تصحیح محمد مطیع الحافظ، غزوه بدیر، دمشق: دار الفکر، چاپ اول ۱۴۰۵ ق. ۶۰. جواد علی، المفضیل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین ۱۹۶۸ م. ۶۱. حاکم حسکانی نیشابوری، عبیدالله (سده پنجم)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حققه شیخ محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۳۹۳ ق. ۶۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم ۱۴۰ ق. ۶۳. خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر احمد بن علی (۳۹۲-۴۶۳ هـ)، تاریخ البغداد او المدینه السلام، مصر: مطبعه السعاده ۱۳۴۹ ق. ۶۴. خفاجی، محمد عبدالمنعم، سیره خاتم المرسلین، بیروت: دار الجیل، چاپ اول ۱۴۱۱ ق. ۶۵. الخیاری، احمد یاسین احمد، تاریخ معالم المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً، تحقیق: عبیدالله محمد امین کردی، مدینه: دارالعلم چاپ اول ۱۴۱۰ ق. ۶۶. دائره المعارف الاسلامیه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۹ تهران: جهان، بوذر جمهری [بی تا]. ۶۷. دائره المعارف الشیعیه، حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم ۱۳۹۳ ق. ۶۸. دیار بکری حسن بن محمد بن الحسن (ف ۹۶۶)، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النّیس، بیروت: مؤسسه شعبان للنشر و التوزیع [بی تا]. ۶۹. دیلمی، ابن محمد الحسن بن الحسن محمد، ارشاد القلوب فی فضائل علی (ع)، نجف: مکتبه العلمیه ۱۳۷۰ ق. ۷۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸)، تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام، عن نسخه دارالکتب المصریه، کویت: ۱۹۶۱ م. ۷۱. رازی، ابی محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادیس (۲۴۰-۳۲۷ م)، علل الحدیث، مقدمه محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفه ۱۴۰۵ ق. ۷۲. رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۲۴ ق.)، مرآة الحرمین او الرحلات الحجازیة و الحج و مشاعرة الدینیه، مصر: دارالکتب المصریه ۱۳۴۴ ق. ۷۳. زبیدی، محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصطفی حجازی، بیروت: دارالهدایه ۱۳۹۳ ق. ۷۴. زبعلی الحنفی، جمال الدین ابی محمد عبدالله بن یوسف (م ۷۶۲)، نصب الرایة لاحادیث الهدایه، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق. ۷۵. سعدی المقدسی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد بن احمد (۵۶۹ هـ)، فضائل الاعمال، قاهره: دار الفداء العربی [بی تا]. ۷۶. سهیلی، عبدالرحمان (۵۰۱-۵۸۱ ق.)، الروض الانف فی شرح السیره النبویه، تحقیق، عبدالرحمان الوکیل، قاهره: دارالکتب الحدیثه ۱۳۸۷ ق. ۷۷. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد (م ۹۱۱)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، حققه و فضله محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، قاهره: مطبعه السعاده ۱۳۷۴ ق. ۷۸. همو، الوفاء بما يجب بحضرة المصطفی، فی رسائل تاریخ المدینه، حمد الجاسر، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۰ ریاض: دار الیمامه ۱۳۹۳ ق. ۷۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر (م ۹۱۱)، لباب النقول فی اسباب النزول، تصحیح احمد عبدالشافی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا]. ۸۰. الشامی، صالح الاحمد، اهل الصفه بعيداً عن الوهم و الخیال، بیروت: دار اعتصام. ۱۴۰۷ ق. ۸۱. شریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی (۳۵۵-۴۳۶)، الامالی: غرر الفوائد و درر القلائد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: داراحیاء الکتب العربی، عیسی البابی ۱۳۷۳ ق. ۸۲. الصاعدی، سعود بن عبدالمحیی و مطرالمحمدی، احد- الآثار، المعرکه، التحقیقات، مدینه: دارالمجتمع ۱۴۱۳ ق. ۸۳. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث چاپ دوم ۱۳۹۱ ق. ۸۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (سده ۶)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، محمد حسین خلف، رمضانعلی کاشانی، ایران: چاپ سنگی، دارالطباعه ۱۳۰۲ ش. ۸۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴-۳۱۰ هـ)، الرسل و الملوک: تاریخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. و مصر: مطبعه الاستقامه ۱۳۵۷ ق. ۸۶. همو، تهذیب الآثار، مسند عمر بن خطاب، السفر الثانی، اخرج احادیثه محمد محمود شاکر، قاهره: المؤسسه السعودیه [بی تا]. ۸۷. طبری، حافظ ابی العباس احمد بن عبدالله محب الدین (۶۱۵ ق.)، القری لقاصد ام القری، تحقیق مصطفی السقاء، بیروت: دارالفکر چاپ دوم ۱۴۰۳ ق. ۸۸. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد (۱۰۸۵ هـ)، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تحقیق: احمد الحسینی، تهران: مرتضوی

- ۱۳۶۲ ش. ۸۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة شیخ مفید، تحقیق موسوی الخراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۵ ش. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۱. ۹۰. عبدالغنی، محمد الیاس، بیوت الصحابة حول المسجد النبوی الشریف، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ۱۴۱۲ ق. ۹۱. تاریخ مکه المکرمة قديماً وحديثاً، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ۱۴۲۲ ق. ۹۲. همو، تاریخ المسجد النبوی الشریف، المدینة المنورة، مطابع الرشید، ۱۴۲۴ ق. ۹۳. العاملي، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم: ۱۴۰۳ ق. ۹۴. عساف، احمد محمد، خلاصة الاثر فی سیره سيد البشر، بیروت: دار احیاء العلوم، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۹۵. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق. ۹۶. فاسی المکی المالکی، ابی الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی (۷۷۵-۸۲۳ هـ)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، حققه عمر عبدالسلام تدمری- بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول ۱۴۰۵ ق. ۹۷. فاکهی، ابی عبدالله، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قديم الدهر و حديثه، تحقیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه: مکتبه النهضة الحديثه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق. ۹۸. فروخ، عمر، تاریخ صدر الاسلام و الدولة الامویة، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول ۱۹۷۰ م. ۹۹. فیروزآبادی، مجدالدین ابوظاهر محمد بن یعقوب (۷۲۹-۸۱۷ هـ)، المغانم المطابفة فی معالم طابفة، تحقیق حمد الجاسر، ریاض: دارالیمامه ۱۳۸۹ ق. ۱۰۰. کاندهلوی، محمد یوسف، حیاة الصحابه، بیروت: دارالمعرفه [بی تا]. ۱۰۱. کلبی، هشام بن سائب، الاصنام، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: ۱۹۲۵ م. ۱۰۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۸)، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. گنجی شافعی، ابو عبدالله محمد بن یوسف (ف ۶۵۸)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، تحشیه طباطبائی [بی م. بی ن. بی ت. ۱۰۴. لیب البتوننی، محمد، الرحلة الحجازیة، عباس حلمی پاشا الثانی خدیو مصر، قاهره: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۲ مکتبه الثقافیة الدینیة [بی تا]. ۱۰۵. العاملي، محسن الامین، مفتاح الجنات فی الادعية و الاعمال و الصیلمات و الزیارات، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ اول [بی تا]. ۱۰۶. متقی الهندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ق. ۱۰۷. مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۱ هـ)، بحار الانوار، نهض مشروحه سید جواد العلوی و محمد الاخوندی، تهران: ۱۳۸۸ ق. ۱۰۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی (ف ۳۴۵ هـ)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مصر: مطبعة البهیة المصریة، ادارة الملتزم ۱۳۴۶ ق؛ لبنان، دارالقلم ۱۴۰۸ ق. ۱۰۹. همو، التنبیه و الاشراف، بیروت: مکتبه خیاط ۱۹۶۵ م. ۱۱۰. مسلم، امام محمد، الصحیح، بشرح الامام النووی، بیروت: دارالفکر [بی تا]. ۱۱۱. مصعب زبیری، ابی عبدالله مصعب، کتاب نسب قریش، تحقیق لیوی بردینسال، مصر، دار المعارف، [بی تا]. ۱۱۲. مفید، محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳ هـ)، الارشاد، صححه و اخرجه سید کاظم الموسوی المیاموی، شیخ محمد الآخوندی، بیروت: دارالکتب اسلامیه ۱۳۷۷ ق. ۱۱۳. مقدسی، طاهر بن مطهر (م ۱۰۱۰ هـ)، البدء و التاریخ، پاریس: تحت اشراف کلیمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م؛ ایران: مکتبه الاسلامیه ۱۹۶۲ م. ۱۱۴. ملا خاطر، ابراهیم، فضائل المدینة المنورة، دمشق- مدینه: مؤسسه علوم القرآن ۱۴۰۴ ق. ۱۱۵. نسائی، سنن، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا]. ۱۱۶. نهروانی المکی الحنفی، قطب الدین، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، بیروت: دارالرائق التراث العربی [بی تا]. ۱۱۷. واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (م ۲۰۷ هـ)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت: [بی تا]. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۳. ۱۱۸. وزارة الاعلام الشؤون الاعلامیة الاعلام الداخلي، فی خدمة ضیوف الرحمن، ریاض: دارالموسوعة العربیة ۱۴۱۱ ق. ۱۱۹. ولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین ۱۴۰۹ ق. ۱۲۰. همدانی، احمد الرحمانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى من المهد الى اللحد، بیروت: النعمان ۱۴۱۱ ق. ۱۲۱. یاسین، محمود، الرحلة الحج و العمرة، بیروت: دارالهجرة، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۱۲۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (۵۷۴-۶۲۶ هـ)، معجم البلدان، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران [بی تا]؛ مصر: تصحیح محمد الخانجی، احمد ناجی الجمالی ۱۳۲۳ ق، بیروت: دارالفکر [بی تا]. ۱۲۳. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر، الشهیر بابن واضح الاخباری (ف ۲۸۴ هـ)، تاریخ الیعقوبی، نجف: مکتبه المرتضویة ۱۳۵۸ ق؛ بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۳۷۹ ق. ۱۲۴. همو، کتاب

البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق. ۱۲۵. یلماز طرجان، الکعبه المشرفه، دراسة اثریه لمجموعه اقبالها و مفاتیحها المحفوظه فی متحف طوب قابی باستانبول، استانبول: ۱۴۱۴ ق.

(ب) فارسی

۱۲۶. ابو یوسف قاضی انصاری، یعقوب بن ابراهیم (۱۱۲-۱۸۲ هـ)، الخراج، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان: مدیریت جریده وزارت مالیه ۱۳۳۵ ق. ۱۲۷. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشد الصالح ملخس، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد ۱۳۶۸ ش. ۱۲۸. شوقی ضیف، العصر الجاهلی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۴ ش. ۱۲۹. فراهانی، میرزا عبدالحسین (۱۳۰۳)، سفرنامه فراهانی به قفقازیه- مکه، به اهتمام حافظ فرمانفرمایان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات ۱۳۴۲ ش. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۴، ۱۳۰. گمونه حسینی، سید عبدالرزاق، آرامگاههای خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش. ۱۳۱. مصاحب، غلامحسین (۱۲۸۹ هـ). دائرة المعارف فارسی، تهران: فرانکلین ۱۳۴۵ ش. ۱۳۲. نجفی، محمد باقر/ مدینه شناسی، بی‌نا، ۱۳۶۳ ش.

(ج) خارجی

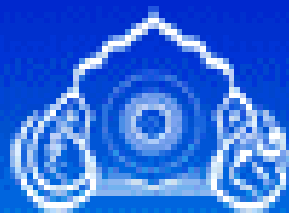
-. ۱۳۳ فی -۱۱۳۴. enoel. .-setilatneiro iuapicirpseD srucnoc ehcevA .-۱۹۱۳, amstuoH. hT. M. v
nnamlekorB lraC- ۱۳۶. ۱۹۷۲: -لا. ynnateaC -۱۳۵. ۱۹۸۷ nruhneboR. kroY weN. nedieL. llirB. jE
kroy wen. meihsedlih.- togaB nhoJ, bbulG- ۱۳۷. ۱۹۶۴, drofdarB dna nodnoL. -suiluJ
... ۱۹۷۳, serp nezruc nodnol. detnirp tsrif nothguots dna reddoh. -۱۳۸. ۱۹۷۰. nesohlleW.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتج غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

